



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

بسمه تعالی
امتحانات ارتقایی - شهریور ۱۳۹۰

معاونت آموزش

پاسخنامه

اداره امتحانات کتبی

اصول

موضوع :

۷

پایه :

۸

ساعت :

۹۰/۶/۱۳

تاریخ :

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول کتاب تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. امارات شرعیه و اصول عملیه جانشین کدام یک از انواع قطع می‌شوند؟ ب ۳۳ ع ۱۵۱
 - أ. قطع موضوعی مطلقاً
 - ب. قطع طریقی و قطع موضوعی طریقی ■
 - ج. قطع موضوعی وصفی
 - د. قطع طریقی و قطع موضوعی وصفی
۲. أصالة عدم القرينة وقول اللغويّ يعلمان لتشخيص.... د ۱۳۵ ع ۱۵۱
 - أ. مراد المتكلم
 - ب. الأوضاع في الأوّل ولتشخيص المراد في الثاني
 - ج. أوضاع الالفاظ
 - د. المراد في الأوّل ولتشخيص الأوضاع في الثاني ■
۳. مقتضى القاعدة في الاكتفاء بالإمتثال الاجماليّ مع التمكن من الامتثال التفصيلي بالعلم هو أ ۷۱ ع ۱۵۱
 - أ. الجواز في التعدييات والتوصليات ■
 - ب. الجواز في التوصليات فقط
 - ج. الجواز في التعدييات غير المستلزمة للتكرار فقط
 - د. عدم الجواز في التعدييات والتوصليات
۴. به نظر مصنف حدسی که از راه مقدمات ، کاشف از قول امام(ع) است. أ ۱۹۸ ع ۱۵۱
 - أ. محسوسه‌ای که عادتاً ملزوم قول امام باشد ■
 - ب. محسوسه‌ای که برای ناقل اجماع موجب علم به قول امام می‌شود
 - ج. اجتهادیه و نظریه حاصل شده باشد
 - د. اجتهادیه و محسوسه حاصل شده باشد

تشریحی:

* لو كان التجريّ على المعصية بالقصد إلى المعصية فالمرصّح به في الاخبار الكثيرة العفو عنه و إن كان يظهر من اخبار أخر العقاب على التقصد أيضاً مثل قوله (ص): «نِيّة الكافر شرّ من عمله».

۴۶-۴۸ ع ۲ و ۲ د

۱. دو وجه جمع بین اخبار دالّ بر عفو و دالّ بر عقاب را بنویسید.

حمل: ۱. اخبار دال بر عقاب بر قصد تجری مربوط به جایی است که علاوه بر قصد، مقدمات فعل را هم انجام داده باشد و اخبار مربوط به عفو جایی است که به صرف قصد اکتفا کرده باشد.

۲. اخبار عقاب مربوط به قصدی است که علی رغم میل او ، تحقق نیافته و عفو مربوط به قصدهایی است که شخص به اختیار خود منصرف شده است.

* من فروع العلم الاجمالي اقتداء الغير بهما(ای الشخصین المعلوم جنابة أحدهما) في صلاة او صلاتین، فإن قلنا بأنّ عدم جواز الاقتداء من أحكام الجنابة الواقعيّة... و إن قلنا: إنّه يكفي في جواز الاقتداء عدم جنابة الشخص في حكم نفسه... ۸۳ ع ۲۵۱

۲. اگر جنابت مانع علمی باشد، آیا اقتدا به دو شخص مذکور، در یک نماز صحیح است؟ چرا؟

بله؛ چون علم به جنابت هیچ یک از دو امام را ندارد.

* مقتضى القاعدة احتراز الخثى عن غيرها مطلقاً؛ للعلم الإجمالى بحرمه نظرها الى إحدى الطائفتين، فيجتنب عنهما مقدّمه. وقد يتوهم أنّ ذلك من باب الخطاب الإجمالى؛ لأنّ الذكور مخاطبون بالغضّ عن الأناث، وبالعكس، والخثى شاكّ فى دخوله فى أحد الخطابين. ٩٩ ع ١٥٢

٣. منظور از «خطاب اجمالى» چیست و چگونه بر مورد «خثى» منطبق مى شود؟

خطاب اجمالى يعنى نمى دانيم مورد، مصداق کدام خطاب است و در اینجا دو خطاب داريم: بنا بر یک خطاب، ذکور ملزم شده اند به اینکه از اناث چشمشان را بپوشانند و بنا بر خطاب دیگر اناث ملزم شده اند به اینکه از ذکور چشمشان را بپوشانند و ما نمى دانيم خثى مصداق خطاب اول است يا خطاب دوم.

* التبعّد بالظنّ الذى لم يبدل على التبعّد به دليل، محرّم بالأدلة الأربعة و من السنّة قوله (ع) فى عداد القضاة من أهل النار: «رجل قضى بالحقّ و هو لا يعلم».

٤. مدعا و دليل فوق را توضيح دهيد. ١٢٤-١٢٥ ع ٢٥٢

اصل اولی در تبعّد به ظنّ حرمت است و ادله اربعة بر آن دلالت دارد؛ همچون روايت مذکور که تقريب دلالت آن چنين است: قاضی که بدون علم قضاوت کند و نظرش مطابق با واقع نیز باشد، در جهنم معذب است. و در فرضی که مخطئ باشد به طريق اولی معذب خواهد بود. و عمل به ظنّ در فرضی که منتهی به قطع نشود، مصداق حکم بلا علم است.

٥. در صورت اختلاف قرائت، به گونه ای که موجب اختلاف مدلول دو آیه شود، حکم مسأله بنا بر تواتر قراءات چیست؟

١٥٧ ع ١٥٧

حکم مسئله این است که در این مورد اختلاف در قرائت به منزله دو آیه است و متعارضین هستند باید بینشان جمع کنیم به حمل ظاهر بر نص یا اظهر و اگر از جهت دلالت مساوی بودند باید توقف کنیم و رجوع کنیم به غیر دو آیه از ادله یا اصول.

* إنّ ظاهر أكثر القائلين باعتبار الاجماع المنقول بالخصوص: أنّ الدليل عليه هو الدليل على حجّية خبر العادل. ١٧٩ ع ١٥١

٦. چگونه ادله حجّیت خبر عادل، دلالت بر حجّیت اجماع منقول مى کند؟ وجه دلالت را توضيح دهيد.

اجماع منقول یکی از مصادیق خبر عادل است؛ پس ادله حجّیت خبر عادل شامل آن مى شود.

* ثمّ إنّ منشأ توهم كون الشهرة من الظنون الخاصة أمران: أحدهما أنّ أدلّة حجّية خبر الواحد تدلّ على حجّيتها بمفهوم الموافقة. وهذا خیالٌ ضعيف ووجه

الضعف: أنّ الاولوية الظنيّة أو هن بر مراتب من الشهرة مع أنّ الاولوية ممنوعة رأساً. ٢٣١ ع ٢٥٢

٧. وجه ممنوع بودن اولویت ظنّیه و اوهن بودن آن از شهرت را بنویسید.

أ. چون ما ظنّ داریم و بلکه علم داریم که ملاک و علت حجّیت خبر واحد، مجرد افاده ظنّ نیست تا شما بگوئید که این ظنّ در شهرت فتوایی هم هست بلکه شاید ملاک حجّیت در خبر واحد تبعّد باشد.

ب. چون شهرت فتوایی مظنون الحجّیه است ولی اولویت ظنّیه اولاً مظنون الحجّیه نیست و ثانياً محتمل الحجّیه هم نیست بلکه عدم حجّیت آن مقطوع است.

* إنّه تعالى أمر بالثبّت عند إخبار الفاسق، وقد اجتمع فيه وصفان، ذاتيّ وهو كونه خبر واحد، وعرضيّ وهو كونه فاسقاً، ومقتضى الثبّت هو الثاني؛ للمناسبة والاقتران، فلا يصلح الأوّل للعلیّة؛ وإلاّ لوجب الاستناد اليه؛ إذ التعلیل بالذات الصالح للعلیّة أولى من التعلیل بالعرضيّ؛ لحصوله قبل حصول العرضيّ. ۲۵۴ ع ۲۵۲

۸. مقصود از «للمناسبة والاقتران» چیست؟ ب. عبارت «إذ التعلیل بالذاتی...» را توضیح دهید.

أ. مناسبت حکم (وجوب تبیین) با موضوع (خبر فاسق)، و اقتران و نزدیکی این دو با هم، اقتضا می‌کند تثبت در خبر فاسق به خاطر لا ابالی بودن او باشد.

ب. اگر به ذاتی (خبر واحد بودن) بتوان تعلیل آورد نوبت به عرضی نمی‌رسد؛ زیرا وجود ذاتی قبل از وجود عرضی است.

* ومن جملة الآيات، قوله تعالى في سورة البراءة: «ومنهم الذين يؤذون النبيّ ويقولون هو أذنٌ قل أذنٌ خير لكم يؤمن بالله ويؤمن للمؤمنين»، مدح الله عزّ وجلّ رسوله بتصديقه للمؤمنين، بل قرنه بالتصديق بالله جلّ ذكره، فإذا كان التصديق حسناً يكون واجباً. ويرد عليه أولاً: أنّ المراد بالأذن السريع التصديق والاعتقاد بكلّ ما يسمع، لا من يعمل تعبداً بما يسمع من دون حصول الاعتقاد بصدقه. ۲۹۱ ع ۱۵۲

۹. عبارت «ويرد عليه...» را توضیح دهید.

حاصل الايراد: انّ الآية تدلّ على أنّ النبيّ (ص) سريع القطع فيكون تصديقه للمؤمنين لأجل حصول القطع بقولهم لا مطلقاً ولو تعبداً فيكون أجنبياً عن المقام الذي هو اعتبار قول المؤمن تعبداً.

پاسخنامه مدارس شهرستانها

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول کتاب تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. اِنْ ظَاهِرَ كَلِمَاتِ الْأَصْحَابِ فِي بَعْضِ الْمَقَامَاتِ هُوَ الْإِتْفَاقُ عَلَى ... كَمَا يَظْهَرُ مِنْ دَعْوَى جَمَاعَةِ الْإِجْمَاعِ عَلَى أَنْ ظَانَ ضَيْقَ الْوَقْتِ إِذَا أَخَّرَ الصَّلَاةَ عَصَى وَإِنْ انْكَشَفَ بَقَاءُ الْوَقْتِ. أ ۳۸ فهمی
- ا. أَنْ الْقَطْعَ حِجَّةً عَلَى الْقَاطِعِ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مُطَابِقاً لِلْوَاقِعِ ■
 ب. أَنْ مَا هُوَ حِجَّةٌ فَإِنَّمَا هُوَ الظَّنُّ الْمَطَابِقُ لِلْوَاقِعِ لَا مَطْلَقَ الظَّنِّ □
 ج. أَنْ الْقَطْعَ حِجَّةً فِي فِرْضِ مُطَابَقَتِهِ لِلْوَاقِعِ □
 د. أَنَّهُ لَا تَلَازِمَ بَيْنَ الظَّنِّ وَالْقَطْعِ فِي الْحِجَّةِ □
۲. کدام گزینه، از اقسام تجرّی نیست؟ د ۴۹-۴۸ حفظی
- ا. مجرد التصد إلى المعصية □
 ب. التصد مع الاشتغال بمقدماته □
 ج. التلبس بما يحتمل كونه معصيةً رجاءً لتحقق المعصية في حال عدم معذرية الجهل □
 د. التلبس به لعدم المبالاة بمصادفة الحرام في حال معذرية الجهل ■
۳. به نظر مصنف، کدام گزینه صحیح است؟ د ۱۶۹
- ا. حجّیت ظواهر مشروط به عدم وجود ظنّ غیر معتبر بر خلاف است □
 ب. حجّیت ظواهر مشروط به افاده ظنّ به مراد است □
 ج. حجّیت ظواهر مخصوص مقصودین به افهام است □
 د. ظواهر مطلقاً حجّت است ■
۴. به نظر مصنف، آیا مخالفت التزامی علم اجمالی جایز است؟ ج ۸۴ حفظی
- ا. در شبهه حکمیه جایز است ولی در موضوعیه جایز نیست □
 ب. در شبهه موضوعیه جایز است ولی در حکمیه جایز نیست □
 ج. در شبهه حکمیه و موضوعیه جایز است ■
 د. در هیچ کدام جایز نیست □

سؤالات تشریحی:

* الأول: هذا الفعل ممّا قامت البينة على كونه محرماً، وكلّ ما كان كذلك فهو حرام. فهذا حرام. الثاني: إنّ هذا معلوم الخمرية، وكلّ معلوم الخمرية يجب الاجتناب عنه، فيجب الاجتناب عن هذا.

۱. ا. بنا بر نظر مصنف، کدام یک از دو استدلال فوق صحیح است؟ چرا؟ ب. با توجه به صحت و سقم این دو استدلال، حکم اطلاق حجّت بر قطع و ظنّ را با دلیل آن بیان کنید. ۲۹

ا. الأول صحیح؛ لأنّ الظنّ الطريقي يقع موضوعاً للحکم الشرعی فيقع وسطاً لإثبات متعلّقه فيصحّ اطلاق الحجّة علیه. الثاني: غير صحيح؛ لأنّ أحكام الخمر تثبت للخمر الواقعی، لا لما علم أنّه خمر. ب. والقطع الطريقي لا يكون حجّة بالمعنى الاصولی أي ما كان وسطاً لإثبات أحكام متعلّقه.

* الظاهر عدم جواز المخالفة العملية للعلم الاجمالی فی الشبهة الموضوعية. فإن قلت: إذا أجرينا أصالة الطهارة في كلّ من الإثنين وأخرجناهما عن موضوع النجس بحکم الشارع فليس فی ارتكابهما - بناءً على طهارة كلّ منهما - مخالفة لقول الشارع «اجتنب عن النجس». قلت: إنّ حکم الشارع بخروج مجرى الأصل عن موضوع التكليف الثابت بالأدلة الاجتهادية لا معنى له الآ رفع حکم ذلك الموضوع. ۹۴-۹۳

۲. اشکالی را که در متن، بر عدم جواز مخالفت عملیه علم اجمالی مطرح شده، بیان کنید.

اشکال: مخالفت عملیه علم اجمالی حرام نیست؛ زیرا دلیل بر آن در انائین مشتبهین خطاب واقعی «اجتنب عن النجس» است که به واسطه علم اجمالی یقین داریم فعلی شده است، لکن با جریان «اصالة الطهارة» که اصل موضوعی است اطراف علم اجمالی تبعداً از موضوع دلیل «اجتنب عن النجس» خارج می‌شوند و بنا بر این، خطاب واقعی «اجتنب عن النجس» شامل نجس معلوم بالاجمال نمی‌شود و دیگر علم به

فعلیت آن نداریم و علم اجمالی نمی‌تواند مانع جریان «اصالة الطهارة» شود؛ زیرا «اصالة الطهارة» اصل موضوعی است و رافع موضوع خطاب واقعی «اجتناب عن النجس» می‌باشد.

* إنه تعالى أمر بالثبوت عند إخبار الفاسق، وقد اجتمع فيه وصفان، ذاتي وهو كونه خبر واحد، وعرضي وهو كونه فاسقاً، ومقتضى الثبوت هو الثاني؛ للمناسبة والاقتران، فلا يصلح الأوّل للعلية؛ وإلا لوجب الاستناد اليه؛ إذ التعليل بالذاتيّ الصالح للعلية أولى من التعليل بالعرضي؛ لحصوله قبل حصول العرضي. ۲۵۴

۳. أ. مقصود از «للمناسبة والاقتران» چیست؟ ب. عبارت «إذ التعليل بالذاتي...» را توضیح دهید.

أ. مناسبت حکم (وجوب تبیین) با موضوع (خبر فاسق)، و اقتران و نزدیکی این دو با هم اقتضا می‌کند تثبت در خبر فاسق به خاطر لا ابالی بودن او باشد.

ب. اگر به ذاتی (خبر واحد بودن) بتوان تعلیل آورد نوبت به عرضی نمی‌رسد زیرا وجود ذاتی قبل از وجود عرضی است.

* توهم بعض أن الشهرة تكون من الظنون الخاصة لأن أدلة حجية خبر الواحد تدل على حجيتها بمفهوم الموافقة، وهو ممنوع للظن بل العلم بأن المناسبات والعلّة في حجية الأصل ليس مجرد إفادة الظن. ۲۰-۲۳۱

۴. استدلال به مفهوم موافقت را تقریر کرده وجه منع را توضیح دهید.

ظنّ حاصل از شهرت قوی تر از ظن حاصل از خبر واحد است پس وقتی خبر واحد به خاطر افاده ظنّ حجّت شده است شهرت نیز باید به طریق اولی حجّت باشد وجه منع: ما می‌دانیم مناط حجّیت خبر واحد، تنها افاده ظنّ نیست لذا جائی برای اولویت باقی نمی‌ماند.

* إن وقوع التحريف في القرآن لا يمنع من التمسك بالظواهر لعدم العلم الاجمالي باختلال الظواهر بذلك مع أنه لو علم لكان من قبيل الشبهة الغير المحصورة مع أنه لو كان من قبيل الشبهة المحصورة أمكن القول بعدم قدحه، لاحتمال كون الظاهر المصروف عن ظاهره من الظواهر الغير المتعلقة بالأحكام الشرعية العملية التي أمرنا بالرجوع فيها إلى ظاهر الكتاب. ۱۵۸

۵. عبارت فوق در پی پاسخ به یک اشکال است. اشکال و پاسخ را بیان کنید.

اشکال: علم اجمالی به وقوع تحریف موجب می‌شود نتوانیم به ظهورات قرآن تمسک کنیم و با وجود علم اجمالی باید احتیاط کرد.

پاسخ: اولاً: علم اجمالی به اختلال ظواهر به واسطه تحریف نداریم؛ چون ممکن است که تحریف فقط در غیر ظواهر (مشابهات) واقع شده باشد. و ثانیاً: علم به وقوع تحریف در ظواهر قرآن از موارد علم اجمالی در اطراف شبهه غیر محصوره است که احتیاط لازم نیست. و ثالثاً: ممکن است آن ظواهری که قیود و مخصصات آنها تحریف شده است از ظواهری که در مورد احکام شرعیه است نباشد.

* الثاني من وجهي المنع عن العمل بظواهر الكتاب: إننا نعلم بطور التقييد والتخصيص والتجوز في أكثر ظواهر الكتاب وذلك مما يستقطها عن الظهور وفيه أولاً النقض بظواهر السنة و... ۱۴۹

۶. اشکال را تقریر کرده، پاسخ آن را بیان کنید.

اشکال: ما می‌دانیم اجمالاً که در مطلقات و عمومات قرآن تخصیص و تقیید آمده است و این باعث می‌شود که ظهورات کتاب، حجت نباشند. پاسخ: در ظواهر سنت هم تخصیص و تقیید و تجوز فراوان وارد شده است در حالیکه این امور مانع اخذ ظواهر سنت نیست.

* لو أقرّ بعين لشخص ثم أقرّ بها لآخر فإنّه يغرم للثاني قيمة العين بعد دفعها الى الأوّل فإنّه قد يؤدّي هذا الحكم الى الترخيص في مخالفة العلم التفصيلي المتولّد من العلم الإجمالي. ۸۱

۷. در چه فرضی ممکن است حکم فوق منجر به جواز مخالفت با علم تفصیلی متولّد از علم اجمالی شود؟

در صورتی که عین و قیمت در دست شخص واحدی جمع شود (مثلاً صاحب عین، آن را به صاحب قیمت ببخشد) و مالک، عین و قیمت را مجموعاً به ثمن واحدی بفروشد در این فرض شخص علم تفصیلی پیدا می‌کند که تمام ثمن به ملک وی در نیامده است زیرا که علم

اجمالی دارد که یا قیمت و یا عین مال مقرر است پس حکم فوق ممکن است منجر به جواز مخالفت با علم تفصیلی به حرمت تصرف در مال غیر شود.

* يستشكل على دلالة آية النفر على حجبة خبر الثقة أولاً: بأنه ليس فيها اطلاق وجوب الحذر، بل يمكن أن يتوقف وجوبه على حصول العلم. و ثانياً: بأن التفقه الواجب ليس إلا معرفة الامور الواقعية من الدين، فانحصر وجوب الحذر فيما إذا علم المنذر صدق المنذر في إنذاره بالأحكام الواقعية. والفرق بينهما: أن هذا الايراد مبنى على أن الآية ناطقة باختصاص مقصود المتكلم بالحذر عن الامور الواقعية، المستلزم لعدم وجوبه إلا بعد احراز كون الإنذار متعلقاً بالحكم الواقعي، وأما الايراد الأول فهو مبنى على سكوت الآية عن التعرض لكون الحذر واجباً على الاطلاق أو بشرط حصول العلم. ٢٨٢

٨. با توجه به عبارت، تفاوت دو اشکال را بیان کنید.

در اشکال اول احتمال مدخلیت علم در وجوب حذر را ذکر می کند. اما در دومی وجوب حذر را در خصوص مورد علم واجب می داند. به عبارت دیگر، در اشکال اول وجوب مشروط به حصول علم است و در اشکال دوم وجوب مطلق است و علم در متعلق اخذ شده است.

* (عدّ المصنف في محامل ادعاء الاجماع والاتفاق) الثالث: أن يستفيد اتفاق الكل على الفتوى مثلاً من اتفاقهم على العمل بالأصل عند عدم الدليل ومن المعلوم أن نسبة هذا الحكم الى العلماء في مثل ذلك لم تنشأ الا في مقدمتين: احديهما: كون ذلك الأمر المتفق عليه مقتضياً ودليلاً لولا المانع؛ ثانيهما: انتفاء المانع والمعارض ومن المعلوم أن الاستناد الى الخبر المستند الى ذلك غير جائز عند أحد من العاملين بخبر الواحد. ٢٠٤-٢٠٣

٩. أ. منشأ ادعای اجماع چیست؟ ب. مقصود از «ومن المعلوم أن الاستناد الى الخبر...» را توضیح دهید.

أ. منشأ ادعای اجماع از دو مقدمه تشکیل شده است: ١. امر متفق علیه مقتضی و دلیل بر حکم مجمع علیه باشد. ٢. مانع و معارضی برای آن وجود نداشته باشد. ب. مقصود از جمله مذکور این است که: نقل این گونه اجماع که مشتمل بر خبر از حکم شرعی بر اساس حدس و اجتهاد است مشمول ادله حجیت خبر واحد نیست. و هیچ یک از قائلین به حجیت خبر واحد به این گونه خبری عملی نمی کنند.

پاسخنامه مدارس شهرستانها

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۲/۰۶/۰۲	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول (سائل تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. إذا اختلف القراءة في الكتاب على وجهين مختلفين في المؤدّي بناءً على تواتر القراءات كلّها فهما بمنزلة آيتين متعارضتين فلا بدّ من ... ب. ۱۵۷
- أ. الرجوع إلى الأصول للتساقط
- ب. الجمع بينهما بحمل الظاهر على النص
- ج. التوقف و الرجوع إلى غيرها
- د. الأخذ بما طابق الإحتياط
۲. الاستعانة بالمطالب العقلية في تحصيل مناط الحكم التوقيفي و الانتقال من المناط إلى الحكم على طريق اللّم ب. ۶۴
- أ. جائز لأنّ أنس الذهن بها يوجب حصول الوثوق بالأحكام
- ب. غير جائز لأنّ أنس الذهن بها يوجب عدم حصول الوثوق بالأحكام
- ج. جائز لأنّه حجة باطنی
- د. غير جائز لأنّ دين الله لا يصاب بالعقول
۳. دلالة آية النفر على حجة خبر العادل كون خبر العادل اسوأ من خبر الفاسق. أ. ۲۵۵
- أ. متوقف على كون وجوب التبيّن شرطياً من غير توقف على
- ب. متوقف على كون وجوب التبيّن شرعياً من غير توقف على
- ج. غير متوقف على كون وجوب التبيّن شرعياً و
- د. غير متوقف على كون وجوب التبيّن شرطياً و عدم
۴. الاستدلال بمنطوق آية النبأ على حجة خبر مبنی على كون التبيّن شاملاً لتحصيل الظن. ب. ۲۷۴
- أ. العادل
- ب. الفاسق
- ج. العادل غير
- د. الفاسق غير

تشریحی

* قال العلامة: الإجماع عندنا حجة لاشتماله على قول المعصوم و كلّ جماعة قلّت أو كثرت كان قول الإمام في جملة أقوالها فإجماعها حجة لأجله لا للإجماع، و لكن لا يلزم من كونه حجة تسميته إجماعاً، و أمّا ما اشتهر بينهم من أنّه لا يقدح خروج معلوم النسب واحداً أو أكثر، فالمراد أنّه لا يقدح في حجة اتفاق الباقي لا في تسميته إجماعاً. ۱۸۶

۱. أ. معيار حجّيت در نزد شیعه چیست؟ ب. عبارت «و أمّا ما اشتهر...» را شرح دهید.

أ. كشف از قول معصوم ب. این که گفته‌اند: مخالفت معلوم النسب، مضرّ به اجماع نیست، منظورشان عدم اضرار در حجّیت است نه عدم اضرار در تسمیه بنا بر این حرفی که گفته شد نقض نمی‌شود.

* لا يصح الاستدلال بقوله تعالى: «وَلَوْ أَنفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» على حجة خبر الواحد؛ و ذلك لدلالاتها على وجوب التخوف عند تخويف المنذرين و هو مختص بمن يجب عليه اتباع المنذر في مضمون الحكاية و هو المقلّد له، إنّما الكلام في أنّه يجب عليه تصديق بخبره في الالفاظ و الأصوات التي يحكيها عن المعصوم. ۲۸۷

۲. چرا آیه شریفه دلیل بر حجّیت خبر واحد نیست؟

چون تخوف کسی را واجب می‌داند که تبعیت از منذرين براو واجب باشد پس فقط در حق مقلّد صحیح است و حال آن‌که بحث از خبر واحد مربوط به حجّیت خبر برای هر کسی است که آن سخن را بشنود.

* لم يتضح من حال الشيخ و أمثاله مخالفتهم للسيد إذ كانت أخبار الأصحاب يومئذ قريبة العهد بزمان لقاء المعصوم و استفادة الاحكام منه و كانت القرائن المعاضدة لها متيسرة و لم يعلم أنّهم اعتمدوا على الخبر المجرد ليظهر مخالفتهم لرأيه فيه. ۳۲۰

۳. چرا اجماع شيخ طوسی و اتباع ایشان با اجماع سيد تنافی ندارد؟

چون سید عمل به اخبار قریب العصر با معصوم را از نوع اخبار محفوف به قرینه می‌داند و از تحت اجماعش بر عدم عمل به اخبار آحاد خارج می‌داند، از مرحوم شیخ و اتباع ایشان نیز عمل به اخبار مجرد از قرائن معلوم نشده تا مخالف با اجماع سید شمرده شود.

* لا شك للمتبع في أحوال الرواة المذكورة في تراجمهم في كون أكثر الأخبار بل جلّها - إلا ما شذّ و ندر - صادرة عن الأئمة (عليهم السلام) وهذا العلم الاجمالي إنّما هو متعلق بالأخبار المخالفة للأصل المجردة عن القرينة، وإلا فالعلم بوجود مطلق الصادر ولو كان الصادر موافقاً للأصل لا ينفع. ۳۵۱

۴. مدعا و دلیل مذکور را توضیح دهید. ۷-۳۵۱

این عبارت دلیل عقلی بر حجّیت خبر واحد است تقریب دلیل: (با توجه به احوالات راویان) علم داریم که برخی از اخبار موجود از ائمه - (علیهم السلام) - صادر شده است و از آنجائی که این علم اجمالی در اخبار مخالف اصل، غیر محفوف به قرائن است به مقتضای حکم عقل باید به اخبار مظنون الصدور عمل نمود.

* إنّ الأخبار الناهية عن التفسير بالرأى لا تدلّ على المنع عن العمل بالظواهر الواضحة المعنى بعد الفحص عن نسخها وتخصيصها وإرادة خلاف ظاهرها في الأخبار؛ إذ من المعلوم أنّ هذا لا يسمّى تفسيراً. ۱۴۲

۵. اشکال و جواب مذکور را بیان کنید. چرا مصنف این موارد را تفسیر نمی‌داند؟

اشکال: اخباری داریم که منع کرده اند از عمل به ظواهر قرآن و گفته اند که نباید در قرآن به آراء عمل کرد.

جواب: این اخبار از عمل به ظواهری که معنایش واضح است بعد از فحص از مخصص منع نمی‌کند چون اینها که تفسیر نیست تا ممنوع باشد. فإنّ أحداً من العقلاء إذا رأى في كتاب مولاة أنّه أمره بشيء بلسانه المتعارف في مخاطبته له - عربياً أو فارسياً أو غيرها - فعمل به وامثله، لم يعد هذا تفسيراً؛ إذ التفسير كشف القناع.

۶. با توجه به قبح عمل به ظنّ در صورت انفتاح باب علم، چگونه می‌توان حجّیت اماره را از باب طریقت توجیه نمود؟ ۱۰۹

أما إيجاب العمل بالخبر على الوجه الأول، فهو وإن كان في نفسه قبيحاً مع فرض انفتاح باب العلم - لما ذكره المستدلّ من تحريم الحلال و تحليل الحرام - لكن لا يمتنع أن يكون الخبر أغلب مطابقة للواقع في نظر الشارع من الأدلة القطعية التي يستعملها المكلف للوصول إلى الحرام والحلال الواقعيين، أو يكونا متساويين في نظره من حيث الإيصال الى الواقع.

* لو توقّف الاحتياط على التكرار، ففي جواز الأخذ به وترك تحصيل الظنّ بتعيين المكلف به أو عدم الجواز، وجهان: من أنّ العمل بالظنّ المطلق لم يثبت إلاّ جوازه وعدم وجوب تقديم الاحتياط عليه، أمّا تقديمه على الاحتياط فلم يدلّ عليه دليل. ومن أنّ الظاهر أنّ تكرار العبادة احتياطاً في الشبهة الحكمية مع ثبوت الطريق إلى الحكم الشرعي خلاف السيرة المستمرة بين العلماء، مع أنّ جواز العمل بالظنّ إجماعاً. ۷۳

۷. دلیل جواز و عدم جواز احتیاط در فرض تمکّن از ظنّ تفصیلی انسدادی را بیان کنید.

دلیل جواز: جواز عمل به ظنّ مطلق ثابت شده است و احتیاط نیز واجب نیست اما تقدیم ظنّ بر احتیاط بلا دلیل است.

دلیل عدم جواز: تکرار عبادت احتیاطاً در شبهه حکمیه، خلاف سیره مستمره بین علماست ولی عمل به ظنّ اجماعی است پس نمی‌توان به احتیاط عمل کرد.

۸. فتوای مجتهدی که از راه جفر و رمل به حکم شرعی قطع حاصل می‌کند چه حکمی دارد؟ ۳۳

فإنّ القطع الحاصل من هذه وإنّ وجب على القاطع الأخذ به في عمل نفسه، إلاّ أنّه لا يجوز للغير تقليده في ذلك، (چون قطع از اسباب متعارف در موضوع جواز تقلید اخذ شده است).

۹. صحّت نظر صاحب فصول بر این که «إنّ التجرّی إذا صادف المعصية الواقعیة تداخل عقابهما» را از نظر مصنف در دو فرض زیر بررسی کنید: أ. مراد صاحب فصول از تداخل، وحدت عقاب باشد ب. مراد صاحب فصول از تداخل، عقاب زائد باشد. ۴۵

أ. إنّ التجرّی إذا كان عنواناً مستقلاً في استحقاق العقاب لا وجه للتداخل إن أُريد به وحدة العقاب، فإنّه ترجیح بلا مرجح ب. وإن أُريد به عقاب زائد على عقاب محض التجرّی، فهذا ليس تداخلاً؛ لأنّ كلّ فعل اجتمع فيه عنوانان من القبح يزيد عقابه على ما كان فيه أحدهما.



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات ارتقائی - مرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

پایه :	۷	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۸۸/۵/۱۸	ساعت :	۸

نام کتاب: فرآیند الاصول، از اول کتاب تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. إن وقوع التحريف في القرآن - على القول به - لا يمنع من التمسك بالظواهر ج ۱۵۸

أ. لاحتمال أن التحريف كان في غير الظواهر المتعلقة بالأحكام الشرعية

ب. لكون العلم الاجمالي من قبيل الشبهة غير المحصورة

ج. لانحلال العلم الاجمالي بموارد التحريف الواردة في الروايات

د. لعدم العلم الاجمالي بوقوع التحريف في الظواهر

۲. إذا أتم أحد واجدى المنى في الثوب المشترك بينهما بالآخر بطلت صلاته؛ ج ۸۰

أ. لأنه يخالف علمه الإجمالي

ب. لأنه يخالف علمه التفصيلي البدوي

ج. لأنه يخالف علمه التفصيلي الحاصل من العلم الاجمالي

د. لاجماع العلماء على بطلان صلاته

۳. به نظر شیخ کدام گزینه صحیح است؟ د ۱۸۰

أ. الملازمة بين حجية الخبر وحجية الاجماع المنقول مطلقاً.

ب. عدم الملازمة بين حجية الخبر وحجية الاجماع المنقول إذا كان مؤيداً بخبر ضعيف.

ج. الملازمة بين حجية الخبر وحجية الاجماع المنقول إذا كان مؤيداً بخبر ضعيف.

د. عدم الملازمة بين حجية الخبر وحجية الاجماع المنقول الذي كان بين المتأخرين.

۴. کدام گزینه، حکم پوشش خنثی در نماز است؟ ج ۱۰۰

أ. تمام بدن را بپوشاند ولی اجتناب از حریر لازم نیست.

ب. اجتناب از حریر لازم است ولی پوشاندن تمام بدن لازم نیست.

ج. تمام بدن را بپوشاند و از حریر نیز اجتناب کند.

د. نه پوشاندن بدن لازم است و نه اجتناب از حریر.

تشریحی:

۱. استدلال به عبارت: «خذ بما اشتهر بين أصحابك» بر حجیت شهرت فتوایی را با توجه به موصول و «اشتهر» بیان کنید. ۳-۳۲۳

بناءً على أن المراد من الموصول مطلق المشهور رواية كان أو فتوى، أو أن إناطة الحكم بالاشتهار تدل على اعتبار الشهرة في نفسها وإن لم تكن في الرواية.

* أ. «لو تصرف في مال بظن شرائه من الغير فبان أنه لم يشتره»؛ ب. «لو علم بغصبيّة أحد الغنمين فذبح أحدهما برجاء أنه ملكه فبان أنه ملكه».

۲. آیا در هر یک از مثال‌های فوق، تجرّی صادق است؟ چرا؟ حکم استحقاق عقاب آن را به نظر شیخ بیان کنید. ۵۰

أ. چون استصحاب عدم شراء داشته است ترخیص ندارد و عاصی است و مستحق عقاب است. ب. چون شک در اطراف علم اجمالی مجرای

(احتیاط است) و ترخیص ندارد لذا تجرّی صادق است ولی مستحق عقاب نیست.

۳. مستندات علم مدعی اجماع را بیان کنید. دو مورد را شرح دهید. ۷-۱۹۲

۱. حس. ۲. لطف. ۳. حدس.

حس (اجماع دخولی) حکم را از عده ای بشنود که امام قطعاً جزو آنهاست، لطف یعنی اگر تمام علمای یک عصر که بر یک نظر اتفاق دارند خطا داشته باشند بر امام واجب است که با نقل مخالف، از خطا جلوگیری کند و چون نقل مخالف ثابت نشده است پس امام نیز مخالف است و حدس این است که از کثرت نظر علمای مختلف در اعصار متفاوت یقین به نظر امام پیدا می کنیم.

* «مقتضى القاعدة جواز الاقتصار فى الامتثال بالعلم الاجمالى باتيان المكلف به، أما فيما لا يحتاج سقوط التكليف فيه الى قصد الإطاعة ففى غاية الوضوح، وأما فيما يحتاج الى قصد الإطاعة، فالظاهر أيضاً تحقق الإطاعة إذا قصد الاتيان بشيئين يقطع بكون أحدهما المأمور به». ۷۱

۴. مدعا و دلیل را توضیح دهید. علم اجمالی به تکلیف و علم اجمالی به امتثال را توضیح دهید.

مقتضای قاعده این است که بتوان با وجود تمکن از علم تفصیلی به امتثال به علم اجمالی اکتفا کرد.

در جائی که نیاز به قصد اطاعت نباشد، واضح است؛ اما در جائی که نیاز به قصد قربت دارد باز جایز است؛ زیرا اگر قصد اتیان به دو چیزی کند که می داند یکی مأمور به است قصد اطاعت محقق می شود.

علم اجمالی به تکلیف در جایی است که مکلف علم دارد یکی از این دو تکلیف جعل شده است ولی در علم اجمالی به امتثال می دانیم که تکلیفی هست (یا به تفصیل یا به اجمال) و واقع، با یکی از این اعمال نیز امتثال می گردد.

* «لو وجب الالتزام فإن كان بأحدهما المعين واقعاً فهو تكليف من غير بيان، ولا يلتزمه أحد وإن كان بأحدهما المخير فيه فهذا لا يمكن أن يثبت بذلك

الخطاب الواقعي المجمل، فلا بد له من خطاب آخر عقلي أو نقلي ولا خطاب آخر في البين». ۸۸-۸۷

۵. دلیل مذکور در عبارت، مبنی بر جواز مخالفت التزامی را بیان کنید.

اگر التزام بحکم واقعی واجب باشد یا به احدهمای معین است که این تکلیف بدون بیان است و درست نیست و اگر بأحدهما مخیراً باشد نمی توان التزام به احدهمای مخیر را با این خطاب واقعی مجمل ثابت کرد؛ پس باید خطاب دیگری عقلی یا نقلی باشد و این خطاب اولاً دلیل ندارد و ثانیاً معقول نیست.

* «أما قطع من خرج قطعه عن العادة فإن أريد بعدم اعتباره عدم اعتباره فى الأحكام التى يكون القطع موضوعاً لها - كقبول شهادته وفتواه - فهو حق».

۶. با توجه به عبارت، در چه صورت قطع قطع حجت نیست؟ چرا؟ ۱/۶۶

قطع کسی که قطع پیدا کرده و قطعش از متعارف خارج شده است اگر منظور عدم اعتبار قطع وی در احکامی است که قطع در موضوع آنها اخذ شده است مثل قبول شهادت و فتوا، درست است زیرا ادله اعتبار قطع در این موارد شامل این نوع قطع غیر متعارف نمی شود. (قطع موضوعی)

* «إن كانت المخالفة العملية مخالفة لخطاب مردّد بين خطابين فى المخالفة القطعية حينئذ وجوه. الثالث الفرق بين الشبهة فى الموضوع والشبهة فى الحكم فيجوز فى الاولى دون الثانية وكأن الوجه ما تقدّم: من أن الاصول فى الموضوعات تخرج مجاريها عن موضوعات أدلة التكليف، بخلاف الاصول فى الشبهات الحكمية، فإنها منافية لنفس الحكم الواقعي المعلوم اجمالاً». ۹۵

۷. خطاب مردّد بين خطابين را در ضمن مثال توضیح دهید. توجیه وجه سوم را با مثال بیان کنید.

كما إذا علمنا بوجوب الدعاء عند رؤية هلال شهر رمضان أو وجوب الصلاة عند ذكر النبى.

اگر یقین داشته باشیم یا این مایع شراب است تا مصداق «لا تشرب الخمر» باشد یا این زن اجنبیه است تا مصداق حرمت نظر به اجنبی باشد اصالت عدم خمریت این مایع و اصالت عدم اجنبیت این زن، این دو موضوع را از تحت دلیل حکم خارج می کند و عدم اجنبیت این زن و عدم خمریت این مایع با هیچ دلیل شرعی منافات ندارد. بر خلاف شبهات حکمیه که اگر علم داشته باشیم یا نماز ظهر واجب است یا غسل روز جمعه، جریان برائت از این دو با دلیل شرعی واقعی موجود، منافات دارد.

* «إن آية النبأ تدلّ على وجوب قبول خبر العادل دون خبر الفاسق والظاهر منها - بقرينة التفصيل بين العادل حين الإخبار والفاسق، وبقرينة تعليل اختصاص التبيين بخبر الفاسق بقيام احتمال الوقوع في الندم احتمالاً مساوياً؛ لأنّ الفاسق لا رادع له عن الكذب - هو عدم الاعتناء باحتمال تعمد كذبه، لا وجوب البناء على إصابته وعدم خطائه في حدسه؛ لأنّ الفسق والعدالة حين الإخبار لا يصلحان مناطين لتصويب المخبر وتخطئته بالنسبة الى حدسه».

۸. در عبارت فوق، مصنف در صدد اثبات حجیت اجماع منقول است یا نفی آن؟ چرا؟ قرائن استظهار مصنف را (با توضیح وجه قرینیت آن) بیان کنید.

مصنف در صدد نفی دلالت آیه است؛ چون مفاد آیه عدم اعتناء به تعمد کذب فاسق است و این مطلب از تفصیل بین عادل و فاسق و تعلیل استفاده می شود و خلاصه مفاد این است که چون فاسق مانعی نفسانی از تعمد بر کذب ندارد تبیین لازم است. بله، اگر مفاد آیه، وجوب قبول حدس عادل می بود، بر حجیت اجماع دلالت داشت.

قرائن: فسق و عدالت حين الاخبار نمی تواند مناط قبول حدس باشد بلکه آن گونه که گفته شد مناط قبول خبر، نفی تعمد بر کذب است.

* «الحقّ أنّ دعوى الناقلين للإجماع فى الفروع مبنیّ على استكشاف الآراء و رأى الإمام إمّا من حسن الظنّ بجماعة من السلف أو من أمور تستلزم باجتهادهم افتاء العلماء بذلك و صدور الحكم عن الإمام - عليه السلام - أيضاً. وليس فى هذا مخالفةً لظاهر لفظ "الإجماع" الذى لا يصدق إلاّ مع قصد المجمعين الى القرينة ولا تدليس؛ لأنّ دعوى الإجماع ليست لأجل اعتماد الغير عليه وجعله دليلاً يستريح اليه فى المسألة. نعم، قد يوجب التدليس من جهة نسبة الفتوى الى العلماء». ۲۱۱

۹. با توجه به عبارت فوق:

أ. وجه توهم حمل لفظ اجماع بر معنای غیر ظاهر آن و توهم تدلیس را به همراه جواب آنها توضیح دهید.

وجه توهم: ظاهر لفظ اجماع قصد و عزم مجمعین است در صورتی که مدعی اجماع، آن را تحصیل نکرده است؛ لذا باید اجماع را بر خلاف ظاهر حمل نمود و الا تدلیس است؛ چون مدعی اجماع، خلاف واقع را واقع جلوه داده است.

جواب از دو توهم: سرّ این که با فرض وجود مخالف، ادعای اجماع می کنند برای این است که هدف و ملاک اجماع (یعنی نظر امام) را احراز کرده اند و از طرفی برخی از علما نیز همان نظر را اختیار کرده اند. با این حساب، بر حکم مذکور، دعوی اجماع می کنند.

ب. استدراک در عبارت «نعم، قد یوجب التدلیس» را توضیح دهید.

سرّ این که تدلیس نیست: چون به کار بردن اجماع اگر به قصد به اشتباه انداختن سایر فقها باشد تا از آن به عنوان دلیل استفاده کنند، تدلیس و حرام است؛ اما قصد آنان از چنین ادعایی، این دو مسأله نیست.

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۳	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول کتاب تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. علی رأی المصنف، الاستدلال علی حجیة خبر غیر العادل بمنطوق آیه النبأ ب ۲۷۴
- أ. جائز لأن التبیّن أعم من العلمی و الظنی
- ب. غیر جائز لأن التبیّن ظاهر فی العلمی فقط
- ج. غیر جائز لأن التبیّن غیر ظاهر فی الأعم من العلمی و الظنی
- د. جائز لأن التبیّن ظاهر فی الظنی فقط
۲. علی رأی المصنف، المستفاد من أدلة حجیة الخبر الواحد حجیة ج ۳۶۶
- أ. ما یكون ثقة و لو لم یفد الوثوق
- ب. ما یكون مفیداً للظن شخصی
- ج. ما یفید الوثوق و الاطمینان بمؤداه
- د. ما یكون مفیداً للظن النوعی
۳. الأمارات الشرعیة تقوم مقام القطع أ ۳۳
- أ. الطریق و الموضوعی علی وجه الطریقة
- ب. الطریق المحض فقط
- ج. الموضوعی الوصفی فقط
- د. الموضوعی علی وجه الطریقة فقط
۴. بهترین توجیه کلام سید مرتضی: «اکثر اخبار مفید علم است» چیست؟ ب ۳۳۱
- أ. مراد از علم در کلام ایشان قطع است
- ب. مراد از علم اطمینان و علم عادی است
- ج. مراد از علم مطلق ظن است
- د. مراد از علم ظن شخصی است

تشریحی

- * قد یتوهم أنّ العمل بالاحتیاط من قبیل التبعید بغير العلم و هو غلط واضح، إذ فرق بین الالتزام بشیء من قبل المولی علی أنّه منه مع عدم العلم بأنّه منه، و بین الالتزام بإتیانه لاحتمال كونه منه أو رجاء كونه منه، و شتان ما بینهما، لأنّ العقل یستقل بقبح الأوّل و حسن الثانی. ۱۲۶
۱. توهم و ایراد آن را توضیح دهید.
- توهم: کسی که عمل به احتیاط می‌کند در واقع عمل به غیر علم کرده و متعبد به غیر علم شده است (مثلاً به چهار طرف نماز می‌خواند). اگر تعبد به غیر علم قبیح باشد باید عمل به احتیاط نیز قبیح باشد، در حالی که چنین نیست.
- جواب: تعبد و تدین به غیر علم به این معنا است که شخص التزام بشیء مشکوک پیدا کند به طور جزم و این قبیح است. در حالی که احتیاط التزام بشیء مشکوک است نه به طور جزم بلکه لاحتمال كونه منه أو رجاء كونه منه.
- * قد اشتهر فی السنة المعاصرین أنّ قطع القطاع لا اعتبار به فإنّ أُرید بذلك أنّه بعد انكشاف الواقع لا یجزی ما أتى به علی طبق قطعه فهو حق فی الجملة، لأنّ المكلف إن كان تكلیفه حین العمل مجرد الواقع من دون مدخلیة للاعتقاد بالمآتی به المخالف للواقع لا یجزی عن الواقع، سواء القطاع و غیره، و إن كان للاعتقاد مدخل فیهِ فإنّ قضیة هذا كفاية القطع المتعارف، لا قطع القطاع فیجب علیه الإعادة و إن لم تجب علی غیره. ۶۶-۷
۲. مراد از «قطع» کیست؟ وجه عدم اعتبار قطع او چیست؟
- قطع کسی است که از غیر طرق متعارفه برایش قطع حاصل می‌شود که این معنی اگر چه غالباً مطابق با کثیر القطع است ولی مساوی با او نیست. وجه عدم اعتبار: اگر مراد عدم اجزاء عمل قطع در مواردی است که قطع طریقی بوده و ما مکلف به عمل علی طبق الواقع هستیم این حرف درست است، ولی اختصاصی به قطع ندارد بلکه غیر قطع نیز مشمول این عدم اجزاء است و اگر مراد عدم اجزاء عمل قطع در مواردی است که قطع موضوعی بوده است این حرف درست است و مختص به قطع است؛ چون ظاهر از قطع مأخوذ در موضوع قطع متعارف است و شامل قطع غیر متعارف نشده است.

* إن قلت: إذا أجرينا أصالة الطهارة في كل من الإثنين و أخرجناهما عن موضوع النجس بحكم الشارع فليس في ارتكابها بناء على طهارة كل منهما مخالفة لقول الشارع «اجتنب عن النجس» قلت: أصالة الطهارة في كل منهما بالخصوص إنّما يوجب جواز ارتكابه من حيث هو، و أما الإثناء النجس الموجود بينهما فلا أصل يدلّ على طهارته؛ لأنّه نجس يقيناً. ٩٣

٣. وجه عدم منجزيت علم اجمالی و اشكال آن را توضیح دهید.

وجه: با جریان أصالة الطهارة در هر یک از اطراف علم اجمالی آن طرف از موضوع حکم «اجتنب عن النجس» خارج می‌شود و لذا ارتکاب آن دو مخالفت با حکم شارع نیست.

جواب: اصالة الطهارة در هر طرف من حيث هو و با قطع نظر از تعلق علم اجمالی جاری است ولی برائت در نجاست إناء موجود بینهما جاری نیست؛ چون معلوم بالتفصیل است.

* استدلال علی حجیة خبر الواحد بآية النبأ حيث إنّه تعالی أمر بالتثبت عند إخبار الفاسق دون العادل و إذا لم يجب التثبت عند إخبار العادل فإمّا أن يجب القبول و هو المطلوب أو الردّ فيكون حاله أسوأ من حال الفاسق و هو محال و فيه أنّه مبني علی ما يتراءى من ظهور الأمر بالتبيين في الوجوب النفسی فيكون هنا أمور ثلاثة الفحص عن الصدق و الكذب و الردّ من دون تبين و القبول كذلك. لكنك خبير بأن الأمر بالتبيين هنا مسوق لبيان الوجوب الشرطي، و أن التبيين شرط للعمل بخبر الفاسق دون العادل فالعمل بخبر العادل غير مشروط بالتبيين فيتم المطلوب من دون ضمّ مقدمة خارجية و هي كون العادل أسوأ حالاً من الفاسق. ٢٥٥

٤. أ. تفاوت شرطي و نفسی بودن و وجوب تبين را توضیح دهید. ب. وجه عدم احتیاج به مقدمه مذکوره را بیان کنید.

أ. تبين و وجوب نفسی داشته باشد یعنی در مورد خبر فاسق ولو فرض عمل نباشد، نفس تبين موضوعیت و ملاک دارد. ولی وجوب شرطي یعنی تبين شرط عمل بخبر فاسق است. ب. اگر تبين و وجوب شرطي داشته باشد خداوند تبين را شرط عمل به خبر فاسق می‌داند و خبر عادل چنین شرطي را ندارد و بدون تبين حجت است.

* ظاهر أكثر القائلين باعتبار الإجماع المنقول بالخصوص أن الدليل عليه هو الدليل علی حجیة خبر العادل. و فيه أنّه لا ملازمة بين حجیة الخبر و حجیة الإجماع المنقول لأنّ الأدلة الخاصة التي أقاموها علی حجیة خبر العادل لا تدلّ إلّا علی حجیة الإخبار عن حسّ إذ العمدة من تلك الأدلة هو الاتفاق الحاصل من عمل القدماء و أصحاب الأئمة و معلوم عدم مشموله إلّا للرواية المصطلحة. ١٨٠

٥. أ. وجه عدم شمول ادلّه خبر واحد را بیان کنید. ب. مقصود از «الرواية المصطلحة» چه روایتی است؟

أ. زیرا عمده دلیل بر حجیة خبر واحد اتفاق عملی قدماء و اصحاب ائمه است و این دلیل لبي است و اطلاق ندارد تا شامل اخبار حدسی که همان اجماع است باشد بلکه قدر متيقن آن اخبار حسی است. ب. روایت مصطلحة، روایتی که حساً نقل شده است.

* يستدلّ علی عدم امکان العمل بالظنّ بأنّ العمل به موجب لتحليل الحرام و تحريم الحلال؛ و فيه النقض بالأمور الكثيرة الغير المفيدة للعلم، كالفقوى و البيّنة و الید، بل القطع أيضاً؛ لأنّه قد يكون جهلاً مرکباً. ١٠٧

٦. أ. «لأنّه...» تعليل برای چیست؟ ب. وجه ترقی در «بل» را توضیح دهید.

أ. تعليل این که در قطع نیز تحليل حرام و تحريم حلال پیش می‌آید؛ زیرا ممکن است قطع، جهل مرکب باشد لذا عمل به آن، موجب مخالفت با واقع می‌شود.

ب. موارد سابق، حجتّ تعبدی‌اند در صورتی که قطع حجتّ ذاتی است یا این که در موارد سابق، احتمال خلاف وجود دارد؛ چون از ظنون‌اند ولی در قطع، احتمال خلاف وجود ندارد.

* إن الأخبار الناهية عن التفسير بالرأى لا تدلّ على المنع عن العمل بالظواهر الواضحة المعنى بعد الفحص عن نسخها و تخصيصها و إرادة خلاف ظاهرها في الأخبار، إذ من المعلوم أن هذه لا يسمّى تفسيراً. ١٤٢
٧. اشكال و پاسخ آن را بیان کنید.

اشكال: اخباری داریم که منع کرده اند از عمل به ظواهر قرآن و گفته اند که نباید در قرآن به آراء عمل کرد. جواب: این اخبار از عمل به ظواهری که معنایش واضح است بعد از فحص از مخصص منع نمی کند چون اینها که تفسیر نیست تا ممنوع باشد.
(فإنّ أحداً من العقلاء إذا رأى في كتاب مولاة أنّه أمره بشيء بلسانه المتعارف في مخاطبته له - عربياً أو فارسياً أو غيرهما - فعمل به وامثله، لم يُعدّ هذا تفسيراً؛ إذ التفسير كشف القناع.)

* قال بعض من المعاصرين: "إنّ الكلام إن كان مقروناً بحال أو مقال يصلح أن يكون صارفاً عن المعنى الحقيقي فلا يتمسك فيه بأصالة الحقيقة و إن كان الشك في أصل وجود الصارف أو كان هناك أمر منفصل يصلح لكونه صارفاً فيعمل على أصالة الحقيقة و هذا تفصيل حسن لكنه تفصيل في العمل بأصالة الحقيقة عند الشك في الصارف لا في حجة الظهور اللفظي و لذا توقّف جماعة في المجاز المشهور و لم يتوقف أحد في عام بمجرد احتمال دليل منفصل يحتمل كونه مخصّصاً له. ١٧٠

٨. مجاز مشهور را تعریف کنید. عبارت «و لذا توقّف...» تعلیل برای چیست؟ توضیح دهید.

اگر کثرت استعمال یک لفظ در معنای مجازی به حدی برسد که مانع از تبادل معنای حقیقی شود آن مجاز، مشهور است.
تعلیل برای عدم تفصیل در حجّیت ظهور است زیرا لفظ در مجاز مشهور مجمل است و ظهوری ندارد و لذا علما عمل نکرده اند ولی در مثال عام، لفظ در عموم ظهور دارد و دلیل منفصل آن را از حجّیت می اندازد پس ظهور مسلم است و مانع از حجّیت نیز ثابت است و لذا به آن عمل کرده اند خلاصه به هر ظهوری عمل شده است مگر در مورد مانع معلوم.

* روی فی البحار عن بصائر الدرجات، عن محمد بن عیسی قال: قرأنی داود بن فرقد الفارسی کتابه إلى أبي الحسن الثالث عليه السلام و جوابه بخطه، فكتب: نسألک عن المنقول عن آبائک و أجدادک عليهم السلام قد اختلفوا علينا فيه، فكيف العمل به على اختلافه؟ فكتب عليه السلام بخطه: «ما عَلِمْتُمْ أَنَّهُ قولنا فالزموه و ما لم تعلموه فردّوه الينا...». ٢٤٢

٩. کیفیت استدلال به این روایت بر عدم حجیت خبر واحد و اشکال آن را توضیح دهید.

چون ملاک قبول خبر در این روایت، علم قرار داده شده است و خبر واحد، علم آور نیست. - هذه الرواية خبر واحد لا يجوز الاستدلال بها على المنع عن الخبر الواحد.

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۵/۰۵/۰۷	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول کتاب تا اول اجماع منقول

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

- * إعلم أن المکلف إذا التفت الى حکم شرعی فاما أن يحصل له الشک فيه أو التقطع أو الظن فإن حصل له الشک فالمرجع فيه الاصول العملية ... ۲۵
۱. با توجه به عبارت، در کدام گزینه مکلف، به اصول عملیه مراجعه می‌کند؟ **د**
- أ. جهل مرکب ب. قطع حاصل از رمل و جفر ج. خبر عادل مخالف واقع د. ظن حاصل از رمل و جفر
۲. در کدام تجری، «جهل» عذر عقلی یا شرعی محسوب نمی‌شود؟ **ج ۴۹**
- أ. تدخین هنگام شک در حرمت سیگار ب. شرب مایع محتمل النجاسه‌ای که قبلاً طاهر بوده
- ج. اقامه صلاة به یک جهت هنگام شک به قبله د. ارتکاب بعض اطراف شبهه غیر محصوره
۳. الشبهة فی واجدی المنی فی الثوب المشترك یكون من جهة الاشتباه فی **ج ۷۸**
- أ. الخطاب الصادر عن الشارع ب. المکلف به ج. مصادیق متعلق الخطاب د. التکلیف
۴. کدام گزینه درباره ظواهر صحیح است؟ **ب ۱۶۰**
- أ. لیس بحجة ب. حجة من باب الظن النوعی ج. حجة إن تحصل منه الظن الشخصی د. حجة تعبداً

تشریحی

۱. اصطلاحات زیر را تعریف کرده و مثال بزنید. **۴-۳۳**
- أ. قطع موضوعی طریقی: **قطعی که به عنوان اینکه کاشف از واقع است در حکم دخالت دارد، مثل «المقطوع الخمریه حرام» و مثل «المقطوع کونه مطلوباً لمولاه حسن فعله»**
- ب. قطع موضوعی وصفی: **قطعی که به عنوان اینکه وصفی برای قاطع است در حکم دخالت دارد، مثل «القاطع بالخمیر یجب علیه الاجتناب».**

- * أمّا ما ذکر من الدلیل العقلی، فنلتزم باستحقاق من صادف قطعه الواقع، لأنّه عصی اختیاراً، دون من لم یصادف. و قولک: إنّ التفاوت بالاستحقاق و العدم لا یحسن أن یناط بما هو خارج عن الاختیار، ممنوع؛ فإنّ العقاب بما لا یرجع بالأخره الى الاختیار قبیح إلا أنّ عدم العقاب لأمر لا یرجع الى الاختیار قبحه غیر معلوم.
۲. استدلال «قولک ...» در اثبات حرمت تجری را بنویسید. **ب. اشکال مذکور بر این استدلال را تبیین کنید. ۴۰**
- أ. اگر تجری حرام نباشد لازمه‌اش اناطه عقاب و عدم عقاب به امر غیر اختیاری (اینکه مصادف با واقع در بیاید یا نیاید) است و این لازمه باطل است (زیرا منافی با مقتضای عدالت است). **ب. عقاب به خاطر امر غیر اختیاری یا غیر منتهی به اختیار، قبیح است اما عدم عقاب به خاطر امر غیر اختیاری قبیح نیست.**

- * لعلّ نظر الاخباریین فی عدم حجیة العقل إلى ما یستفاد من الأخبار من أنّ کلّ حکم مستکشف بغیر واسطة الحجّة ملغی فی نظر الشارع و إن کان مطابقاً للواقع. قلت: أولاً: نمنع مدخلیة توسط تبلیغ الحجّة فی وجوب إطاعة حکم الله سبحانه؛ کیف! و العقل بعد ما عرف أنّ الله تعالی لا یرضی بترك الشیء الفلانی، و علم بوجود إطاعة الله، لم یحتج ذلك إلى توسط مبلغ. **۶۰-۵۸**
۳. مدعا و دلیل اخباریون را بنویسید. **ب. جواب مذکور را تبیین کنید.**

أ. مدعا: حکم قطعی عقل، حجت نیست. دلیل: حکم قطعی عقل، حکمی است که معصوم علیه السلام واسطه تبلیغ آن نیست. و حکمی که معصوم علیه السلام واسطه تبلیغ آن نباشد، حجت نیست (به دلیل روایات) پس حکم قطعی عقل، حجت نیست.

ب. موضوع (و علت تامه) وجوب اطاعت، «حکم الله» است (به عبارتی؛ حکم الله واجب المتابعة) نه «حکم الله بشرط توسط تبلیغ الحجّة» و با تحقق قطع و علم به حکم الله، موضوع وجوب یعنی علت تامه وجوب، محقق شده و وجوب اطاعت نیز به فعلیت می‌رسد. و نیازی به چیز دیگری نیست (چون علت وجوب، علت تامه است).

* أمّا لو كان الظنّ ممّا ثبت اعتباره بالخصوص، فالظاهر أنّ تقديمه على الاحتياط إذا لم يتوقّف على التكرار مبنيّ على اعتبار قصد الوجه، و حيث قد رجّحنا في مقامه عدم اعتبار نيّة الوجه؛ فالأقوى جواز ترك تحصيل الظنّ و الأخذ بالاحتياط. ۷۴

۴. فرض مذکور را به همراه نظر شیخ و دلیل ایشان بنویسید.

در صورتی که عمل تبعدی باشد و تحصيل ظنّ خاص در مورد آن وجود داشته باشد و احتیاط مستلزم تکرار نباشد، تقدیم ظن خاص بر احتیاط از جهت لزوم قصد وجه است و إلا وجهی برای تقدیم عمل به ظن و ترک احتیاط نیست ولی مصنف قصد وجه را واجب نمی‌داند؛ پس وجهی برای تقدیم نیست؛ زیرا جماعتی از اصحاب امتثال اجمالی را مجزی نمی‌دانند ولی عمل بر طبق ظنّ خاص بالاجماع صحیح است (گرچه امتثال اجمالی جایز است؛ زیرا تنها دلیل بر عدم جواز، اعتبار قصد الوجه است که هیچ دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد).

۵. آیا علم تفصیلی متوکّد از علم اجمالی حجت است؟ چرا؟ مثال بزنید. ۷۹

بله، زیرا قطع طریقی مطلقاً حجت است و تفاوتی نمی‌کند که از چه سببی حاصل شود. مثل اینکه مکلف علم اجمالی دارد که یا محدثاً نماز خوانده یا مستدبراً، و از این علم اجمالی، یک علم تفصیلی به بطلان نماز متوکّد می‌شود.

* أمّا المخالفة العمليّة: فإن كانت مخالفة لخطاب مردّد بين خطابين - كما إذا علمنا بنجاسة هذا المائع أو بحرمة هذه المرأة - ففي المخالفة القطعية حينئذٍ وجوه: ... الثاني: عدم الجواز مطلقاً؛ لأنّ مخالفة الشارع قبيحة عقلاً مستحقّة للذمّ عليها، و لا يعذر فيها إلّا الجاهل بها. ۹۴

۶. ا. دو خطاب موجود در مثال را مشخص کنید. ب. قول مذکور درباره «مخالفت عملیه قطعیه» را همراه با دلیل بنویسید.

۱. اجتنب عن النجس ۲. اجتنب عن الأجنبية.

ب. مخالفت عملیه قطعیه با خطاب مردد جایز نیست؛ زیرا مخالفت با شارع است و مخالفت با شارع قبیح است.

* التعبد بالظنّ الذي لم يدلّ على التعبد به دليل، محرّم بالأدلة الأربعة، و يكفى من الكتاب قوله تعالى: ﴿... قل الله أذن لكم أم على الله تفترون﴾.

۷. ا. مراد از «تعبد بالظنّ» در عبارت فوق چیست؟ ب. نحوه استدلال به آیه شریفه فوق بر «حرمة تعبد بالظنّ» را توضیح دهید. ۱۲۵

ا. المراد من التعبد بالظنّ هو العمل بالظنّ مع اسناد مؤداه الى الله تعالى. ب. وجه الدلالة أنّه اذا حصل الظنّ ممّا لم يقم دليل على اعتبارها على

شيء كوجوب الدعاء عند رؤية الهلال فاسناد وجوب الدعاء الى الله تعالى يصدق عليه الافتراء لأنّه ليس ممّا أذن به الله تعالى.

* الثاني من وجهى المنع عن العمل بظواهر الكتاب إنّنا نعلم بطروء التقييد و التخصيص و التجوّز في أكثر ظواهر الكتاب و ذلك ممّا يسقطها عن الظهور، و

فيه: أنّ هذا لا يوجب السقوط و إنّما يوجب الفحص عمّا يوجب مخالفة الظاهر. ۱۴۹

۸. با توجه به عبارت، استدلال «مانعین از عمل به ظواهر قرآن» را همراه با جواب آن توضیح دهید.

استدلال: علم اجمالی داریم که اکثر ظواهر قرآن مشمول تقييد و تخصيص و تجوز شده‌اند یعنی مطلقاً در معنی غیر ظاهری یعنی مقید به

کار رفته‌اند و هكذا عامها و حقیقتها. و با علم اجمالی ظهور آیات در اطلاق و عموم و معنای حقیقی قابل أخذ نیست؛ چون یقین اجمالی

به عدم اراده آنها داریم. جواب: علم اجمالی بعدی موجب سقوط ظهور قبلی نیست نهایتاً فحص از حجج مخالف این ظهور،

شرط است و پس از فحص و یأس، اخذ به ظاهر متیقن است.

* استدّلوا على اعتبار قول اللغويين: باتّفاق العلماء بل جميع العقلاء على الرجوع إليهم و فيه: أنّ المتيقّن من هذا الاتّفاق هو الرجوع إليهم مع اجتماع شرائط الشهادة من العدد و العدالة و نحو ذلك، لا مطلقاً؛ أ لا ترى أنّ أكثر علمائنا على اعتبار العدالة فيمن يرجع إليه من أهل الرجال بل و بعضهم على اعتبار التعدّد، و الظاهر اتّفاقهم على اشتراط التعدّد و العدالة في أهل الخبرة في مسألة التقويم و غيرها. ١٧٤

٩. استدلال قائلين به حجيت قول لغوى را نوشته و نقد کنید.

استدلال: مراجعه به قول لغوى امرى اجماعى است و اجماع علما بر امر باطل مجال است؛ پس قول لغوى حجت است. نقد: اجماع مذکور فقط اصل مراجعه را اثبات مى کند اطلاق رجوع را اثبات نمى کند تا حتى در فرضى که از سخن آنها فقط ظن حاصل شود يا شرايط شهادت در آنها نباشد لازم الرجوع باشد تا در نتیجه رجوع به لغوى صرفاً از باب تعبد باشد.

پاسخنامه مدارس شهرستانها

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. ظاهر من قال بحجیة الإجماع المنقول حجیة المتواتر المنقول. ب ۲۲۷
- أ. من جهة كونه ناشئاً من المبادئ المحسوسة
- ب. و لو لم يكن ناشئاً من المبادئ المحسوسة
- ج. من جهة كونه ناشئاً من المبادئ المحسوسة عدم
- د. و لو لم يكن ناشئاً من المبادئ المحسوسة عدم
۲. دلالة آية النفر على حجیة خبر العادل كون خبر العادل اسوأ من خبر الفاسق. أ ۲۵۵
- أ. متوقف على كون وجوب التبيين شرطياً من غير توقف على
- ب. متوقف على كون وجوب التبيين شرعياً من غير توقف على
- ج. غير متوقف على كون وجوب التبيين شرعياً و
- د. غير متوقف على كون وجوب التبيين شرطياً و عدم
۳. الاستدلال بمنطوق آية النبأ على حجیة خبر مبنى على كون التبيين شاملاً لتحصيل الظن. ب ۲۷۴
- أ. العادل
- ب. الفاسق
- ج. العادل غير
- د. الفاسق غير
۴. به نظر مصنف، کدام گزیننه، وجه اندراج مسأله خبر واحد در مسایل اصولی است؟ ج ۲۳۸-۲۳۹
- أ. إن البحث في علم الأصول عن الأدلة بما هي أدلة
- ب. إن البحث عن دليّة الدليل بحث عن أحوال الدليل
- ج. البحث عن حجیة خبر الواحد، بحث عن ثبوت السنّة به و عدم ثبوتها
- د. إن البحث في علم الأصول عن الأدلة بما هي هي

تشریحی

* قال العلامة: الإجماع عندنا حجّة لا شتماله على قول المعصوم و كلّ جماعة قلّت أو كثرت كان قول الإمام في جملة أقوالها فإجماعها حجّة لأجله لا للإجماع، و لكن لا يلزم من كونه حجّة تسميته إجماعاً، و أمّا ما اشتهر بينهم من أنّه لا يقدر خروج معلوم النسب واحداً أو أكثر، فالمراد أنّه لا يقدر في حجیة اتفاق الباقي لا في تسميته إجماعاً. ۱۸۶

۱. أ. معيار حجیة در نزد شیعه چیست؟ ب. عبارت «و أمّا ما اشتهر...» را شرح دهید.

أ. کشف از قول معصوم ب. این که گفته‌اند: مخالفت معلوم النسب، مضرّ به اجماع نیست، منظورشان عدم اضرار در حجیة است نه عدم اضرار در تسمیه بنابر این حرفی که گفته شد نقض نمی‌شود.

* حاصل الکلام: أنّ الناقل للإجماع إن احتمل في حقّه تتبّع فتاوی من ادّعی إتّفاقهم حتّى الإمام الّذی هو داخل في المجمعین فلا إشکال في حجیته و في إلحاقه بالخبر الواحد؛ إذ لا يشترط في حجیته معرفة الإمام (ع/السلام) تفصيلاً حين السماع منه. ۲۱۲

۲. أ. مدعا چیست؟ ب. عبارت «إذ لا يشترط»، دلیل چیست؟ توضیح دهید.

أ. اگر در مورد مدعی اجماع، این احتمال را بدهیم که فتاوی همه حتی نظر امام (ع/السلام) تتبّع کرده است چنین اجماعی، حجت و ملحق به خبر واحد است. ب. دلیل بر الحاق این اجماع به خبر واحد است چون در نقل خبر از امام، لازم نیست امام بعینه مشخص باشد.

* و في المقبولة بعد فرض السائل تساوی الروایتین في العدالة قال: «ينظر إلى ما كان من روايتهم عنّا المجمع عليه بين أصحابك فيؤخذ به و يترك الشاذ الذي ليس بمشهور عند أصحابك فإنّ المجمع عليه لا ريب فيه» بناءً على أنّ المراد من المجمع عليه في الموضوعين هو المشهور بقرينة إطلاق المشهور عليه في قوله: «و يترك الشاذ الذي ليس بمشهور» فيكون في التعليل بقوله: «فإنّ المجمع عليه...» دلالة على أنّ المشهور مطلقاً ممّا يجب العمل به و إن كان مورد التعليل الشهرة في الرواية. ۲۳۳

۳. عبارت در صدد اثبات چیست؟ استدلال را توضیح دهید.

حجیت شهرت فتوائیه، مراد از «مجمع علیه»، مشهور است، البته مورد روایت، شهرت روایی است منتهی تعلیل به «إنَّ المجمع علیه...» شامل شهرت فتوایی نیز می‌باشد «از باب العلة تعمم».

* مما يدل على المنع عن العمل بخبر الواحد قول النبي (ص) «ما جئكم عنى لا يوافق القرآن فلم أقله» وجه الاستدلال بها: أن الأخبار المخالفة لظاهر القرآن في غاية الكثرة، و المراد من المخالفة ليس هي المخالفة على وجه التباين الكلى بحيث يتعذر أو يتعسر الجمع؛ إذ لا يصدر من الكذابين عليهم ما يباين الكتاب و السنة كلياً. و الجواب: أنه خبر واحد لا يجوز الاستدلال بها على المنع عن الخبر الواحد. ۲۴۳-۲۴۶

۴. مراد از مخالفت چیست؟ اشکال مصنف بر استدلال را توضیح دهید.

مراد از مخالفت، مخالفت به نحو تباین جزئی است. نفی حجیت خبر واحد به خبر واحد مصادره است.

* إن مفهوم الآية لو دل على حجية خبر العادل لدل على حجية الإجماع الذي نقله السيد المرتضى. و فيه بعد الغرض أن الآية لا تشمل الإجماع المنقول و أن إجماعهم معارض بإجماع الشيخ و اتباعه، أن دخوله يستلزم خروجه فيستحيل دخوله. ۲۶۴

۵. مدعا و اشکالات آن را توضیح دهید.

مدعا: مفهوم آیه نبأ: اگر دلالت بر حجیت خبر عادل بکنند قهراً بر حجیت اجماع منقول سید مرتضی هم دلالت می‌کند؛ زیرا اجماع سید مرتضی هم خبر عادل است؛ پس با آیه، عدم حجیت خبر عادل ثابت می‌شود.

اشکالات: ۱. شامل اجماع منقول (حدسی) نمی‌شود. اجماع سید خبری است که با خبر شیخ طوسی مبنی بر اجماع معارض است ۳. لازم می‌آید از وجودش عدمش و این محال است.

* لا يصح الاستدلال بقوله تعالى: «أَوَلَا نَقَرَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» على حجية خبر الواحد؛ و ذلك لدلالاتها على وجوب التخوف عند تخويف المنذرين و هو مختص بمن يجب عليه اتباع المنذر في مضمون الحكاية و هو المقلد له، إنما الكلام في أنه يجب عليه تصديق خبره في الألفاظ و الأصوات التي يحكيها عن المعصوم. ۲۸۷

۶. چرا آیه شریفه دلیل بر حجیت خبر واحد نیست؟

چون تخوف کسی را واجب می‌داند که تبعیت از منذرين براو واجب باشد پس فقط در حق مقلد صحیح است و حال آن‌که بحث از خبر واحد مربوط به حجیت خبر برای هر کسی است که آن سخن را بشنود.

* لم يتضح من حال الشيخ و أمثاله مخالفتهم للسيد إذ كانت أخبار الأصحاب يومئذ قريبة العهد بزمان لقاء المعصوم و استفادة الأحكام منه و كانت القرائن المعاضدة لها متيسرة و لم يعلم أنهم اعتمدوا على الخبر المجرد ليظهر مخالفتهم لرأيه فيه. ۳۲۰

۷. چرا اجماع شیخ طوسی و اتباع ایشان با اجماع سید تنافی ندارد؟

چون سید عمل به اخبار قریب العصر با معصوم را از نوع اخبار محفوف به قرینه می‌داند و از تحت اجماعش بر عدم عمل به اخبار آحاد خارج می‌داند، از مرحوم شیخ و اتباع ایشان نیز عمل به اخبار مجرد از قرائن معلوم نشده تا مخالف با اجماع سید شمرده شود.

* لا شك للمتتبع في أحوال الرواة المذكورة في تراجمهم في كون أكثر الأخبار بل جلها - إلا ما شذ و ندر - صادرة عن الأئمة (عليهم السلام) وهذا العلم الاجمالي إنما هو متعلق بالأخبار المخالفة للأصل المجردة عن القرينة، وإلا فالعلم بوجود مطلق الصادر ولو كان الصادر موافقاً للأصل لا ينفع. ۳۵۱

۸. مدعی □ و دلیل مذکور را توضیح دهید. ۳۵۱-۷

این عبارت دلیل عقلی بر حجّیت خبر واحد است تقریب دلیل: (با توجه به احوالات راویان) علم داریم که برخی از اخبار موجود از ائمه - (علیهم السلام) - صادر شده است و از آنجائی که این علم اجمالی در اخبار مخالف اصل، غیر محفوظ به قرائن است به مقتضای حکم عقل باید به اخبار مظنون الصدور عمل نمود.

* لو أخبر ثقة بإخبار جماعة يستلزم عادةً تحقّق المخبر به، بأن يكون حصول العلم بالمخبر به لازم الحصول لإخبار الجماعة كان اللازم من قبول خبره

الحکم بتحقیق الملزوم فیثبت اللازم. ۲۲۷ س ۱۵۲

۹. عبارت فوق، در صدد اثبات چیست؟ توضیح دهید.

عبارت در مقام اثبات حجّیت تواتر منقول است. بدین تقریب که اگر ثقه ای از خبر جماعتی خبر دهد - مانند اینکه خبر دهد هزار نفر از موت زید خبر داده‌اند - لازمه قبول خبر شخص اول، حکم به تحقق ملزوم یعنی اخبار هزار نفر است و با اثبات خبر این تعداد، موت زید ثابت می شود.



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - مرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

اصول ۱	موضوع :	۷	پایه :
۸	ساعت :	۸۸/۵/۱۸	تاریخ :

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول الاجماع المنقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه به نظر شیخ غلط است؟ ب ۲۵۲ و ۲۵۱

- أ. ما دلّ علی عدم جواز تصدیق الخبر الذی لا یوجد علیه شاهد من کتاب الله یحمل علی غیر خبر النقه أو صورة التعارض
- ب. ما دلّ علی بطلان ما لم یوافق کتاب الله و انه زخرف یحمل علی صورة التعارض
- ج. ما یدلّ علی عدم صدور الخبر المخالف للکتاب والسنة عنهم یحمل علی اصول الدین
- د. ما دلّ علی عدم جواز تصدیق الخبر المحکی عنهم إذا خالف الکتاب یحمل علی اصول الدین أو صورة التعارض

۲. کدامیک از ادله زیر به نظر شیخ، دلیل حجیت خبر واحد است؟ د ۲۹۹

- أ. آیه النفر: «فلو لا نفر من کل فرقة طائفة...»
- ب. آیه السؤال: «فاسئلوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون»
- ج. آیه الکتمان
- د. ما دلّ من السنة علی ارجاع آحاد الرواة الی آحاد أصحابهم

۳. به نظر شیخ مراد از «اهل الذکر» در آیه شریفه «فاسئلوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» با توجه به قرینه سیاق چیست؟ ج ۲۸۹

- أ. علماء عادل
- ب. مطلق عالم
- ج. علماء اهل کتاب
- د. ائمة معصومین (ع)

۴. برخی بر استدلال به آیه نبأ بر حجیت خبر واحد اشکال کرده اند که رجوع به ظنّ در اصول جایز نیست، جواب مرحوم شیخ انصاری کدام گزینه است؟ ب ۲۷۲

- أ. إن الظنّ إذا کان حجة یجوز التمسک به حتی فی اصول الدین
- ب. إن ما لا یصحّ التمسک به بالظنّ الحاصل من الظهور اللفظی هو اصول الدین لا اصول الفقه
- ج. إن الخبر الواحد یفید العلم بالحجیة لا الظنّ بها
- د. إن الأخبار محفوفة بالقرائن المفیده للعلم أو للإطمئنان بمفادها

تشریحی:

۱. دو تقریب استدلال به مرفوعه زراره «... خذ بما اشتهر بین أصحابک...» بر حجیت شهرت فتوا را توضیح دهید. ۲۳۲ سخت
جواب: ۱. إن المراد من الموصول (ما اشتهر) مطلق المشهور رواية کان أو فتوی. ۲. إناطة الحكم بالاشتهار تدلّ علی اعتبار الشهرة فی نفسها و إن لم تكن فی الروایة.

۲. به نظر مانعین حجیت خبر واحد، مراد از مخالفت کتاب در اخبار دالّ بر طرح اخبار مخالف کتاب و سنت چه نوع مخالفتی است؟ ۲۴۵ متوسط

و المراد من المخالفة للکتاب فی تلك الأخبار لیس هی المخالفة علی وجه التباين الکلی بحیث یتعذر أو یتعسر الجمع بل التباين الجزئی.

۳. استدلال به مفهوم وصف در آیه نبأ را بیان کنید. « إن جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا » ۲۵۴ متوسط

إنه أمر بالتثبت عند خبر الفاسق و قد اجتمع فيه وصفان حقيقي وهو كونه خبر واحد وعرضي وهو كونه خبر فاسق ومقتضى التثبت الثاني للمناسبة والاقتران فإن الفسق يناسب عدم القبول مع أن التعليل بالذاتى أولى من التعليل بالعرضى و إذا لم يجب التثبت فإما أن يجب القبول وهو المطلوب أو الرد فيكون غير الفاسق أسوء حالاً من الفاسق.

۴. اشکال شده است که با توجه به این که فحص از وجود معارض واجب است پس عمل به مفهوم آیه نبأ در احکام شرعیه ممکن نیست، جواب شیخ انصاری را بیان کنید. ۲۷۰ متوسط

وجوب التفحص عن المعارض غير لزوم التبين في الخبر فإن الأول يؤكد حجبة الخبر ولا ينافيها.

۵. دو اشکال مشترک بر تقریب دلالت آیه نفر و کتمان بر حجیت خبر واحد را بنویسید. ۲۸۷ و ۲۸۲ متوسط

۱. يدل على وجوب الحذر (والإظهار) ولا دليل على اطلاقه فلعله واجب إذا أفاد العلم.

۲. التفقه ليس الآ العلم بالامور الواقعية من الدين وهى الامور التى يتفقه فيها و لا يجب القبول الآ عند الانذار عنها (والإظهار).

۶. دو معنایی که برای لفظ «أذن» در آیه شریفه «أذن خير لكم» ذکر شده است را بیان کنید و تنها اشاره کنید بر اساس کدام یک از این دو معنی، آیه دلالت بر حجیت خبر ثقه می کند؟ ۲۹۲ متوسط

۱. سریع التصديق والاعتقاد بكل ما يسمع. ۲. من يعمل تعبداً بما يسمع من دون حصول الاعتقاد بصدقه - والاستدلال متوقف على المعنى الثانى.

۷. تقریب دلالت روایت: «إذا نزلت بكم حادثة لا تجدون حكمها فيما روى عنا فانظروا الى ما روى عن علي(ع)» بر حجیت خبر ثقه را بنویسید. ۳۰۲ ساده

دل على الأخذ بروايات الشيعة وروايات العامة مع عدم وجود المعارض من روايات الخاصة.

۸. مقدمات سه گانه اثبات حکم شرعی به وسیله خبر واحد را بیان کنید و بگویند که بحث از حجیت خبر واحد متکفل اثبات کدام مقدمه می باشد؟ ۲۳۷ و ۲۳۸

الأولى: كون الكلام صادراً عن الحجّة. الثانية: كون صدوره لبيان حكم الله لا على وجه آخر من تقيّة أو غيرها. الثالثة: ثبوت دلالتة على الحكم المدعى - وأما المقدمة الاولى فهى التى عقد لها مسألة حجبة اخبار الآحاد.

* «الدليل الأول على حجبة مطلق الظن: أن فى مخالفة المجتهد لما ظنّه من الحكم الوجوبى أو التحريمى مظنة للضرر، ودفع الضرر المظنون لازم». ۳۶۷

۹. دلیل بر ثبوت صغرى و اشکال حاجبى بر كبرى را بیان کنید.

أما الصغرى: فلأن الظنّ بالوجوب ظنّ باستحقاق العقاب على الترك. كما أن الظنّ بالحرمة ظنّ باستحقاق العقاب على الفعل. وأجاب الحاجبى بمنع الكبرى وأن دفع الضرر المظنون إذا قلنا بالتحسين والتقيح العقليين احتياط مستحسن لا واجب.



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۹۰

پاسخنامه

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۰/۶/۱۳	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. الاجماع الحدسی حجة إذا كان الحدس مستنداً إلى أ ۱۹۸

أ. مباد محسوسة ملزومة عادة لمطابقة قول الامام ■ ب. مباد محسوسة قد تكون موجبة لعلم المدعى بمطابقة قول الامام

ج. اجتهادات و أنظار شخصية د. اعم من المبادئ المحسوسة و الاجتهادات

۲. به نظر مصنف، کدام گزینه، وجه اندراج مسأله خبر واحد در مسائل اصولی است؟ د ۲۳۸

أ. إن البحث في علم الأصول عن الأدلة بما هي أدلة ب. إن البحث في علم الأصول عن الأدلة بما هي هي

ج. إن البحث عن دليلية الدليل بحث عن أحوال الدليل د. البحث عن حجیة خبر الواحد، بحث عن ثبوت السنّة به و عدم ثبوتها ■

۳. الأقرب حمل الأخبار الدالة على عدم صدور الخبر المخالف للكتاب والسنّة، على ب ۲۵۱

أ. صورة تعارض الخبرين ب. الأخبار الواردة في اصول الدين ■

ج. المخالفة بنحو العموم من وجه في الفروع د. المخالفة بنحو العموم المطلق

۴. به نظر مصنف، وجوب تبين در آیه نبأ است. أ ۲۵۵

أ. شرطی ■ ب. نفسی ج. تبعی د. تخییری

تشریحی:

* إن الإجماع في مصطلح الخاصة بل العامة هو اتفاق جميع العلماء في عصر ... ففي إطلاق الإجماع على اتفاق من عدا الإمام بحيث يكشف عن صدور الحكم عن الإمام مسامحة في مسامحة وحاصل المسامحتين إطلاق الإجماع على اتفاق طائفة يستحيل بحكم العادة خطئهم وعدم وصولهم إلى حكم الإمام عليه السلام. ۱۸۴ و ۱۸۹

۱. دو مسامحة مذکور را بنویسید.

۱. اطلاق اجماع بر قول طائفه ای از امامیه با اینکه آنها بعض امتند نه همه امت.

۲. اطلاق اجماع به قول جماعتی که بدانیم امام در بین آنها نیست و قول آنها کاشف از قول امام است.

۲. ثمره عملی اختلاف مبنایی سید مرتضی و شیخ طوسی در حجیت خبر واحد، در کجا ظاهر می شود؟ توضیح دهید. ۳۲۳

ع ۱۰۱

ثمره این اختلاف در دو جا ظاهر می شود: ۱. در خبری که به نظر سید متواتر است ولی به نظر شیخ خبر واحد غیر جامع شرایط است که بعمل به السید دون الشیخ. ۲. در خبری که به نظر شیخ، جامع شرایط و معتبر است ولی نزد سید متواتر نیست فیعمل به الشیخ دون السید؛ چرا که تمامی احادیث مدون در کتب معتبره، نزد سید متواتر و نزد شیخ جامع شرایط نیستند.

* ومن جميع ما ذكرنا يظهر الكلام في المتواتر المنقول وأن نقل التواتر في خبر لا يثبت حجّيته ولو قلنا بحجّية خبر الواحد لأنّ التواتر صفة في الخبر تحصل باخبار جماعة تفيد العلم للسامع ويختلف عدده باختلاف خصوصيات المقامات وليس كلّ تواتر ثبت لشخص ممّا يستلزم في نفس الأمر عادةً تحقّق المخبر به. ۲۲۷

۳. وجه «عدم حجّيت نقل تواتر» را توضیح دهید.

إنّ التواتر من الامور الاضافية فيختلف باختلاف الأشخاص والمقامات فيمكن أن يكون الخبر متواتراً عند الناقل دون المنقول اليه، لامكان حصول العلم لشخص بنقل جماعة وعدم حصول العلم بنقل هذه الجماعة لشخص آخر.

۴. به نظر مصنّف، آیا می توان برای اثبات مسائل اصول فقه و اصول دین به یک دلیل ظنی معتبر استدلال کرد؟ چرا؟ ۲۷۲
برای اثبات مسائل اصول فقه به مطلق ظنّ نمی توان استناد کرد ولی به ظنّ معتبر می توان استناد کرد ولی برای اثبات مسائل اصول دین نمی توان به ظنّ استناد کرد مطلقاً.

۵. استدلال به آیه «فاسئلوا اهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» بر حجّیت خبر واحد را بنویسید. ۲۸۹

وجوب سؤال مستلزم وجوب قبول جواب است و الا سؤال لغو است و اگر جواب باید قبول شود سخن جواب دهنده بدون سؤال هم باید قبول شود چون سؤال خصوصیت ندارد.

۶. وجه استدلال به روایت «خذوا ما رووا وذرّوا ما رأوا» بر حجّیت خبر واحد را بیان کنید. ۲۴۴

روایت ظهور در حجّیت روایات بنی فضال دارد زیرا امام دستور می دهد به احادیث آنان عمل کنید و با قول به عدم فصل، بر حجّیت روایات مطلق ثقة دلالت می کند.

* والحاصل أنّ الاجماع الذي ادّعاه السيّد [على عدم حجّية خبر الواحد] قولیّ وما ادّعاه الشيخ [على حجّية خبر الواحد] عمليّ والجمع بينهما يمكن بحمل عملهم على ما احتفّ بالقرينة عندهم. ۳۳۰

۷. با توجه به عبارت، جمع بین اجماع سیّد و شیخ را توضیح دهید.

اجماع مدعای سید بر عدم حجّیت خبر واحد قولی است و اجماع شیخ بر حجّیت خبر واحد عملی است یعنی ولو اصحاب گفته اند خبر واحد حجت نیست اما به خبر واحد محفوف به قرائن عمل می کنند.

۸. استدلال مصنف به سیره عقلا بر حجّیت خبر واحد را بیان کنید. ۳۴۵ (ع: ۲: ۱)

استقرار طریقه العقلاء طراً على الرجوع الى خبر الثقة في أمورهم العادية، منها الأوامر الجارية من الموالى الى العبيد. فنقول: إنّ الشارع إن اکتفى بذلك منهم في الأحكام الشرعية فهو، و إلاّ وجب عليه ردّهم وتنبیهم على بطلان هذا السلوك في الأحكام الشرعية، وحيث لم يردع علم منه رضاه بذلك.

۹. روایت «إنّ الناس أولعوا بالكذب علينا كأنّ الله افترض عليهم ولا يريد منهم غيره» چگونه بر حجّیت خبر واحد دلالت دارد؟ ۳۰۹ (ع: ۲: ۲)

اگر بنای مسلمانان بر عمل به روایات متواتر یا روایاتی بود که قرینه ای علم آور به همراه داشته باشد گفتار کسانی که بر پیامبر و ائمه حدیث جعل می کردند مورد اعتنا واقع نمی شد و کسی حریص بر دروغ بستن نمی شد، لذا معلوم می شود خبر واحد حجت بوده و عمل مسلمانان بر عمل به آن بوده است.

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۴	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

- لو أضيف الإجماع إلى من عدا الإمام عليهم كقوله: أجمع أصحابنا أو نقل الإجماع المطلق في مقابل الخلاف فلا اشكال في ... ب ۱۹۱ (ع: ۱ د: ۱)
 - عدم حجیة نقله فی الثاني دون الاول
 - عدم حجیة نقله فی كليهما
 - حجیة نقله فی كليهما
 - حجیة نقله فی الثاني دون الاول
- در عبارت «من جملة الظنون الخارجة بالخصوص عن أصالة حرمة العمل بغير العلم، خبر الواحد» به نظر مصنف، مقصود از «أصالة حرمة العمل» چیست؟ ج ۲۳۷ ع ۱۵۱
 - استصحاب بقای حرمت
 - استصحاب عدم حجیة الظن
 - قاعده مستفاد از ادله اربعه
 - د. أصالة العموم
- و مما أورد على الاستدلال بأية النبأ على حجیة خبر الواحد بما لا يمكن دفعه ... أ ۲۵۸ (د ۲ س ع ۱)
 - تعارض المفهوم والتعليل
 - تعارض مفهوم الآية مع الآيات الناهية عن العمل بغير العلم
 - عدم شمول آية النبأ للاخبار مع الوساطة
 - د. انحصار مفهوم الآية في المعصوم و من في حكمه
- روایت «أما ما رواه زرارة عن أبي فلا يجوز رده» بر کدام گزینه دلالت دارد؟ د ۲۹۹ (ع: ۱ د: ۱)
 - حجیت شهرت روایی
 - ب. ترجیح قول زراره در مقام تعارض
 - از اصحاب اجماع بودن زراره
 - د. حجیت خبر ثقه مأمون

سؤالات تشریحی:

۱. آیا بین «حجیت خبر واحد» و «حجیت اجماع منقول به خبر واحد» ملازمه وجود دارد؟ چرا؟ ۱۷۹

خیر؛ چون ادله حجیت خبر واحد، مربوط به اخبار حسی است؛ ولی اجماع منقول، جزء اخبار حدسی است.

* إطلاق لفظ الإجماع بقول مطلق على إجماع الإمامية فقط مع أنهم بعض الأمة لا كلهم ليس إلا لأجل المسامحة من جهة أن وجود المخالف كعدمه من حيث مناط الحجیة. ۱۸۷ ع ۱۵۲

۲. أ. مراد از «مناط الحجیة» چیست؟ ب. چرا اطلاق لفظ اجماع بر «اجماع امامیه» مسامحه است؟

أ. مناط الحجیة هو اشتماله على قول الامام عليهم ب. چون مراد از اجماع باید کل امت باشد نه بعض امت و امامیه بعض امت هستند لذا اطلاق اجماع بر امامیه مسامحه دارد.

* (عدّ الشيخ في محامل ادعاء الاجماع والاتفاق) الثالث: أن يستفيد اتفاق الكلّ على الفتوى مثلاً من اتفاقهم على العمل بالأصل عند عدم الدليل ومن المعلوم أن نسبة هذا الحكم الى العلماء في مثل ذلك لم تنشأ الا في مقدمتين: احديهما: كون ذلك الأمر المتفق عليه مقتضياً ودليلاً لولا المانع؛ ثانيهما: انتفاء المانع والمعارض ومن المعلوم أن الاستناد الى الخبر المستند الى ذلك غير جائز عند أحد من العاملين بخبر الواحد. ۲۰۳-۲۰۴

۳. أ. منشأ ادعای اجماع چیست؟ ب. مقصود از «ومن المعلوم» را توضیح دهید.

أ. منشأ ادعای اجماع از دو مقدمه تشکیل شده است: ۱. امر متفق علیه مقتضی و دلیل بر حکم مجمع علیه باشد. ۲. مانع و معارضی برای آن وجود نداشته باشد ب. مقصود از جمله مذکور این است که: نقل این گونه اجماع که مشتمل بر خبر از حکم شرعی بر اساس حدس و اجتهاد است مشمول ادله حجیت خبر واحد نیست. و هیچ یک از قائلین به حجیت خبر واحد به این گونه خبری عملی نمی کنند.

* توهم بعض: أن الشهرة تكون من الظنون الخاصة لأن أدلة حجية خبر الواحد تدل على حجيتها بمفهوم الموافقة، وهو ممنوع للظن بل العلم بأن المناط والعلّة في حجّية الأصل ليس مجرد إفادة الظن. ۲۰-۲۳۱

۴. استدلال به مفهوم موافقت را تقرير کرده، وجه منع را توضیح دهید.

ظنّ حاصل از شهرت قوی تر از ظنّ حاصل از خبر واحد است پس وقتی خبر واحد به خاطر افاده ظنّ حجّت شده است شهرت نیز باید به طریق اولی حجّت باشد در صورتی که می دانیم مناط حجّیت خبر واحد، تنها افاده ظنّ نیست لذا جائی برای اولویت باقی نمی ماند.

* ومن الأخبار التي تدلّ على جواز العمل بخبر الواحد ما ورد في قوله «يا أيها» «ستكثر بعدى القالة وإنّ من كذب علىّ فليتبوء مقعده من النار» فإنّ بناء المسلمين لو كان على الاقتصار على المتواترات لم يكثر القالة والكذابة. ۳۰۸ ع ۱۵۲

۵. کیفیت استدلال به روایت را بر حجیت خبر واحد توضیح دهید.

حضرت در روایت می فرماید: بعد از من، مفتریان بر من زیاد خواهند شد. زیاد شدن مفتریان در صورتی است که بنای مسلمین بر عمل به اخبار آحاد باشد؛ زیرا اگر مسلمین فقط به خبر متواتر عمل می کردند کسی بر پیغمبر افترا نمی بست؛ چون خبرش خبر واحد است و مسلمین به او عمل نمی کنند. بنا بر این افترایش لغو می شود.

* (أدلة حجّية خبر الواحد) ممّا أورد على آية النّبأ معارضة مفهوم الآية بالآيات الناهية عن العمل بغير العلم، والنسبة عموم من وجه، فالمرجع إلى أصالة عدم الحجّية. ۲۶۲ ع ۱۵۲

۶. بنا بر ایراد مذکور، چگونه بین آیات ناهیه از عمل به غیر علم و مفهوم آیه «نبا»، نسبت «عموم و خصوص من وجه» برقرار می شود؟

آیات نهی از عمل به خبر واحد می کند چه مخبر عادل باشد چه فاسق، مفهوم دلالت بر حجیت خبر عادل می کند علمی باشد یا ظنی باشد.

ماده افتراق آیات: خبر فاسق ظنی. ماده افتراق مفهوم: خبر عادل علمی. ماده اجتماع: خبر عادل ظنی.

* قد يستدلّ بمنطوق آية النّبأ على حجّية خبر غير العادل إذا حصل الظنّ بصدقه بناء على أنّ المراد بالتبیین ما يعمّ تحصيل الظنّ فإذا حصل من الخارج ظنّ بصدق خبر الفاسق كفي في العمل به. ۲۷۴

۷. کیفیت استدلال به منطوق آیه نبا بر حجیت خبر واحد را بنویسید. ب. برای «إذا حصل من الخارج ظنّ» مثال بزنید.

أ. ظاهر آیه شریفه، حجیت خبری است که تبیین شده باشد و اگر مراد از تبیین، اعم از تحویل ظنّ و علم باشد منطوق آیه شریفه حجّیت خبری است که ظنّ به صدقش حاصل شده باشد؛ پس خبر فاسق را هم شامل می شود. ب. مثلاً مشهور علما به آن خبر عمل کرده باشند از این راه، ظنّ به صدق آن پیدا کنیم.

* يستشكل على دلالة آية النفر على حجّية خبر الثقة أولاً: بأنّه ليس فيها اطلاق وجوب الحذر، بل يمكن أن يتوقّف وجوبه على حصول العلم. و ثانياً: بأنّ التفقّه الواجب ليس إلّا معرفة الأمور الواقعية من الدين، فانحصر وجوب الحذر فيما إذا علم المنذر صدق المنذر في إنذاره بالأحكام الواقعية. والفرق بينهما: أنّ هذا الايراد مبنی على أنّ الآية ناطقة باختصاص مقصود المتكلم بالحذر عن الامور الواقعية، المستلزم لعدم وجوبه إلّا بعد احراز كون الإنذار متعلّقاً بالحكم الواقعي، وأمّا الايراد الأوّل فهو مبنی على سكوت الآية عن التعرّض لكون الحذر واجباً على الاطلاق أو بشرط حصول العلم. ۲۸۲

۸. با توجه به عبارت، تفاوت دو اشکال را بیان کنید.

در اشکال اول احتمال مدخلیت علم در وجوب حذر را ذکر می کند. اما در دومی وجوب حذر را در خصوص مورد علم (احکام واقعیه) واجب می داند.

* وأمّا السنّة فتوائف من الأخبار، منها: ما ورد في الخبرين المتعارضين مثل رواية عوالی اللالی المروية عن العلامة المرفوعة الى زرارّة: «قال: يأتي عنكم الخبران أو الحديثان المتعارضان فبأيهما أخذ؟ قال: خذ بما اشتهر بين أصحابك ودع الشاذّ النادر، قلت: أنّهما معاً مشهوران؟ قال: خذ بأعدلهما عندك وأوثقهما في نفسك». ۲۹۷ ع ۲۵۲

۹. استدلال به روایت فوق بر حجیت خبر واحد را توضیح دهید.

لولا أنّ خبر الواحد الثقة حجة لما كان معنى لفرض التعارض بين الخبرين ولا معنى للترجيح بالمرجّحات المذكورة والتخيير عند عدم المرجّح.

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۳	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره دراره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. إذا علمنا بأن بعض المجمعين على حجية الأخبار يعملون بالخبر من حيث علمهم بالصدور فالعمل بذلك الخبر ج ۳۵۰
- أ. واجب مطلقاً ب. غير جائز مطلقاً ج. واجب إذا حصل لنا العلم بصدوره د. واجب إذا لم يحصل العلم بعدم صدوره
۲. آية النفر تدلّ على وجوب ج ۲۸۵-۶
- أ. الاجتهاد كفاية دون وجوب التقليد ب. التخوف عند التخويف دون الاجتهاد كفاية
- ج. التخوف عند التخويف و الاجتهاد كفاية د. التقليد و التخويف دون الاجتهاد
۳. القول بكون المراد بالجهالة في آية النبأ السفاهة الآية على حجية خبر الواحد. ب ۲۶۱
- أ. موافق لظاهر الآية فلا تدلّ ب. خلاف ظاهر لفظ الجهالة فلا تدلّ
- ج. موافق لظاهر لفظ الجهالة فتدلّ د. خلاف ظاهر الآية فتدلّ
۴. إذا كان استناد ناقل الإجماع إلى الحس فخيره ما إذا كان استناده إلى الحدس. ب ۲۱۴
- أ. حجة نظير ب. حجة بخلاف ج. غير حجة نظير د. غير حجة بخلاف

تشریحی

* الظاهر من آية النبأ هو عدم الاعتناء باحتمال تعدد كذبه، لا وجوب البناء على إصابته و عدم خطائه في حدسه؛ لأنّ الفسق و العدالة حين الإخبار لا يصلحان مناطين لتصويب المخبر و تخطئته بالنسبة إلى حدسه. ۱۸۱

۱. عبارت، در صدد اثبات حجیت اجماع منقول است یا نفی آن؟ توضیح دهید.

در صدد نفی دلالت آیه است؛ چون مفاد آیه عدم اعتناء به تعدد کذب است. بله، اگر مفاد آیه، وجوب قبول حدس عادل می بود، بر حجیت اجماع دلالت داشت و همچنین فسق و عدالت حين الاخبار، ربطی به قبول حدس ندارد و فقط طبق آیه، نفی تعدد بر کذب به دست می آید.

* قد استدلّ على حجية الشهرة برواية زرارة قال: قلت جعلت فداك، يأتي عنكم الخبران أو الحديثان المتعارضان فبأيّهما نعمل؟ قال: خذ بما اشتهر بين أصحابك ودع الشاذّ النادر ... بناءً على أن المراد بالموصول مطلق المشهور رواية كان أو فتوى أو أن اناطة الحكم بالاشتهار تدلّ على اعتبار الشهرة في نفسها وإن لم تكن في الرواية. ۲۳۲-۳

۲. دو تقریب دلالت روایت بر حجیت شهرت فتوائیه را توضیح دهید.

۱. مراد از مای موصوله در خذ بما اشتهر مطلق مشهور است چه روایت باشد و چه فتوای مشهور؛ پس امام علیه السلام امر به اخذ فتوای مشهور هم کرده است. ۲. وجوب اخذ به روایت مشهور را منوط به شهرت کرده است؛ پس ملاک، نفس شهرت است و شهرت در هر جایی که باشد اعتبار خواهد داشت.

* إن مفهوم آية النبأ غير معمول به في الموضوعات الخارجية التي منها مورد الآية، وهو إخبار الوليد بارتداد طائفة، ومن المعلوم أنه لا يكفي فيه خبر العادل الواحد، بل لا أقل من اعتبار العدلين، فلا بد من طرح المفهوم؛ لعدم جواز إخراج المورد. وفيه: أن غاية الأمر لزوم تقييد المفهوم - بالنسبة إلى الموضوعات - بما إذا تعدد المخبر العادل.

٢٧١

٣. اشكال استدلال به آية نبأ بر حجيت خبر واحد و پاسخ آن را توضیح دهید.

مفهوم (حجیت خبر واحد) مورد آیه را که اخبار ولید است شامل نمی‌شود؛ زیرا در اثبات موضوعات، خبر واحد کافی نیست و نیاز به دو مخبر عادل (بینه) دارد.

جواب: نهایت امر، این است که مفهوم آیه شریفه را نسبت به اخبار در موضوعات تخصیص می‌زنیم.

* ورد في الخبرين المتعارضين، من الأخذ بالأعدل والأصدق والمشهور والتخيير عند التساوي مثل رواية عوالي اللآلي المروية عن العلامة المرفوعة الى زرارة: قال: يأتي عنكم الخبران أو الحديثان المتعارضان فبأيهما أخذ؟ قال: "خذ بما اشتهر بين أصحابك ودع الشاذ النادر" قلت: إنهما معاً مشهوران؟ قال: "خذ بأعدلهما عندك و أوثقهما في نفسك" ... و الظاهر أن دلالتها على اعتبار الخبر الغير المقطوع الصدور واضحة إلّا أنّها لا إطلاق لها؛ لأنّ السؤال عن الخبرين اللذين فرض السائل كلاً منهما حجّة يتعيّن العمل بها لولا المعارض، كما يشهد به السؤال بلفظة "أى".

٢٩٧

٤. دو احتمال در معنی روایت را بیان کنید.

١. از اینکه راوی وجه عمل به دو روایت متعارض را سؤال می‌کند معلوم می‌شود که هریک از دو روایت در صورت عدم تعارض حجّت بوده‌اند و لهذا امام علیه السلام امر به اخذ روایت مشهور می‌کنند و این شهرت مرجح روایت می‌گردد و نه شرط حجیت و نیز از تعبیر به اوثق و اعدل همین فهمیده می‌شود.

٢. روایت، دلالت بر اینکه چه خبری حجت است ندارد، بلکه موضوعش تعارض دو خبری است که حجیتش مفروغ می‌باشد.

* يمكن الجمع بين اجماع السيد و اجماع الشيخ بأن مراد السيد من العلم الذي ادّعا في صدق الأخبار هو مجردة الاطمئنان لا اليقين الذي لا يقبل الإحتمال رأساً فمراد الشيخ من تجرّد هذه الأخبار عن القرائن تجرّدها عن القرائن الأربع و هي موافقة الكتاب أو السنة أو الإجماع أو دليل العقل و مراد السيد من القرائن التي ادّعى في عبارته هي الأمور الموجبة للوثوق بالراوي أو بالرواية و حينئذٍ فيحمل إنكار الإمامية للعمل بخبر الواحد على إنكارهم للعمل به تعبداً أو لمجرد حصول رجحان بصدقة على ما يقوله المخالفون.

٣٣١

٥. اختلاف نظر سيد مرتضى و شيخ طوسي و راه حل آن را توضیح دهید.

اختلاف: سيد مرتضى، مدعى علم به صدق اخباری است که مورد عمل اصحاب بوده و شيخ مدعى تجرّد این اخبار از قرائن علمی است. راه حل: مراد شيخ طوسي از قرائن، موافقت کتاب یا سنت یا اجماع یا دليل عقلی است و مراد سيد از قرائن علم آور، قرائنی است که موجب وثوق و اطمینان باشد.

* إن خبر الواحد إذا كان دليلاً شرعياً فينبغي أن يستعمل بحسب ما قرّرته الشريعة و الشارع يرى العمل بخبر طائفة خاصة فليس لنا التعدّي إلى غيرها على أنّ العدالة شرط في الخبر بلا خلاف و من خالف الحق لم يثبت عدالته.

٣١٤

٦. ادله عدم اعتبار خبر مخالف را توضیح دهید.

خبر واحد دليل شرعی است و محدوده حجیتش را باید شارع معین کند و از نظر شارع فقط خبر شیعه معتبر است. از جمله شروط قبول خبر، عدالت است و مخالف عادل نیست.

* أمّا الاستدلال على عدم حجّية خبر الواحد بالأخبار الآمرة بطرح ما لا يوافق الكتاب أو لم يوجد عليه شاهد من الكتاب و السنة فالجواب عنها بعد القطع بصدور الأخبار الغير الموافقة لما يوجد في الكتاب منهم ﷺ - كما دلّ عليه روايتا الاحتجاج و العيون - أنّها محمولة على الأخبار الواردة في أصول الدين أو صورة تعارض الخبرين. ۲۵۱

۷. استدلال بر عدم حجّيت خبر واحد و پاسخ‌های آن را توضیح دهید.

استدلال: اخبار دال بر طرح خبری که موافق با کتاب نیست یا شاهی از کتاب و سنت بر آن وجود ندارد بر عدم اعتبار خبر واحد بما هو دلالت می‌کند. جواب: اولاً ما قطع داریم به صدور بعضی از اخباری که موافق با قرآن نیستند و ثانیاً این اخبار حمل می‌شوند به اخباری که در اصول دین وارد شده یا حمل می‌شوند بر اخبار متعارض.

* [من محامل دعوی اجماع الكل] أنّ الناقل يستفيد اتفاق الكلّ على الفتوى من اتفاقهم على العمل بالأصل عند عدم الدليل أو بعموم دليل عند عدم وجدان المخصّص. ۲۰۲

۸. عبارت در مقام ردّ چه اشکالی است؟ اشکال و توجیه را بنویسید.

اشکال: گاهی ناقل، ادعای اجماع کل می‌کند در حالیکه چنین اجماع کلی وجود ندارد.

جواب: ادعای اجماع کل، ناشی از این است که ناقل اتفاق کل را بر یک قاعده (نظیر عمل به اصل یا عموم) در هنگام نبودن دلیل خاص، دیده لذا ادعای اجماع بر آن مورد خاص کرده و آن مورد را از صغریات آن قاعده می‌داند.

* من أدلة التي أقاموها على حجّية مطلق الظن هو أنّ في مخالفة المجتهد لما ظنه من الحكم الوجوبي أو التحريمي مظنة للضرر و دفع الضرر المظنون لازم. و فيه: النقض بالأمارات التي قام الدليل القطعي على عدم اعتبارها كخبر الفاسق و القياس على مذهب الإمامية. ۳۷۱

۹. دلیل و ایراد آن را توضیح دهید.

دلیل: اگر برای مجتهد، ظن به حکم وجوبی یا تحریمی پیدا شود در مخالفت با چنین حکمی گمان ضرر وجود دارد. (چون احتمال دارد منطبق با واقع باشد) و دفع ضرر مظنون لازم است.

اشکال نقضی این است که در مواردی نظیر قیاس و خبر فاسق نیز ظن به حکم حاصل می‌شود، با اینکه دلیل قطعی بر عدم اعتبار آنها داریم؛ پس نمی‌توان گفت هر ظنی مظنة ضرر است.

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۵/۰۵/۰۶	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

* أن الناقل للإجماع إن احتمل في حقه اتفاق الكل المستلزم عادة لموافقة قول الإمام عليه السلام، فالظاهر حجّية خبره للمنقول إليه. ۲۱۲

۱. عبارت، مربوط به کدام نوع اجماع است؟

- ا. حدسی ب. دخولی ج. لطفی د. تشریفی

* اما السنة من أدلة المانعین لحجّية خبر الواحد فهي أخبار تدلّ على المنع من العمل بالخبر ۲۴۲

۲. کدام گزینه غلط است؟

- ا. الغير المعلوم الصدور ب. إلا اذا وجد له شاهد ج. المخالف للكتاب و السنة د. إلا اذا جاء به العادل

۳. کدام روایت، بر جواز عمل به خبر واحد دلالت ندارد؟

- ا. من حفظ على امتی أربعين حديثاً بعثه الله فقيهاً عالماً يوم القيامة ب. اعرفوا منازل الرجال منّا بقدر روايتهم عنّا
ج. ما جاءك من رواية يوافق كتاب الله فخذ به د. إن الناس اولعوا بالكذب علينا

۴. برای جمع بین اجماع سید و شیخ درباره خبر واحد، مصنف کدام گزینه را فاسد می‌داند؟ ۳۳۰

- ا. حمل عمل الاصحاب على ما احتفّ بالقرينة ب. مراد السيد ره من العلم الذي ادّعاه في صدق الأخبار هو مجرد الاطمئنان
ج. أراد السيد من الاجماع دفع أخبار المخالفين د. إجماع السيد ره قولی، و ما ادّعاه الشيخ ره عملی

تشریحی

* الإجماع في مصطلح الخاصة، بل العامة الذين هم الأصل له، و هو الأصل لهم هو اتفاق جميع العلماء في عصر. و قال في المعالم: الإجماع في الاصطلاح: اتفاق خاص، و هو اتفاق من يعتبر قوله من الامّة. ۱۸۴

۱. عبارت «هم الأصل له، وهو الأصل لهم» را تبیین کنید. ب. با توجه به «من يعتبر» اجماع را تعریف کنید.

أ. یعنی عامه اصل برای اجماع هستند چون آنها جلوتر از شیعه، اجماع را به عنوان دلیل اخذ کرده‌اند و از طرف دیگر، اجماع، اصل برای عامه می‌باشد چون مبنای دینشان و عمده دلیشان بر خلافت خلیفه اول اجماع است. ب. اجماع یعنی اجماع علماء امت.

۲. با توجه به اینکه به دست آوردن اقوال همه علماء در زمان‌های گذشته غیر ممکن بوده، دو توجیه برای اجماعات ادعا شده بنویسید. ۲۰۲

اجماع بر یکی از معانی زیر اطلاق شده: ۱. اتفاق معروفین اهل فتوی چه در عصر خود و چه در سایر اعصار. ۲. اتفاق الكل که از اتفاق معروفین اهل فتوی از عصر خود به دست آمده است. ۳. اتفاق الكل که از اتفاق علماء بر عمل به اصلی یا عمومی یا خبری یا مسأله اصولیه‌ای که مستلزم آن فتوی بوده کشف شده است.

* من جميع ما ذكرنا يظهر الكلام في المتواتر المنقول وأن نقل التواتر في خبر لا يثبت حجّيته ولو قلنا بحجّية خبر الواحد لأن التواتر صفة في الخبر تحصل باخبار جماعة تفيد العلم للسامع ويختلف عدده باختلاف خصوصيات المقامات وليس كلّ تواتر ثبت لشخص ممّا يستلزم في نفس الأمر عادة تحقّق المخبر به. ۲۲۷

۳. چرا «نقل تواتر با خبر واحد» حجت نیست؟ ب. در چه صورت با قبول خبر واحد، اخبار جماعت و مخبر به اثبات می‌شود؟ مثال بزنید.

أ. إن التواتر من الامور الاضافية فيختلف باختلاف الأشخاص والمقامات فيمكن أن يكون الخبر متواتراً عند الناقل دون المنقول اليه.

ب. لو أخبر بإخبار جماعة يستلزم عادة تحقّق المخبر به، بأن يكون حصول العلم بالمخبر به لازم الحصول لإخبار الجماعة - كأن أخبر مثلاً بإخبار ألف عادل أو أزيد بموت زيد و حضور جنازته - كان اللازم من قبول خبره الحكم بتحقّق الملزوم و هو إخبار الجماعة، فيثبت اللازم و هو تحقّق موت زيد.

* المحكى في وجه الاستدلال بآية النبأ وجهان: أحدهما: أنّه سبحانه علّق وجوب التثبت على مجيء الفاسق، فينتفي عند انتفائه؛ عملاً بمفهوم الشرط. وإذا لم يجب التثبت عند مجيء غير الفاسق فإمّا أن يجب القبول وهو المطلوب، أو الردّ وهو الباطل؛ لأنّه يقتضى كون العادل أسوأ حالاً من الفاسق. ٢٥٤

٤. أ. مقصود از «فينتفي عند انتفائه» چیست؟ ب. با توجه به عبارت «لأنّه يقتضى كون العادل أسوأ...» وجه أسوئيت را بيان كنيد.

أ. وجوب تبين مشروط است به آوردن خبر فاسق، اگر آورنده فاسق نباشد پس وجوب تبين هم منتفی می شود.

ب. خبر فاسق را با تبين می پذیرند، اگر خبر عادل بكلی ردّ شود وحتی با تبين هم پذیرفته نشود حال عادل بدتر از فاسق خواهد بود.

* من الإيرادات الواردة على الاستدلال بآية النبأ على حجّية الخبر: أنّ المسألة اصولية، فلا يكتفى فيها بالظنّ. وفيه: أنّ الظهور اللفظي لا بأس بالتمسك به في اصول الفقه، والاصول التي لا يتمسك فيها بالظنّ مطلقاً هو اصول الدين لا اصول الفقه. ٢٧٢

٥. با توجه به متن، اشكال و جواب را توضیح دهید.

اشكال: حجّيت خبر واحد مسأله ای اصولی است و مسأله ای اصولی با ظنّ (یعنی ظاهر آیه نبأ) اثبات نمی شود.

جواب: حجّيت خبر واحد مسأله اصول فقه است و نه اصول عقائد و در اصول فقه تمسك به ظنّ خاص معتبر درست است.

* إنّ الآيات التي استدلت بها على حجّية خبر الواحد على تقدير تسليم دلالة كلّ واحدٍ منها على حجّية الخبر إنّما تدلّ - بعد تقييد المطلق منها الشامل لخبر العادل و غيره بفهوم آية النبأ - على حجّية خبر العادل الواقعي أو من أخبر عدلّ واقعي بعدالته بل يمكن انصراف المفهوم - بحكم الغلبة و شهادة التعليل بمخالفة الوقوع في الندم - إلى صورة إفادة خبر العادل الظنّ الاطمئنانيّ بالصدق، كما هو الغالب مع القطع بالعدالة. ٢٩٦

٦. اشكالات مصنف بر دلالت آيات بر حجيت خبر واحد ثقه را بنويسيد.

أ. ١. آيات دلالتی ندارد. ٢. آيات مطلق هستند و با مفهوم آیه نبأ تخصيص می خورند و فقط شامل خبر عادل واقعي یا کسی که توسط عادل واقعي، عدالتش اثبات شود می شود. ٣. خود مفهوم آیه نبأ نیز به حکم غلبه (یعنی اینکه غالباً از خبر عادل اطمینان حاصل می شود) و تعليل فقط شامل خبر عادل مفيد اطمینان می شود و پس از تخصيص ساير آيات نتیجه حجيت خبر عادل واقعي سفید للإطمئنان است.

* فإن قيل: إنّما عملوا بالأخبار لقرائن اقترنت بها دلّتهم على صحّتها و إذا جاز ذلك لم يمكن الاعتماد على عملهم بها. قيل لهم: و نحن نعلم أنّه ليس في جميع المسائل التي استعملوا فيها أخبار الآحاد ذلك؛ لأنّها اكثر من أن تحصى و لا يمكن في جميعها الاستدلال بالقرآن؛ لعدم ذكر ذلك في صريحه و فحواه و دليله و معناه. و لا بالسنة المتواترة؛ لعدم ذكر ذلك في أكثر الأحكام، بل وجودها في مسائل معدودة. و لا بإجماع؛ لوجود الاختلاف في ذلك. ٣١٨

٧. أ. اشكال و جواب را تبين كنيد. ب. مراد از «صريحه و فحواه و دليله» چیست؟

أ. اشكال: عمل اصحاب به خبر واحد حجيت خبر واحد را اثبات نمی کند زیرا اصحاب به خاطر قرائن (قطعيه) به اخبار عمل می کنند.

جواب: قرائن قطعيه برای همه ای اخبار، منتفی است زیرا اخبار اكثر من أن تحصى است ولی قرائن قطعيه از كتاب و سنت متواتره و ...

قليل است. اجماع نیز در بسیاری از مسائل محقق نیست.

ب. صريح قرآن: منطوق قرآن - فحوا: مفهوم مخالف - دليل (دليل الخطاب): مفهوم مخالف.

٨. یکی از ادله عقلی بر حجيت خبر واحد را تقرير كنيد. ٣٥١

١. اخبار آحاد، اخباری است که علم اجمالی به صدور اكثر آنها داریم (با توجه به احوال راویان و شدت اهتمام ارباب کتب در حفظ

احاديث صحيح و ...). اخباری که علم اجمالی به صدور اكثر آنها داشته باشیم لازم الأخذ و حجت اند (چون علم اجمالی منجز تکليف است

و شبهه مقرون به علم اجمالی مجرای احتیاط است). پس اخبار آحاد حجت‌اند. ۲. علم به وجود تکالیف داریم خصوصاً بالنسبه به واجبات ضروری مانند صلاة و صوم با اینکه شرایط و اجزای این مرکبات جز از راه اخبار قابل اثبات نیست و ترک اخبار مدونه ترک تکالیف شرعی است و ترک تکالیف شرعی رفض علم اجمالی است. ۳. عمل به قرآن و سنت واجب است و این وجوب به دلیل اجماع و ضرورت و تواتر ثابت است و با همین ادله برای ما نیز ثابت می‌شود. از طرفی چون همه اخبار علم‌آور نیست؛ پس در آنها باید به ظن عمل کرد.

* الأول من الأدلة التي أقاموها على حجية الظن المطلق أن في مخالفة المجتهد لما ظنّه من الحكم الوجوبی أو التحريمی مظنة للضرر و دفع الضرر المظنون لازم.

۹. أ. استدلال مذکور را تقرير کنید. ب. اشکال شيخ به کدام قسمت استدلال است؟ ۳۶۷

أ. مخالفت با حکم مظنون، مخالفت مظنون الضرر است (چون مخالفت با وجوب یا حرمت مظنون است) و مخالفت با مظنون الضرر حرام است عقلاً (چون دفع ضرر محتمل واجب است چه رسد به ضرر مظنون) پس مخالفت با حکم مظنون حرام است عقلاً و موافقت با آن واجب است. ب. صغرای استدلال مردود است

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۳/۰۳/۱۸	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آثر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. ظاهر آیه النبأ بالنسبة إلى خبر العادل ب ۱۸۱ (ع: ۱: ۲: د)
- أ. وجوب البناء على إصابة خبره
- ب. عدم الإعتناء باحتمال تعمد كذبه
- ج. نفي احتمال خطأه و اشتباهه
- د. عدم احتمال كذب العادل واقعاً
۲. إن قوله: «أجمع علمائنا أو أصحابنا أو فقهاءنا أو فقهاء أهل البيت» ب ۱۹۱
- أ. ظاهر في شموله للإمام بهم
- ب. ظاهر في شموله لمن عدا الإمام بهم
- ج. ظاهر العموم على حسب الاصطلاح
- د. مجمل بمقتضى المعنى اللغوي
۳. الشهرة في الفتوى د ۲۳۱
- أ. هي عمل اكثر العلماء
- ب. هي نقل جل العلماء فتوى من بعض القدماء
- ج. هي ما اشتهر بين المتأخرين
- د. هي الحاصلة بفتوى جل الفقهاء المعروفين
۴. الاجماع الحدسي حجة إذا كان الحدس مستنداً إلى أ ۱۹۸
- أ. مباد محسوسة ملزومة عادة لمطابقة قول الامام
- ب. مباد محسوسة قد تكون موجبة لعلم المدعى بمطابقة قول الامام
- ج. اجتهادات و أنظار شخصية
- د. اعم من المبادى المحسوسة و الاجتهادات

تشریحی

* قال المحقق: إن الاتفاق على لفظ مطلق شامل لبعض أفراده الذي وقع فيه الكلام، لا يقتضى الإجماع على ذلك الفرد؛ لأن المذهب لا يصار إليه من إطلاق اللفظ ما لم يكن معلوماً من القصد لأن الإجماع مأخوذ من قولهم «أجمع على كذا» إذا عزم عليه فلا يدخل في الإجماع على الحكم إلا من علم منه القصد إليه.

۱. آیا به نظر محقق، اتفاق بر لفظ مطلق مستلزم اتفاق بر فرد و مصداق هست؟ چرا؟

خیر؛ زیرا صدق اجماع در جائی است که مجمعی متعلق اجماع را قصد کرده باشند و در مقام معلوم نیست فرد را قصد کرده باشند لذا نمی توانیم فرد را به آنان نسبت دهیم.

* اعلم أن إثبات الحكم الشرعي بالأخبار المروية عن الحجج بهم موقوف على مقدمات ثلاث: الأولى كون الكلام صادراً عن الحجّة، الثانية: كون صدوره لبيان حكم الله، الثالثة: ثبوت دلالة على الحكم المدعى.

۲. مسأله حجیت خبر واحد برای کدام یک از مقدمات فوق منعقد گردیده است و مقدّمه سوم بر چه اموری توقّف دارد؟

۱. كون الكلام صادراً عن الحجّة.

۲. تعیین اوضاع الفاظ الروایه. ب. على تعیین المراد منها وأن المراد مقتضى وضعها أو غيره.

* استدلال بآیه النبأ على حجیة خبر الواحد بآن سببانه علق و وجوب التثبت على مجيء الفاسق فينتفى عند إنتفائه عملاً بمفهوم الشرط و إذا لم يجب التثبت عند مجيء غير الفاسق فيما أن يجب القبول و هو المطلوب أو الردّ و هو باطل لأنّه يقتضى كون العادل أسوأ حالاً من الفاسق و فساده بین.

۳. أ. استدلال به مفهوم شرط، بر حجیت خبر واحد را توضیح دهید. ب. استدلال به أسوایت عادل نسبت به فاسق در صورت رد خبر عادل مبتنی بر وجوب نفسی تبیین است یا وجوب شرط؟

أ. وجوب تثبت معلق بر مجی فاسق گردیده پس در صورت مجی غیر فاسق تثبت واجب نیست پس یا قبولش واجب است و یا رد آن که رد صحیح نیست زیرا عادل بدتر از فاسق می‌گردد که این سخن قطعاً صحیح نیست لذا قبولش واجب است. ب. مبتنی بر وجوب نفسی تبیین است به این معنی که تبیین در هر صورت واجب است و مجی فاسق موضوع این حکم را درست می‌کند لذا در صورتی که غیر فاسق خبر بیاورد تبیین دیگر وجوب نفسی ندارد. حال اگر خبر عادل پذیرفته شود فهو المطلوب و اگر پذیرفته نشود لازمه‌اش بدتر بودن حال عادل از فاسق است. اما اگر بگوییم وجوب تبیین شرط عمل به خبر فاسق است پس خبر عادل چنین شرطی ندارد فیتم المطلوب.

* قال السيد الطباطبائي: لا ريب في وجود واجبات و محرمات كثيرة بين المشتبهات و مقتضى ذلك الإتيان بكل ما يحتمل الوجوب ولو موهوماً و ترك ما يحتمل الحرمة كذلك ولكن مقتضى قاعدة نفي العسر و الحرج عدم وجوب ذلك كله فمقتضى الجمع بين قاعدتي «الاحتياط» و «انتفاء الحرج» العمل بالاحتياط في المظنونات دون المشكوكات و الموهومات لأن الجمع بإخراج بعض المظنونات و إدخال بعض المشكوكات و الموهومات باطل إجماعاً.

۴. أ. مقتضای قاعدة احتیاط را تبیین کنید. ب. وجه تفصیل مذکور را توضیح دهید.

أ. مقتضای قاعدة احتیاط، اتیان و انجام هر عملی است که احتمال وجوب آن را می‌دهیم و ترک هر عملی است که احتمال حرمتش را می‌دهیم ولو احتمال بسیار ضعیف ب. مقتضای قاعدة احتیاط انجام تمام احتمالات حتی ضعیف است و این موجب عسر و حرج است در مقابل قاعدة نفي حرج می‌گوید انجام تمام احتمالات وجوبی و ترک تمام احتمالات تحریمی واجب نیست. مقتضای جمع این دو قاعدة این است، که مظنونات را در واجبات و محرمات اخذ کنیم و مشکوکات و موهومات که احتمال ضعیف هستند را رها کنیم و عمل نکنیم و احتیاط به روش دیگر مثل ترک بعض مظنونات و اخذ بعض مشکوکات خلاف اجماع است.

* إن قلت: ان العمل بمفهوم آية النبأ في الأحكام الشرعية غير ممكن لوجوب التفحص عن المعارض لخبر العدل في الأحكام الشرعية فيجب تنزيل الآية على الإخبار في الموضوعات الخارجية. قلت: إن وجوب التفحص عن المعارض غير وجوب التبیین في الخبر فإنّ الأول يؤكّد حجیة خبر العادل و لا ینافیها لأنّ مرجع التفحص عن المعارض إلى الفحص عمّا أوجب الشارع العمل به كما أوجب العمل بهذا و التبیین المنافی للحجیة هو التوقف عن العمل و التماس دلیل آخر فیکون ذلك الدلیل هو المتبع و لو كان أصلاً من الأصول.

۵. أ. اشکال استدلال به آیه نبأ برای اثبات حجیت خبر واحد از طریق مفهوم را بیان فرمایید. ب. تفاوت تفحص و تبیین و پاسخ اشکال را بنویسید.

أ. اجماع فقها در احکام شرعیه بر وجوب تفحص از معارض خبر عادل است با اینکه مفهوم آیه نسبت به عدم وجوب تبیین در خبر عادل مطلق است پس باید آیه را حمل بر اخبار در موضوعات خارجیه کرد که هیچ تفحصی در آنها لازم نیست. ب. تفحص از معارض به معنای لزوم فحص از دلیلی است که شارع مثل همین خبر، عمل به او را واجب کرده است ولی تبیین منافی حجیت، به معنای توقف و به دنبال دلیل دیگر بودن است پس اگر دلیل دیگری پیدا شد همان دلیل متبع است و لو اصلی از اصول باشد. به عبارت دیگر: در تفحص دنبال این هستیم مانع وجود دارد یا نه ولی در تبیین به دنبال مقتضای حجیت هستیم.

* إن المسلم إذا أخبر بشيء فلتصديقه معنيان: أحدهما ما يقتضيه أدلة تنزيل فعل المسلم على الصحيح و الأحسن فإنّ الإخبار من حيث إنّه فعل من أفعال المكلفين صحيحة ما كان مباحاً و فاسده ما كان نقيضه كالكذب، فحمل الأخبار على الصادق حمل على أحسنه و الثاني هو حمل إخباره من حيث إنّه لفظ دالّ على معنى يحتمل مطابقته للواقع و عدمها، على كونه مطابقاً للواقع و ترتيب آثار الواقع عليه.

۶. أ. تفاوت معنای اول و دوم تصدیق را ذکر نمایید. ب. برای اثبات حجیت خبر عادل معنای اول تصدیق را لازم داریم یا دوم را؟ توضیح دهید.

أ. در معنای اول فقط نفی صدور معصیت از مسلم می‌کنیم و عمل صادر شده از او را حمل بر کار خوب می‌کنیم بدون آنکه آثار آن عمل را بپذیریم اما در معنای دوم تمامی آثار خبری که مسلمان عادل داده مترتب کنیم ب. معنای دوم را لازم داریم چه اینکه می‌خواهیم طبق آن خبر، حکم شرعی را ثابت کنیم نه اینکه به دنبال نفی صدور معصیت از او باشیم.

* وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجّتي عليكم وأنا حجّة الله عليهم.

۷. بر فرض این که صدر روایت در مورد استفتاء است، چگونه دلالت بر حجّیت خبر واحد می‌کند؟

این روایت وجوب رجوع به روات را تعلیل می‌کند به اینکه آنان حجّتند از این تعلیل استفاده می‌شود که به قول هر حجّتی باید عمل کرد و ثقه هم حجّت است؛ پس باید قول او را قبول نمود.

* أورد الشيخ على حجّية خبر الواحد بأنّ العمل بخبر الواحد يوجب كون الحق في جهتين عند تعارض خبرين ثم أجاب بالنقض بلزوم ذلك عند من منع العمل بخبر الواحد إذا كان هناك خبران متعارضان فإنه يقول مع عدم الترجيح بالتخير فإذا اختار كلاً منهما إنسان لزم كون الحق في جهتين.

۸. أ. ایراد شیخ طوسی را تقریر کنید. ب. جواب نقضی را تبیین کنید.

أ. عمل به خبر واحد مستلزم این است که در خبرین متعارضین هر دو طرف حق باشند در حالی که این باطل است و علم وجدانی داریم که حق در یک طرف است. ب. جواب نقضی: آن کس که خبر واحد را حجت نمی‌داند در خبرین متعارضین قائل به تخییر است و هرگاه هر یک از دو طرف را انسانی اختیار کرد لازم می‌آید که حق در هر دو طرف باشد.

* استدلال على حجّية خبر الواحد باستقرار طريقة العقلا طراً على الرجوع إلى خبر الثقة في أمورهم العادية ... فنقول: إنّ الشارع إن اکتفی بذلك منهم في الأحكام الشرعية فهو وإلّا وجب علیه ردعهم و تنبيههم على بطلان سلوك هذا الطريق في الأحكام الشرعية كما ردع في مواضع خاصّة و حيث لم يردع علم منه رضاه بذلك لأنّ اللّازم في باب الإطاعة و المعصية الأخذ بما يُعدّ طاعةً في العرف و ترک ما يعدّ معصيةً كذلك.

۹. أ. استدلال بر حجّیت خبر واحد از باب سیره عقلایی را توضیح دهید. ب. عبارت «لأنّ اللّازم» تعلیل چیست؟ تبیین نمایید.

أ. طريقة عقلا کلاً بر رجوع به خبر ثقه است در همه امورشان، و اگر شارع اکتفاء به طريقة عقلا در احکام شرعیه نموده است فهو و إلّا باید ردع می‌کرد و چونکه ردع نکرده است ما علم به به رضای شارع پیدا می‌کنیم ب. تعلیل برای «علم منه رضاه بذلك» است، یعنی شارع حجّیت خبر ثقه را امضاء کرده است.



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۰/۳/۱۷	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. لو أضاف الإجماع إلى من عدا الإمام (ع) كقوله «أجمع أصحابنا» أو نقل الإجماع المطلق في مقابل الخلاف فلا اشكال في ج

۱۹۱

أ. عدم حجّية نقله في الثاني دون الاول

ب. حجّية نقله في كليهما

ج. عدم حجّية نقله في كليهما ■

د. حجّية نقله في الثاني دون الاول

۲. به نظر مصنف، حدس کاشف از قول امام(ع) در صورتی حجت است که از راه مقدمات حاصل شود. أ ۱۹۸

أ. محسوسه‌ای که عادتاً ملزوم قول امام است ■

ب. محسوسه‌ای که گاهی موجب علم به قول امام می‌شود

ج. اجتهادیه و نظریه

د. اجتهادیه و محسوسه

۳. به نظر مصنف، موضوع حجّیت خبر واحد، خبر واحد است. ج ۲۳۷

أ. محفوف به قرینه معتبره

ب. موجب اطمینان شخصی

ج. مجرد از قرینه معتبره ■

د. مفید ظنّ شخصی

۴. به نظر مصنف، وجوب تبیین در آیه نبأ است. أ ۲۵۵

أ. شرطی ■

ب. نفسی

ج. تبعی

د. مولوی

تشریحی:

* إن ظاهر أكثر القائلين باعتبار الاجماع المنقول بالخصوص: أن الدليل عليه هو الدليل على حجّية خبر العادل. ۱۷۹

۱. چگونه ادله حجیت خبر عادل، بر حجیت اجماع منقول دلالت می‌کند؟

اجماع منقول یکی از مصادیق خبر عادل است پس ادله حجیت خبر عادل شامل آن می‌شود.

* إطلاق لفظ الإجماع بقول مطلق على إجماع الإمامية فقط - مع أنهم بعض الأمة لا كلهم - ليس إلا لأجل المسامحة؛ من جهة أن وجود المخالف كعدمه من حيث

مناط الحجّية. ۱۸۷

۲. أ. مراد از قید «بقول مطلق» و «مناط الحجّية» چیست؟ ب. چرا اطلاق لفظ اجماع بر «اجماع امامیه» مسامحه است؟

أ. ۱. بقول مطلق ای من دون تقییده بالامامیه و غیرها. ۲. مناط الحجّیه هو اشتماله علی قول الامام(ع).

ب. لأنّ الاجماع اصطلاحاً هو اتفاق الكلّ والحال أنّ الامامیه بعضهم لا كلهم.

۳. چرا استدلال به مفهوم وصف در آیه نبأ بر حجیت خبر واحد، تمام نیست؟ نظر مصنف را توضیح دهید. ۲۵۶

وصف مفهوم ندارد چون اثبات شیء، نفی ماعداه نمی‌کند. مثلاً «أكرم العادل» دالّ بر عدم جواز اكرام فاسق نیست. خصوصاً در وصفی که بر

موصوف مشخصی متکی نباشد؛ مثل آیه نبأ، که در این صورت به مفهوم لقب شبیه است که مفهوم ندارد.

- * قال المحقق: إن الاتفاق على لفظ مطلق شامل لبعض أفرادها الذي وقع فيه الكلام، لا يقتضى الاجماع على ذلك الفرد؛ لأن المذهب لا يصار إليه من اطلاق اللفظ ما لم يكن معلوماً من القصد لأن الإجماع مأخوذ من قولهم «أجمع على كذا» إذا عزم عليه فلا يدخل في الاجماع على الحكم إلا من علم منه القصد إليه.
٤. آیا به نظر محقق، ملازمه‌ای بین اجماع بر کبری و اجماع بر صغری وجود دارد؟ با ذکر دلیل توضیح دهید. ۲۰۹
- خیر؛ زیرا صدق اجماع در جایی است که مجمعی متعلق اجماع را قصد کرده باشند و در مقام معلوم نیست فرد را قصد کرده باشند؛ لذا نمی‌توانیم فرد را به آنان نسبت دهیم.
- * لو اخیر ثقة بإخبار جماعة يستلزم عادةً تحقّق المخبر به، بأن يكون حصول العلم بالمخبر به لازم الحصول لإخبار الجماعة كان اللازم من قبول خبره الحكم بتحقّق الملزوم فيثبت اللازم. ۲۲۷
٥. عبارت فوق، در صدد اثبات حجّیت چیست؟ عبارت را در ضمن مثال توضیح دهید.
- عبارت در مقام اثبات حجّیت تواتر منقول است. بدین تقریب که اگر ثقة‌ای از خبر جماعتی خبر دهد، مانند اینکه خبر دهد هزار نفر از موت زید خبر داده‌اند، لازمه قبول خبر شخص اول، حکم به تحقق ملزوم یعنی اخبار هزار نفر است و با اثبات خبر این تعداد، موت زید ثابت می‌شود.
٦. اگر احتمال بدهیم که جهت صدور خبر از امام(ع) تقیّه بوده است نه بیان حکم خدا، چه اصلی جاری می‌شود؟ وجه حجّیت این اصل را توضیح دهید. ۲۳۸
- أصالة عدم صدور الرواية لغير داعي بيان الحكم الواقعي. وهي حجة لرجوعها الى القاعدة المجمع عليها بين العلماء والعقلاء من حمل كلام المتكلم على كونه صادراً لبيان مطلوبه الواقعي لا لبيان خلاف مقصوده من التقيّة
٧. کیفیت استدلال به آیه نفر «فلولا نفر من كل فرقة...» بر حجّیت خبر واحد را توضیح دهید. ۲۷۷
- «لولا»ی تحضیضی (که برای تحریک مخاطب به کار می‌رود) دلالت بر وجوب نفر دارد زیرا اگر «نفر» واجب نبود معنا نداشت مخاطبان را توییح و سرزنش کند. غایت نفر، تفقه در دین و غایت آن هم انذار است. اگر انذار واجب باشد، برای لغو نبودن آن، باید قبول خبر منذر هم واجب باشد.
- * ومن جملة الآيات، قوله تعالى في سورة البراءة: «ومنهم الذين يؤذون النبيّ ويقولون هو أذن قل أذن خير لكم يؤمن بالله ويؤمن للمؤمنين»، مدح الله عزوجلّ رسوله بتصديقه للمؤمنين، بل قرنه بالتصديق بالله جلّ ذكره، فإذا كان التصديق حسناً يكون واجباً. ويرد عليه أولاً: أنّ المراد بالأذن السريع التصديق والاعتقاد بكلّ ما يسمع، لا من يعمل تعبداً بما يسمع من دون حصول الاعتقاد بصدقه. ۲۹۱
٨. ایراد بر استدلال را توضیح دهید.
- آیه مبارکه دلالت بر این دارد که پیامبر اکرم(ص) به سرعت به صدق گفتار آنان قطع پیدا می‌کرده؛ لذا این حسن ظن رسول الله(ص) مدح گردیده و دلالتی بر حجّیت تعبدی ندارد.
- * والإنصاف أنّ ما فهمه العلامة من إطلاق قول الشيخ بحجّية خبر العدل الإماميّ أظهر ممّا فهمه المحقق من التقييد بقبول الأصحاب أو دلالة القرائن على الصحة؛ لأنّ الظاهر أنّ الشيخ إنّما يتمسك بالإجماع على العمل بالروايات المدوّنة في كتب الأصحاب على حجّية مطلق خبر العدل الإماميّ بناءً منه على أنّ الوجه في عملهم بها كونها أخبار عدول، وكذا ما ادّعاه من الإجماع على العمل بروايات الطوائف الخاصّة من غير الإماميّة، وإلاّ فلم يأخذه في عنوان مختاره ولم يشترط كون الخبر ممّا رواه الأصحاب وعملوا به. ۳۲۸
٩. وجه اظهار بودن فهم علامه را ذکر کنید.
- معقد اجماع شیخ، حجّیت مطلق خبر عدل امامی است ولو اینکه اصحاب قبول نکرده باشند و محفوف به قرائن نباشد؛ پس وجه اعتبار در نزد اصحاب، عادل بودن راوی بوده است.

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۱/۰۳/۲۱	ساعت :	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. إن الظاهر أن الأجماعات المتعارضة من شخص واحد أو من معاصرين أو متقاربي العصر، ناش من مبناهم في نسبة القول الى العلماء على ج ۲۰۴ (د ۲ س ۲)
 - أ. اتفاق المعروفين بالفتوى
 - ب. اجماع الكل في جميع الأعصار
 - ج. اتفاق الكل على أمر يلزم مع هذا القول
 - د. اجماع جميع من قارب عصره
۲. نقل الثقة للخبر المتواتر بعدالة زيد مثلاً أ ۲۲۷ (د ۳ س ۱)
 - أ. يثبت الأخبار ولكن ثبوت العدالة متوقف على ملازمتها عادة مع الأخبار
 - ب. يثبت العدالة كما تثبت الأخبار
 - ج. لا يثبت الأخبار ولكن إذا استلزم عادة تحقق العدالة يثبت العدالة
 - د. يثبت العدالة وإن لم يثبت الأخبار
۳. در صورت منافات عموم یا اطلاق کتاب یا خبر موثوق الصدور اخص ب ۲۵۰ ع ۱۵۱
 - أ. اطلاق یا عموم جاری می شود
 - ب. به خبر موثوق به عمل می شود
 - ج. حکم به تخییر می شود
 - د. به هیچ کدام عمل نمی شود
۴. قد ادعى في الوسائل تواتر الأخبار بالعمل بخبر الثقة إلا أن القدر المتيقن منها هو خبر ج ۳۰۹
 - أ. العادل الذي يضعف فيه احتمال الكذب على وجه لا يعتنى به العقلاء
 - ب. الثقة إذا كان امامياً
 - ج. الثقة الذي يضعف فيه احتمال الكذب على وجه لا يعتنى به العقلاء
 - د. العادل مطلقاً

سؤالات تشریحی:

۱. آیا بین «حجیت خبر واحد» و «حجیت اجماع منقول به خبر واحد» ملازمه است؟ چرا؟ ۱۷۹ (ع: د: ۱)

خیر؛ چون ادله حجیت خبر واحد مربوط به اخبار حسی است ولی اجماع منقول از جمله اخبار حدسی است.

- * قیل: إن أدلة حجية خبر الواحد تدل على حجية الشهرة الفتوائية بمفهوم الموافقة؛ وهذا خیال ضعیف. لأن الأولوية الظنية أو هن بمراتب من الشهرة، فكيف يتمسك بها في حجيتها؟ مع أن الأولوية ممنوعة رأساً؛ للظن بل العلم بأن المناط والعلة في حجية الأصل ليس مجرد افادة الظن. ۲۳۲-۲۳۱
۲. استدلال به مفهوم موافقت را تقریر کنید. ب. مراد از «اصل» چیست؟

۱. اگر خبر واحد که مفید درجه‌ای از ظن است حجت باشد شهرت حاصل از مجموعه‌ای از اخبار که مفید ظن قوی تری است بطریق اولی حجت است.

ب. اصل: یعنی مقیس علیه (خبر واحد)

- * من حجة المانعین عن العمل بخبر الواحد ما روى عن محمد بن عيسى عن أبي الحسن الثالث(ع): ما علمتم أنه قولنا فالزموه و ما لم تعلموه فردوه إلینا. ۲۴۲ (د ۲ س ۲)

۳. مدعا و استدلال بر آن را تقریر کنید.

مدعا: عدم حجیت و عدم جواز عمل به مفاد خبر واحدی است که موجب علم نباشد.

- استدلال: به استناد «ما لم تعلموه فردوه إلینا» وقتی به مفاد روایت و صدور آن از امام(علیه السلام) علم نداریم، لازم است به ائمه(علیهم السلام) ارجاع شود یعنی التزام و عمل به آن لازم نیست.

* إن الاستدلال على حجّية الخبر الواحد بآية النبأ إن كان راجعاً الى اعتبار مفهوم الشرط. ففيه: أن مفهوم الشرط عدم مجيء الفاسق نبأ وعدم التبين هنا لأجل عدم ما يتبين فالجملة هنا لبيان تحقق الموضوع. ۲۵۷ (د ۲ س ۲)

۴. با توجه به متن، آیا به نظر مصنف آیه مذکور مفهوم دارد یا نه؟ چرا؟

مفهوم ندارد؛ چون مفهوم شرط به معنای انتفاء الحكم عند انتفاء الشرط است، بعد از فراغ از ثبوت موضوع. و در این آیه وقتی جمله شرطیه برای تحقق موضوع می‌باشد، انتفاء حکم منتسب به انتفاء شرط نیست؛ بلکه منتسب به انتفاء موضوع است، مثل «إن رزقتَ ولدًا فاختته».

* لا يخفى أن حمل التبين في آية النبأ حيث قال: «إن جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا» على تحصيل مطلق الظنّ أو الاطمینان، يوجب خروج مورد الآية.

۵. أ. مراد از «مورد آیه نبأ» چیست؟ ب. چرا بنا بر فرض بالا، خروج مورد لازم می‌آید؟ ۲۷۶ ع ۲۵۲

أ. مراد از مورد، خبر ارتداد قبيلة بنی المصطلق است که ولید بن عقبه فاسق برای پیامبر آورده بود. ب. مسأله ارتداد از دین، یک مسأله کلامی و اعتقادی است که مطلق ظن یا اطمینان در آن کافی نیست بلکه نیازمند علم یا بیّنه عادلانه است بنا بر این اگر مراد از تبیین، ظن یا اطمینان باشد، لازم می‌آید که مورد نزول آیه از معنا و مفهوم آیه خارج باشد که این امری قبیح است.

* يستدلّ على حجّية الخبر بآية النفر وفيه أنه لا يستفاد من الكلام إلاّ مطلوبية الحذر عقيب الإنذار بما يتفقّهون في الجملة، لكن ليس فيها إطلاق وجوب الحذر، بل يمكن أن يتوقف وجوبه على حصول العلم. ۲۸۲ (د ۲ س ۲)

۶. اشکال مصنف بر استدلال به آیه نفر بر حجّیت خبر واحد را توضیح دهید.

از آیه فقط استفاده می‌شود که حذر کردن بعد از انذار مطلوب است ولی این حکم اطلاق ندارد تا حتی فرضی را در بر گیرد که از انذار، علم حاصل نمی‌شود؛ پس امکان دارد تنها ناظر به مواردی باشد که انذار، سبب علم گردد.

۷. أ. مرحوم استرآبادی و کرکی چگونه بین اجماع سید و اجماع شیخ، بر عمل و عدم عمل به خبر واحد جمع کرده‌اند؟ ب. وجه عدم بعد این جمع چیست؟ ۳۲۷

أ. مرحوم کرکی و استرآبادی مدعی‌اند که شیخ در عده همان کلام و مبنای سید مرتضی را قائل است مبنی بر اینکه اخبار موجود در کتب اربعه یا متواترند یا محفوف به قرینه قطعیه ب. وجه عدم بعد: کسی مثل استرآبادی که قائل به قطعیت صدور این اخبار و من جمله اخبار موجود در کتب شیخ است، بعید نیست که مدعی اعتقاد شیخ به قطعیت اخبار کتب حدیثی موجود باشد؛ زیرا کسی که متأخر است و خود قطع به صدور دارد چگونه می‌پسندد که شیخ به اخبار مجرد از قرینه عمل می‌کرده.

* يستدلّ على حجّية خبر الواحد بمرفوعة الزرارة «قال: يأتي عنكم الخبران أو الحديثان المتعارضان فبأيهما أخذ؟ قال: خذ بما اشتهر بين أصحابك» ودلالاتها على اعتبار الخبر الغير المقطوع الصدور واضحة إلاّ أنه لا إطلاق لها، لأنّ السؤال عن الخبرين اللذين فرض السائل كلاً منهما حجة يتعين العمل بها لولا المعارض. ۲۹۷-۸ (د ۳ س ۳)

۸. چرا مصنف دلالت روایت را مختص به خبر غیر مقطوع الصدور می‌داند؟ ب. وجه عدم اطلاق روایت را بیان کنید.

أ. چون در خبر امر، به اخذ روایت شده است لذا در مقام تعبد در عمل به خبر است و تعبد و حجّیت در خبر مقطوع الصدور معنی ندارد. ب. چون مفروض راوی تعارض دو خبر است و تعارض منوط به این است که هر دو روایت بدون فرض تعارض حجّت باشند لذا روایت حجّیت را در خصوص

* الرابع من وجوه تقرير الاجماع على حجية خبر الواحد استقرار طريقة العقلاء على الرجوع الى خبر الثقة في أمورهم العادية فإنَّ الشارع إن اکتفى بذلك في الأحكام الشرعية فهو، والأوجب عليه ردعهم وحيث لم يردع علم منه رضاه بذلك. ۳۴۵

۹. با توجه به متن، مدعا و دلیل مصنف را توضیح دهید.

یکی از وجوه تقرير اجماع بر حجیت خبر واحد، سیره عقلا بر عمل به خبر واحد است؛ اگر شارع این را در احکام شرعی پذیرفته، که همان مدعاست و اگر نپذیرفته، باید رد می‌کرد و چون رد نکرده پس راضی به آن است.

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۲/۰۳/۰۶	ساعت :	۸

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: فرائد الاصول، از اول اجماع منقول تا اول دلیل انسداد - ص ۳۸۳-۱۷۹

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

- روایت «أما ما رواه زرارة عن أبي (ع) (ع: ۱ د: ۱) ج ۲۹۹ (ع: ۱ د: ۱)
 - حجیت شهرت روایی
 - حجیت خبر ثقه مأمون
- به نظر مصنف، کدام آیه دلالت بر وجوب تقلید دارد؟
 - آیه نباء که شامل إخبار عن حدس هم می‌شود
 - آیه کتمان (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ...)
 - به نظر مصنف، کدام گزینه، وجه اندراج مسأله خبر واحد در مسایل اصولی است؟
 - البحت عن حجیة خبر الواحد، بحث عن ثبوت السنّة به و عدم ثبوتها
 - إِنَّ الْبَحْثَ فِي عِلْمِ الْأَصُولِ عَنِ الْأَدَلَّةِ بِمَا هِيَ أَدَلَّةٌ
 - إِنَّ الْبَحْثَ عَنِ دَلِيلِيَّةِ الدَّلِيلِ لَيْسَ بَحْثًا عَنِ أَحْوَالِ الدَّلِيلِ
 - إِنَّ الْبَحْثَ فِي عِلْمِ الْأَصُولِ عَنِ الْأَدَلَّةِ بِمَا هِيَ
 - لو أضيف الإجماع إلى من عدا الإمام كقوله أجمع أصحابنا أو نقل الإجماع المطلق في مقابل الخلاف فلا إشكال في ... ج ۱۹۱
 - عدم حجیة نقله فی الثانی دون الأول
 - عدم حجیة نقله فی كليهما
 - حجیة نقله فی كليهما
 - حجیة نقله فی الثانی دون الأول

سؤالات تشریحی:

* آورد علی الاستدلال بآیه النبا علی حجیة الخبر الواحد بآنا لو سلّمنا دلالة المفهوم علی قبول خبر العادل الغير المفید للعلم لكن نقول إن مقتضى عموم التعلیل وجوب التبیّن فی کلّ خبر لا یؤمن الوقوع فی الندم من العمل به وإن كان المخبر عادلاً فیعارض المفهوم والترجیح مع ظهور التعلیل. ۲۵۸ ع ۲۵۲

۱. وجه تعارض بین مفهوم و عموم تعلیل و نیز وجه ترجیح ظهور تعلیل بر مفهوم را توضیح دهید.

بیان تعارض: چون نسبت بین مفهوم و تعلیل در آیه عموم و خصوص من وجه است و در نقطه اجتماع که خبر عادل غیر علمی است تعلیل می‌گوید حجت نیست و مفهوم می‌گوید حجت است تعارض دارند و لكن تعلیل مقدم است بر مفهوم ولو مفهوم اخص باشد و فقط خبر عادل غیر علمی را بگیرد چون در نزد عرف معلول تابع علت است در عموم و خصوص و التعلیل یعمم و یخصص و این جا نیز تعلیل تعمیم می‌دهد عدم حجیت را به خبر عادل غیر علمی.

* یکی از اشکالات قابل دفع از آیه نبا این است: إنّ العمل بالمفهوم فی الأحکام الشرعیة غیر ممکن؛ لوجوب التفحص عن المعارض لخبر العدل فی الأحکام، فیجب تنزیل الآیة علی الإخبار فی الموضوعات الخارجیة التي لا یجب التفحص فیها عن المعارض. ۲۷۰ ع ۱۵۱

۲. جواب اشکال را به اختصار بیان کنید.

وجوب تبیین به معنای عدم حجیت خبر واحد است ولی فحص از معارض بعد از قبول حجیت خبر واحد است و در واقع در راستای قبول حجیت خبر واحد است که اگر خبر عدل واحد دیگری معارض و اقوی باشد به آن عمل می‌کنیم و اگر اقوی نباشد قائل به تساقط یا تخیر می‌شویم.

* آیه النفر دلّت علی وجوب الحذر عند إنذار المنذرين ... أما وجوب الحذر فمن وجهین: أحدهما: أن لفظة «لعل» بعد انسلاخها عن معنی

الترجى ظاهرة فى كون مدخولها محبوباً للمتكلّم، وإذا تحقّق حسن الحذر ثبت وجوبه؛ لما ذكره فى المعالم من أنّه لا معنى لنذب الحذر؛ إذ مع قيام المقتضى يجب، ومع عدمه لا يحسن. ۲۷۷ ع ۱ د ۲

۳. وجه انسلاخ «لعلّ» از معنای ترجى و وجه ملازمه بين حسن حذر و وجوب آن را بنويسيد.

ترجى و امیدوارى در حق خداوند محال است؛ زیرا منتهى به عجز و ضعف مى‌شود؛ لذا باید دست از این معنا برداریم و آن را بر طلب و محبوبیت مدخولش حمل کنیم.

اگر حذر محبوب و حسن بود به یکى از دو راه وجوب آن ثابت مى‌شود: ۱. اگر مقتضى برای حسن حذر موجود بود حتماً واجب است زیرا استحباب حذر معنا ندارد اگر هنگام انذار نافرین مخالفت با آنها حرام باشد پس حذر واجب است و اگر حرام نیست، پس حذر معنا ندارد. ۲. رجحان عمل به خبر واحد به ضمیمه اجماع مرکب بر وجوب آن دلالت دارد؛ زیرا علما یا عمل به خبر واحد را واجب مى‌دانند یا غیر جایز.

* من جملة الظنون الخارجة عن الاصل، الإجماع المنقول بخبر الواحد عند كثير ممن يقول باعتبار الخبر بالخصوص نظراً إلى أنه من أفراده فيشملة أدلته. و فيه أن الاتفاق الحاصل من عمل القدماء وأصحاب الأئمة لا يشمل إلّا الرواية المصطلحة. ۱۷۹

۴. مدعا و دليل و اشكال دليل را توضیح دهید.

مدعا: اجماع منقول به خبر واحد حجت است. دليل: اجماع منقول فردى از خبر واحد است و مشمول ادله حجیت خبر واحد است. اشكال: سیره علما و اصحاب ائمه که دليل بر حجیت خبر است شامل این نوع خبرها (اخبار از فتاوى اصحاب) نمى‌شود.

* إن سيدنا المرتضى قال: لا يمتنع أن يكون هنا أمور كثيرة غير واصلة إلينا علمها مودع عند الامام ولا يلزم من ذلك سقوط التكليف عن الخلق. قال الشيخ الطوسى: هذا الجواب صحيح لولا ما نستدل على صحة أكثر الأحكام بإجماع الفرقة. فمتى جوزنا أن يكون قول الإمام خلافاً لقولهم ولا يجب ظهوره، جاز لقائل أن يقول: ما أنكرتم أن يكون قول الإمام خارجاً عن قول من تظاهر بالإمامة ومع هذا لا يجب عليه الظهور؛ لأنهم أتوا من قبل أنفسهم. فلا يمكن الاحتجاج بإجماعهم أصلاً. ۱۹۵

۵. به نظر شيخ طوسى، حجيت اجماع از چه بابى است؟ با توجه به عبارت توضیح دهید.

از باب قاعدة لطف. چون بر نظريه سيد مرتضى در مسأله كلامى (جواز عدم دستيابى خلق به احكام الهى و عدم وجوب اظهار آن بر امام) اشكال مى‌کند و مى‌فرمايد: اگر اظهار احكام بر امام واجب نباشد نمى‌توان به اجماع استدلال کرد چون اظهار نظر امام در فرض مغايرت آن با مجمعين واجب نیست بنابراین دليلی بر دخول قول حجت در اجماع منقول نداريم.

* لو حصل من الاجماع المنقول القطع بوجود دليل ظنى معتبر بحيث لو نقل إلينا لاعتقدناه تاماً من جهة الدلالة وفقد المعارض كان كافياً فى إثبات المسألة الفقهية بل قد يكون نفس الفتاوى التى نقلها الناقل للإجماع اجمالاً مستلزماً لوجود دليل معتبر. وفيه: منع استلزام الإجماع المذكور عادة لوجود دليل لو نقل إلينا لوجدناه تاماً وإن كان قد يحصل العلم من ذلك أحياناً. ۲۱۷

۶. أ. به نظر مصنف، دليل ظنى مكشوف به اجماع در چه صورتى حجت است؟ ب. نکته ترقى در «بل» را توضیح دهید.

أ. در صورتى که نسبت به صدور و دلالت و عدم وجود معارض برای آن خبر قطع حاصل شود. ب. در قبل از بل، قطع به وجود دليل معتبر السند و الدلالة معيار بود در بعد از آن، ظن معتبر نسبت به وجود دليل صادر مقطوع الدلالة كافى است.

* يظهر من بعض أن أدلة حجية خبر الواحد تدل على حجيتها بمفهوم الموافقة، لأنه ربما يحصل منها الظن الأقوى من الحاصل من خبر العادل و وقع نظيره من الشهيد الثاني حيث وجه حجية الشيعاء الظنى بكون الظن الحاصل منه أقوى من الحاصل من شهادة العدلين. وفيه: أن الأولوية الظنية أو هن بمراتب من الشهرة فكيف يتمسك بها في حجيتها. وأضعف من ذلك تسمية هذه الأولوية بمفهوم الموافقة مع أنه ما كان استفادة حكم الفرع من الدليل اللفظي الدال على حكم الأصل.

۲۳۱

۷. أ. به نظر مصنف، آیا در عبارت، اولویت همان مفهوم موافقت است؟ چرا؟ ب. وجه شباهت مسأله حجیت شهرت فتوایی با حجیت شیعاء چیست؟

أ. خیر، چون دلالت مفهوم موافقت از نوع دلالت لفظی است اما اولویت مذکور، دلالت ظنی عقلی است (تنقیح مناط عقلی). اگر مناط حجیت بینة حصول ظن باشد ظن حاصل از شیعاء (که مشتمل بر بینة و بیشتر است) به مراتب قوی تر است و اگر ظن ضعیف حجت باشد ظن قوی قطعاً حجت است. همانگونه که اگر مناط حجیت خبر واحد حصول ظن باشد ظن حاصل از عده‌ای از عدول به مراتب قوی تر است. ب: هر دو دارای ظنی قوی تر از ظن حاصل از خبر بینة اند.

* المتیقن من الأخبار حجية خبر الثقة الذي فيه احتمال الكذب على وجه لا يعتنى به العقلاء كما دل عليه ألفاظ الثقة والمأمون والصادق الواردة في الاخبار المتقدمة و هي أيضا منصرف إطلاق غيرها. ۳۰۹

۸. مراد از «هی منصرف إطلاق غيرها» چیست؟ توضیح دهید.

اخباری که دارای الفاظی مانند ثقة و صادق و مأمون است، در حجیت خبر اطمینانی ظهور دارد. اخباری که این الفاظ را ندارد (از این جهت مطلق) است نیز، به همین نحو خبر نظر دارد. (به عبارت دیگر اطلاق آنها قابل التزام نیست قدر مسلم از آنها خبر اطمینانی است).

* قال الفاضل القزويني: إن كلمة «خبر واحد» تستعمل في ثلاثة معان: أحدها الشاذ النادر الذي لم يعمل به أحد ويقابله ما عمل به كثيرون. الثاني ما يقابل المأخوذ من الثقات المحفوظ في الأصول المعمولة عند جميع الخواص الطائفة فيشمل الأول ومقابله. الثالث ما يقابل المتواتر القطعي الصدور وهذا يشمل الأولين وما يقابلهما.

۳۴۲

۹. أ. تعريف اول و سوم «خبر واحد» را طبق نظر مرحوم قزوینی نوشته، نسبت بین آن دو را بیان کنید. ب. با توجه به عبارت، آیا اجماع سید مرتضی با اجماع شیخ طوسی متعارض است؟ چرا؟

أ. تعريف اول: خبر واحد یعنی خبری که هیچ کس به آن عمل نکرده است (شاذ). تعريف سوم: خبر غیر متواتر. حال، کسی به آن عمل کرده باشد یا نکرده باشد. تعريف سوم اعم مطلق است از تعريف اول.

ب. خیر؛ چون اجماع سید بر نفی عمل به اخبار غیر ثقات است و شیخ طوسی مخالف نیست بلکه موافق است چون خبر ثقة را اجماعاً حجت می داند و در غیر ثقة اثبات حجیت نمی کند و مقتضای اصل عدم حجیت است.

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۴/۰۳/۱۹	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. ما دلّ من الأخبار علی عدم صدور الخبر المخالف للكتاب والسنة عنهم ﷺ فالأقرب حملها علی ا ۲۵۲
- أ. الأخبار الواردة فی أصول الدین ■ ب. صورة تعارض الخبرین □ ج. مطلق الأخبار الواردة عن غیر الإمامی □ د. أخبار غیر الثقات □
۲. در آیه شریفه «... قُلْ أَدْنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ...» مراد از «أَدْنُ» و مراد از «يُؤْمِنُ» است. ب ۲۹۲
- أ. سریع التصدیق و الاعتقاد بکلاً ما یسمع - ترتیب جمیع آثار المخبر به علیه □
- ب. سریع التصدیق و الاعتقاد بکلاً ما یسمع - إظهار القبول عنهم و عدم طرح قولهم رأساً ■
- ج. من یعمل تعبداً بما یسمع - ترتیب جمیع آثار المخبر به علیه □
- د. من یعمل تعبداً بما یسمع - إظهار القبول عنه و عدم طرح قوله رأساً □
۳. قوله ﷺ: «لاتأخذنّ معالم دینک من غیر شیعتنا فإنک إن تعدیتهم أخذت دینک من الخائنین الذین خانوا الله و رسوله» محمول علی أو علی أخذ الفتوی. ج ۳۱۰
- أ. حجیة خبر العادل فقط □ ب. حجیة خبر مطلق الإمامی □ ج. عدم حجیة خبر غیر الثقة ■ د. عدم حجیة الخبر الواحد مطلقاً □
۴. الأظهر أن أخبار الآحاد عند الأخباریین ا ۳۲۶
- أ. حجة مطلقاً ■ ب. لیست بحجة مطلقاً □ ج. حجة فی الفروع فقط □ د. حجة فی الأصول فقط □

تشریحی

- * إن قلت: إن مجرد دلالة آية النبأ علی عدم الاعتناء باحتمال تعمد كذب العادل لا یوجب قبول الخبر؛ لبقاء احتمال خطأ العادل فیما أخبر و إن لم یتمدّ الكذب فیجب التبیّن فی خبر العادل أيضاً لاحتمال خطاءه و هو خلاف الآیة المفصلة بین العادل و الفاسق؛ قلت: إن احتمال خطأ العادل و اشتباهه ینفی بأصالة عدم الخطأ فی الحسّ، و هذا أصل علیه إطباق العقلاء و العلماء فی جمیع الموارد. ۱۸۱
۱. اشکال و جواب آن را توضیح دهید.

اشکال: اگر آیه فقط در مقام نفی اعتماد به خبر فاسق به جهت احتمال تعمد کذب باشد، قبول خبر عادل را نتیجه نمی‌دهد؛ چون ممکن است که عادل در اخبارش خطا کرده باشد؛ پس تبیین در خبر عادل هم لازم است. در نتیجه، فرق بین خبر عادل و خبر فاسق نیست، در حالی که آیه تفصیل داده است. جواب: عقلاً احتمال خطا در اخبار حسّی را نفی می‌کنند، چه در خبر عادل و چه فاسق؛ تنها مشکل، احتمال تعمد بر کذب است که آیه نبأ آن را از عادل نفی می‌کند.

- * قال المحقق: إن الاتفاق علی لفظ مطلق شامل لبعض أفراده الذی وقع فیہ الکلام، لا یقتضی الإجماع علی ذلك الفرد؛ لأنّ المذهب لا یصار إلیه من إطلاق اللفظ ما لم یکن معلوماً من القصد لأنّ الإجماع مأخوذ من قولهم «أجمع علی کذا» إذا عزم علیه فلا یدخل فی الإجماع علی الحكم إلا من علم منه القصد إلیه. ۲۰۹
۲. نظر محقق و دلیل ایشان را توضیح دهید.

اجماع بر کلی، ملازم با اجماع بر تمام افراد آن کلی نیست؛ زیرا صدق اجماع در جایی است که مجمعی متعلق اجماع را قصد کرده باشند و در مقام معلوم نیست فرد را قصد کرده باشند لذا نمی‌توانیم فرد را به آنان نسبت دهیم.

* إنَّ العمل بالمفهوم في الأحكام الشرعية غير ممكن؛ لوجوب التفحص عن المعارض لخبر العدل في الأحكام الشرعية، فيجب تنزيل آية النبا على الإخبار في الموضوعات الخارجية و يجعل المراد من القبول فيها هو القبول في الجملة. ٢٧٠

٣. اشكال بر دلالت مفهوم آیه و پاسخ آن را توضیح دهید.

اشكال: آیه مبارکه مفهوم ندارد؛ زیرا خبر واحد بدون فحص در باب احکام حجیت ندارد با اینکه آیه مطلق است و مقید به فحص نیست. جواب: تفحص غیر از تبیین است؛ چون تفحص از معارض بعد از ثبوت اصل حجیت است؛ پس وجوب تفحص از معارض در واقع مؤید حجیت خواهد بود.

* الإجماع الذي ادّعه السيد قولي وما ادّعه الشيخ عمليّ والجمع بينهما يمكن بحمل عملهم على ما احتفّ بالقرينة عندهم وبحمل قولهم على ما ذكرنا من الاحتمال في دفع الروايات الواردة فيما لا يرضونه من المطالب. ٣٣٠

٤. دو وجه جمع بین این دو اجماع را بنویسید.

وجه جمع اول اینکه در عمل علما و اجماع عملی شیخ تصرف کنیم و عملشان را حمل کنیم بر خبری که دارای قرینه است یعنی علما به خبر دارای قرینه صدق عمل می کنند. این وجه به نفع سید مرتضی می باشد. وجه جمع دوم اینکه در قول علما و اجماع قولی سید تصرف کنیم یعنی قول علما را حمل کنیم بر اینکه این ادعای اجماع حیلۀ شرعی در برابر مخالفین برای ردّ روایاتی (اخبار واحدی) است که عامه نقل می کردند و مضمونش در روایات ما موجود نیست نه اینکه اخبار واحدی که خاصه هم نقل می کنند حجت نباشد. این حمل به نفع شیخ تمام می شود در واقع سید در این ادعا تقیه کرده است.

* يكفي في ردع سيرة العقلاء الآيات المتكاثرة و الأخبار المتواترة على حرمة العمل بما عدا العلم. ٣٤٦

٥. اشكال استدلال به سیره عقلا بر حجیت خبر واحد و پاسخ آن را بیان کنید.

اشكال: اطلاق آیات قرآن و اخبار ناهیه از عمل به ظن، شامل ظن حاصل از سیره عقلا نیز می شود.

جواب مصنف: ادله فوق یا عمل به ظن را از باب تشریح حرام می داند یا از جهت تعارض با اصول عملیه و لفظیه و هیچ کدام از این دو وجه با توجه به سیره عقلا، دلالت بر حرمت نمی کنند؛ چون حرمت تشریح و اصول نیز عقلایی هستند و نمی شود دو سیره متعارض محقق گردد؛ پس عمل به ظن نه مخالف با اصول عملیه و لفظیه است و نه مصداق تشریح.

* إنَّ معنى حجية الخبر كونه دليلاً متبَعاً في مخالفة الأصول العملية و الأصول اللفظية مطلقاً. ٣٦٠

٦. أ. مراد از حجیت خبر واحد چیست؟ ب. برای خبر مخالف اصول عملیه و اصول لفظیه مثالی ذکر کنید.

أ. یعنی عمل بر طبق آن و تبعیت از آن لازم است. ب. خبر مخالف اصول عملیه: مثل اینکه اصل برائت قائم بر عدم حرمت شرب تن است ولی خبر واحد قائم بر حرمت آن است. خبر مخالف اصل لفظی: مثل اینکه اصالة الإطلاق یا اصالة العموم دلالت بر عدم اعتبار صیغه در نکاح دارد ولی خبر واحد قائم شده است که در نکاح صیغه لازم است.

* إنَّ المحكى عن بعض منع دلالة التعليل على عدم جواز الإقدام على ما هو مخالف للواقع بأنَّ المراد بالجهالة السفاهة و فعل ما لا يجوز لا مقابل العلم بدليل قوله تعالى: «... فَتَصْجُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» و لو كان المراد الغلط في الاعتقاد لما جاز الاعتماد على الشهادة و الفتوى. ٢٦١

٧. تعارض مفهوم و تعلیل در منطوق آیه نبا و پاسخ آن را توضیح دهید.

مفهوم آیه نبا بر حجیت خبر عادل دلالت دارد ولی عموم تعلیل بر عدم حجیت آن دلالت می کند.

این تعارض وقتی حاصل می شود که مراد از جهالت «ندانستن» باشد ولی اگر مراد از آن «ندانم کاری» باشد وارد نیست؛ چون عمل به خبر عادل، هر چند علم نیست ولی ندانم کاری و عمل از روی سفاهت هم محسوب نمی شود.

* إنَّ السبب المنقول بعد حجّيته كالمحصّل في ما يستكشف منه و الاعتماد عليه و قبوله و إن كان من الأدلّة الظنيّة باعتبار ظنية أصله و لذا كانت النتيجة في الشكل الأوّل تابعة في الضرورية و النظرية و العلمية و الظنيّة و غيرها - لأخس مقدمته مع بداهة إنتاجه. ۲۲۱

۸. با توجه به عبارت، شباهت و تفاوت اجماع محصل و اجماع منقول را بیان کنید.

شباهت: هر اندازه اجماع محصل کاشفیت دارد، اجماع منقول نیز به همان مقدار کاشفیت دارد، یعنی اگر خود شخص به این مقدار از اقوال دست پیدا می‌کرد هر مقدار کاشفیت داشت اجماع منقول نیز همان مقدار کاشفیت دارد - و از نظر اعتبار نیز همانند اجماع محصل است. تفاوت: از آنجا که نتیجه، تابع اخس مقدمات است: اجماع منقول به خبر واحد دلیل ظنی خواهد بود برخلاف اجماع محصل که دلیل قطعی است.

* قال السيد المرتضى رحمته: يجوز أن يكون الحقّ عند الإمام عليه السلام و الأقوال الأخر كلّها باطلهً و لا يجب عليه الظهور لأنّنا إذا كنّا نحن السبب في استتاره فكلّ ما يفوتنا من الانتفاع به و بما معه من الأحكام يكون قد فاتنا من قبل أنفسنا و لو أزلنا سبب الاستتار لظهر و انتفعنا به و أدّى إلينا الحقّ الذي كان عنده.

۹. دیدگاه سید مرتضی در مورد اجماع لطفی را توضیح دهید. ۱۹۴

ایشان می‌فرماید: اجماع لطفی حجت نیست؛ زیرا ممکن است حق نزد امام عليه السلام باشد و اقوال دیگر همه باطل باشد و بر امام عليه السلام هم اظهار حق واجب نیست؛ چون که سبب اختفای امام عليه السلام خود مکلفین و مردم هستند، پس سبب فوت احکام خود ما هستیم نه امام عليه السلام.

گروه: الف				بسمه تعالی	مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۴				پاسخنامه مدارس شهرستان	معاونت آموزش و امور حوزه‌ها
اصول	موضوع:	۷	پایه:	اداره ارزشیابی و امتحانات	
۸	ساعت:	۹۴/۰۳/۱۶	تاریخ:		
نام کتاب: فرائد الاصول، از اجماع منقول تا اول دلیل انسداد					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره دراره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

تستی

۱. به نظر مصنف، مراد از «تبیّن» و مراد از «جهالت» است. د ۲۶۲
 - أ. تحصیل الاطمینان - السفاهة
 - ب. الفحص - مقابل العلم
 - ج. الثبوت - السفاهة
 - د. تحصیل الاطمینان - الشک أو الظنّ الابتدائی الزائل بعد الدقة
۲. روایت «أما ما رواه زرارة عن أبي فلا يجوز رده» بر کدام گزینه دلالت دارد؟ ج ۲۹۹
 - أ. حجیت شهرت روایی
 - ب. حجیت مطلق خبر واحد
 - ج. حجیت خبر ثقه مأمون
 - د. از اصحاب اجماع بودن زراره
۳. إذا علم بأن بعض المجمعين يعملون بخبرٍ من حيث علمه بصدوره فالعمل بهذا الخبر لنا ج ۳۵۰
 - أ. جائز مطلقاً
 - ب. غیر جائز مطلقاً
 - ج. جائز إذا حصل لنا العلم بصدوره
 - د. جائز إذا لم يحصل لنا العلم بخلافه
۴. إن وجوب التفحص عن المعارض وجوب التبیّن فی الخبر. ب ۲۷۰
 - أ. يؤكّد حجیة خبر العادل نظیر
 - ب. يؤكّد حجیة خبر العادل بخلاف
 - ج. ینافی حجیة خبر العادل نظیر
 - د. ینافی حجیة خبر العادل بخلاف

تشریحی

- * إن ظاهر أكثر القائلین باعتبار الإجماع المنقول بالخصوص: أن الدلیل علیه هو الدلیل علی حجیة خبر العادل. ۱۷۹
۱. چگونه ادله حجیت خبر عادل بر حجیت اجماع منقول دلالت می کنند؟
اجماع منقول یکی از مصادیق خبر عادل است؛ پس ادله حجیت خبر عادل شامل آن می شود.
- * إن المتتبع فی الإجماعات المنقولة يحصل له القطع من تراكم أمارات كثيرة، باستناد دعوی الناقلين للإجماع إلى الحدس الحاصل من حسن الظنّ بجماعة من تقدّم علی الناقل، أو من الانتقال من الملزوم إلى لازمه، مع ثبوت الملازمة باجتهد الناقل واعتقاده. ۲۱۱
۲. با توجه به عبارت، منشأهای ادعای اجماع را توضیح دهید.
(با تتبع در اجماعات منقوله از قرائن فراوان قطع حاصل می شود که:) ۱. ادعای اجماع به خاطر حسن ظنّ ناقلین به متقدمین بوده است
۲. ناقلین ملزومی را می پذیرفتند و چون ملازمه را مورد قبول همه می دانستند لازم را به جمیع نسبت می دادند.
- * إن الاستدلال علی حجیة الخبر الواحد بأیه النبأ إن كان باعتبار مفهوم الشرط. ففیه: أن مفهوم الشرط عدم مجيء الفاسق بالنبأ و عدم التبیّن هنا لأجل عدم ما یتبیّن فالجملة هنا لیبیان تحقق الموضوع. ۲۵۷
۳. اشکال استدلال به مفهوم آیه بر حجیت خبر واحد را توضیح دهید.
مفهوم شرط به معنای انتفاء الحکم عند انتفاء شرط است بعد از فراغ از ثبوت موضوع و در این آیه وقتی جمله شرطیه برای تحقق موضوع می باشد انتفاء حکم منتسب به انتفاء شرط نیست بلکه منتسب به انتفاء موضوع است، مثل «إن رزقت ولداً فاختنه».

* یرد علی الاستدلال بآیه الذکر أولاً أنّ الاستدلال إنّ کان بظاهر الآیه فظاهرها بمقتضى السياق إرادة علماء أهل الكتاب ... و إنّ کان مع قطع النظر عن سیاقها ففیه أنّه ورد فی الأخبار المستفیضة أنّ أهل الذکر هم الأئمة علیهم السلام. ۲۸۹

۴. چرا اگر مراد از اهل ذکر، ائمه یا علمای اهل کتاب باشند، این آیه برای حجیت خبر واحد قابل استدلال نخواهد بود؟

اگر مراد از اهل ذکر، ائمه علیهم السلام باشند، قول امام معصوم برای مخاطب و سامع علم و قطع می آورد و سامع از سخن امام علم به مضمون خبر پیدا می کند کما این که طالب حقیقت - از قول علمای اهل کتاب - به ثبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علم پیدا می کند بنا بر این سائل بر اساس علم خود عمل می کند نه اینکه تعبداً به غیر علم (خبر واحد ظنی) عمل نماید در حالی که بحث در حجیت خبر واحد، عمل و تصدیق خبر ظنی است تعبداً.

* إنّ الإجماع المدّعی من الشیخ معتضد بقرائن كثيرة تدلّ علی صدق مضمونه مثل ما ذکره ابن ادریس فی رسالته خلاصة الإستدلال التي صنفها فی مسألة فوریه القضاء فی مقام دعوی الإجماع علی المضایقة، قال فی مقام تقریب الإجماع: «إنّ ابنی بابویه و الأشعریین و القمیین أجمع عاملون بالأخبار المتضمنة للمضایقة لأنهم ذکروا أنّه لا یحلّ ردّ الخبر الموثوق برواته». ۳۳۶

۵. أ. منظور از «مضایقه» چیست؟ ب. وجه تأیید اجماع شیخ بواسطه کلام ابن ادریس را بنویسید.

أ. ضیق بودن وقت قضای نماز عدم جواز تأخیر آن.

ب. منشأ اجماع، عدم جواز ردّ خبری است که راوی آن، ثقة بوده؛ پس ملاک در اعتبار خبر، ثقة بودن راوی است نه چیز دیگر.

* مما قیل بکونه مستنداً لعلم الحاکمی بقول الامام قاعدة اللطف و لا یخفی أنّ الاستناد إلیه غیر صحیح فإذا علم استناد الحاکمی إلیه فلا وجه للاعتماد علی حکایتیه و المفروض أنّ إجماعات الشیخ کلّها مستندة إلی هذه القاعدة. ۱۹۲

۶. آیا اجماعاتی که شیخ ادعا کرده، حجت است؟ چرا؟

خیر؛ چون اجماعات شیخ مستند به قاعدة لطف است و قاعدة لطف حجت نیست.

* اختلف القائلون باعتبار الخبر الواحد من جهة أنّ المعبر منها کلّ ما فی الكتب المعترية أو أنّ المعبر بعضها و أنّ المناط فی الاعتبار عمل الأصحاب أو عدالة الراوی أو وثاقته أو مجرد الظن بصدور الروایة من اعتبار صفة فی الراوی. ۲۴۱

۷. اقوال در مناط حجیت خبر واحد را بیان کنید؟

۱. وجود آن در کتب معتبره ۲. عمل اصحاب به آن ۳. عدالت راوی ۴. وثاقت راوی ۵. صرف ظن به صدور روایت (ولو به استناد وجود صفت وثاقت یا عدالت راوی).

* إنّ وجوب العمل بالکتاب و السنّة ثابت بالإجماع و بقاء هذا التکلیف أيضاً بالنسبة إلینا ثابت و حیثئذٍ فإنّ أمکن الرجوع إلیهما علی وجه یحصل العلم بهما بحکم أو الظن الخاص به فهو و إلّا فالمتبع هو الرجوع إلیهما علی وجه یحصل الظنّ منهما. ۳۶۳

۸. عبارت در مقام استدلال بر چیست؟ استدلال را توضیح دهید.

اثبات حجیت ظن مطلق. بالاجماع باید به کتاب و سنت عمل شود و این تکلیف همان طوری که در صدر اول ثابت بود، در دوره بعد نیز ثابت است. حال اگر ما دسترسی علمی یا ظنی خاص به این دو داشتیم فهو المطلوب و إلّا باید به مطلق ظن بسنده کنیم.

* إنّ القدر الثابت من الاتفاق بإخبار الناقل - المستند إلی حسه - لیس مما یستلزم عادة موافقة الإمام علیه السلام و إنّ کان هذا الاتفاق لو ثبت لنا أمکن أن یحصل العلم بصدور مضمونه لکن لیس علّة تامّة لذلك. ۲۲۵

۹. با توجه به عبارت، وجه عدم حجیت اجماع منقول به خبر واحد را توضیح دهید.

چون بین موافقت امام علیه السلام و نقل اتفاق عادتاً ملازمه ای وجود ندارد؛ چون اخبار عدد معینی از یک حادثه، گاهی موجب علم به صدق خبر آنها می شود و گاهی موجب علم به صدق نمی شود. نتیجه: عادتاً از نقل اتفاق، کشف قول امام علیه السلام نمی شود.

پایه:	۷	موضوع:	اصول
تاریخ:	۹۵/۰۳/۱۰	ساعت:	۸

نام کتاب: فرائد الاصول، از اجماع منقول تا اول دلیل انسداد

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. مرجع اصالة الاطلاق چیست؟ **ا** ۱۳۵

أ. اصالة عدم القرينه الصارفة ب. اصالة الحقيقة ج. اصالة العموم د. اصالة الظهور

۲. مراد از «جهالت» و «تبیین» در آیه نبأ به ترتیب کدام است؟

أ. شك یا ظن ابتدایی - تحصیل اطمینان ب. ظن ابتدایی - تفحص

ج. سفاهت - تحصیل اطمینان د. سفاهت - تثبت

۳. النسبة بين مفهوم الشرط و بين التعليل المذكور في آية النبأ هو

أ. العموم و الخصوص من وجه ب. التباين ج. التساوي د. العموم و الخصوص مطلقاً

۴. مراد از «أذن» در آیه شریفه «... قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ...» چیست؟

أ. سريع الاعتقاد و التصديق به تمام شنیده‌ها ب. کسی که تعبداً به تمام شنیده‌ها عمل می‌کند

ج. ترتب صحیح آثار نسبت به شنیده‌ها د. عمل به شنیده‌ها از روی اعتقاد

تشریحی

* إذا كان المناط كشف الروايات عن صدور معناها عن الامام عليه السلام و لو بلفظ آخر و المفروض أن حكاية الإجماع أيضاً حكاية حكم صادر عن المعصوم عليه السلام بهذه العبارة التي هي معقد الإجماع أو بعبارة أخرى وجب العمل به. لكن هذا المناط لو ثبت دلّ على حجية الشهرة بل فتوى الفقيه إذا كشف عن صدور الحكم بعبارة الفتوى أو بعبارة غيرها. ۱۸۰

۱. دليل حجيت اجماع منقول و اشكال مصنف را بنويسيد.

دلیل: ملاک در وجوب عمل به روایات، کشف رأی امام عليه السلام است هرچند با الفاظ دیگر و در اجماع هم فرض همین است که حکایت و کشف از حکم صادر از معصوم عليه السلام می‌کند پس واجب العمل و حجت خواهد بود. اشکال: این مناط و ملاک اولاً ثابت نیست و ثانیاً اگر ثابت شود دلیل بر حجیت شهرة بلکه فتوای فقیه می‌باشد در صورتی که کاشف از صدور حکم باشد.

* إن أضاف الإجماع إلى من عدا الإمام عليه السلام فلا إشكال في عدم حجية نقله لأنه لم ينقل حجة و إن فرض حصول العلم للناقل بصدور الحكم عن الإمام عليه السلام من جهة هذا الاتفاق إلاً أنه إنما نقل سبب العلم و لم ينقل المعلوم و هو قول الإمام عليه السلام حتى يدخل في نقل الحجة و حكاية السنة بخبر الواحد. ۱۹۱

۲. ضمن بیان اقسام و انواع حکایت اجماع، وجه عدم حجیت اجماع مضاف «الی من عدا الإمام» را ذکر کنید.

۱. اجماع مطلق و بدون اضافه ۲. اجماع مضاف به کلمه و عبارتی که امام عليه السلام را نیز شامل باشد مثل اجماع اهل الحق ۳. مضاف به کلمه ای که امام را شامل نباشد مثل اجماع علمائنا. وجه عدم حجیت اینکه حکایت اجماع امام عليه السلام را شامل نیست لذا این نقل، نقل حجت و حکایت سنت با خبر واحد نیست تا مشمول ادله حجیت خبر واحد شود.

* أن المقدار من النسبة المحتمل استناد الناقل فيها إلى الحسن يكون خبره حجة فيها لأن ظاهر الحكاية محمول على الوجدان إلاً إذا قام هناك صارف و المعلوم من الصارف هو عدم استناد الناقل إلى الوجدان و الحسن في نسبة الفتوى إلى جميع من ادعى إجماعهم. ۹۵

۳. خبر ناقل اجماع، نسبت به چه چیز حجت است؟ دلیل آن را بنویسید.

نسبت به آن استناد فتوایی که به استصحاب اجماع نسبت داده است؛ چون این استناد، خبر حسی است نه حدسی؛ لذا مشمول ادله حجیت خبر واحد می‌باشد.

* لو أخبر بإخبار جماعة يستلزم عادة تحقق المخبر به بأن يكون حصول العلم بالمخبر به لازم الحصول لأخبار الجماعة كأن أخبر مثلاً بإخبار ألف عال أو أزيد بموت زيد و حضور جنازته كان اللازم من قبول خبره الحكم بتحقيق الملزوم و هو إخبار الجماعة فيثبت اللازم و هو تحقق موت زيد. ۱۰۳

۴. اجماع منقول در چه صورت حجت است؟

در صورتی که خبر به اخبار جماعتی باشد که تعداد مخبرین به حدی باشد که عادتاً مستلزم علم به مفاد خبر باشد، مثل خبر از اخبار هزار عادل به موت زيد، که در این صورت پذیرفتن این خبر مستلزم علم به مفاد خبر می‌باشد، در نتیجه احکام شرعی موت زيد اجرا می‌شود.

* ان الأولوية الظنية أو هن بمراتب من الشهرة فكيف يتمسك بها في حجيتها مع أن الأولوية ممنوعة رأساً للظن بل العلم بأن المناط و العلة في حجية الأصل ليس مجرد إفادة الظن و أضعف من ذلك تسمية هذه الأولوية في كلام ذلك البعض مفهوم الموافقة مع أنه ما كان استفادة حكم الفرع من الدليل اللفظي الدال على حكم الاصل. ۲۳۲

۵. دلیل حجیت شهرت فتوایی چه اشکالی دارد؟

(استدلال این است که ادله حجیت خبر واحد به طریق اولی بر حجیت شهرت دلالت می‌کنند) اشکال مصنف این است که اولاً اولویت از لحاظ مراتب، از خود شهرت او هن و پایین‌تر است پس چگونه می‌توان به آن تمسک کرد. ثانیاً اصلاً اولویت در کار نیست؛ چون مناط در حجیت اصل یعنی خبر واحد، مجرد افاده ظن نیست تا گفته شود که ظن حاصل از فرع یعنی شهرت، بیش از ظن حاصل از خبر واحد است. ثالثاً نامیدن این اولویت به مفهوم موافقت هم درست نیست؛ چون مفهوم موافقت در جایی است که استفاده حکم فرع، از دلیل لفظی دال بر حکم اصل باشد.

* أن الاستدلال إن كان بظاهر الآية فظاهرها بمقتضى السياق إرادة علماء أهل الكتاب كما عن ابن عباس و مجاهد و الحسن و قتادة ... و إن كان مع قطع النظر عن سياقها ففيه أولاً أنه ورد في الأخبار المستفيضة أن أهل الذكر هم الأئمة عليهم السلام و قد عقد في أصول الكافي باباً لذلك و قد أرسله في المجمع عن علي عليه السلام. ۲۸۹

۶. وجه عدم تمامیت استدلال برای حجیت خبر واحد به آیه «ذکر» و «سؤال» چیست؟

طبق سیاق آیه، مراد از اهل ذکر، علمای اهل کتاب است و با قطع نظر از سیاق، طبق روایات، مراد از اهل ذکر ائمه اهل بیت علیهم السلام است؛ لذا در هر دو صورت سائل، به مضمون خبر و جواب علم پیدا می‌کند و طبق علم خود عمل می‌کند و تصدیق خبر، وجدانی است نه تعبدی بغير علم، در حالی که مورد استدلال حجیت خبر واحد و تصدیق خبر، ظنی است تعبداً.

* الإنصاف أنه لم يتضح من كلام الشيخ دعوى الإجماع على أزيد من الخبر الموجب لسكون النفس و لو بمجرد وثاقة الراوى و كونه سديداً فى نقله لم يطعن فى روايته. و لعلّ هذا الوجه أحسن وجوه الجمع بين كلامى الشيخ و السيد خصوصاً مع ملاحظة تصريح السيد فى كلامه بأن أكثر الأخبار متواترة أو محفوفة و تصريح الشيخ فى كلامه المتقدم بإنكار ذلك. ۳۲۰-۱

۷. مصنف چه وجه جمعی بین کلام شیخ و سید ذکر می‌کند؟

مراد سید از خبر واحد محفوف به قرینه و مفید علم، خبر واحد مفید اطمینان است نه قطع؛ چون تصریح کرده که اکثر اخبار، متواتر یا محفوف به قرینه‌اند و از آن طرف در کلام شیخ هم ادعای اجماع برایش از خبر مفید اطمینان وجود ندارد. از این رو هر دو کلام و اجماع با هم منافاتی ندارند.

* أنا نقطع ببقاء التكليف إلى يوم القيامة سيما بالأصول الضرورية كالصلاة و الزكاة و الصوم و الحجّ و المتاجر و الأُنكحة و نحوها مع أن جلّ أجزائها و شرائطها و موانعها إنما يثبت بالخبر الواحد الغيرى القطعىّ و يرد عليه أولاً أنّ العلم الإجمالىّ حاصل بوجود الأجزاء و الشرائط بين جميع الأخبار لا خصوص الأخبار المشروطة بما ذكره و مجرد وجود العلم الإجمالىّ فى تلك الطائفة الخاصة لا يوجب خروج غيرها عن أطراف العلم الإجمالىّ.

۸. استدلال فاضل تونى بر حجيت خبر واحد را با دليل عقلى و اشكال مصنف را ذكر كنيد. ۳۶۱

استدلال: ما قطع به بقای تکالیف تا روز قیامت داریم؛ به ویژه درباره نماز و روزه و حج و ... بیشتر اجزاء و شرایط و موانع آنها از طریق خبر واحد ظنى ثابت می شوند پس عمل به خبر واحد ظنى ضرورى است. اشكال مصنف: دليل اعم از مدعاست، و بر اساس علم اجمالى است و مفید عمل به اخبار از باب احتیاط است و شامل کلیه اخبار مظنون الصدور و تمام امارات کاشفه از حکم الهی است نه خصوص خبر واحد و موجود در جوامع روایی؛ چون همه اخبار و امارات، از اطراف علم اجمالى کبیر می باشند.

* أن فى مخالفة المجتهد لما ظنّه من الحكم الوجوبىّ أو التحريمىّ مظنة للضرر و دفع الضرر المظنون لازم و فيه أن دفع الضرر المظنون إذا قلنا بالتحسين و التقيح العقليين احتياط مستحسن لا واجب. ۳۶۷

۹. استدلال حجيت مطلق ظن و اشكال آن را بنويسيد.

استدلال: در مخالفت با مجتهد، در ظنى كه به حكم وجوبى يا تحريمى برايش حاصل مى شود، گمان ضرر وجود دارد؛ چون احتمال دارد ظن او منطبق با واقع باشد و دفع ضرر محتمل هم لازم است. اشكال: اگر قائل به حسن و قبح عقلى باشیم، دفع ضرر محتمل، يك احتياط حسن است نه لازم.

پایه :	۷	موضوع :	اصول
تاریخ :	۹۳/۱۲/۲۱	ساعت :	۱۰:۳۰

نام کتاب: فرائد الاصول از اول تا اجماع منقول

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. اگر شک کند دفن کافر واجب است یا حرام، مجرای چه اصلی است؟ ب ۲۶
 - ا. برائت
 - ب. تخییر
 - ج. استصحاب
 - د. احتیاط
۲. علی رأی المصنف، إن اعتبار الأصول اللفظية..... الأصول العملية. ج ۱۳۲
 - ا. مقید بصورة عدم الظن علی خلافها و کذا
 - ب. مقید بصورة عدم الظن علی خلافها بخلاف
 - ج. غیر مقید بصورة عدم الظن علی خلافها و کذا
 - د. غیر مقید بصورة عدم الظن علی خلافها بخلاف
۳. الأقوی أن المخالفة الغير العملية للعلم الإجمالي..... ا ۸۴
 - ا. جائز مطلقاً
 - ب. غیر جائز مطلقاً
 - ج. جائز فی خصوص الشبهة حکمیة
 - د. جائز فی خصوص الشبهة الموضوعیة
۴. لو تردّد التكلیف بین شخصین فإتیان ذلك التكلیف..... ب ۹۶ (د ۲ س ۱)
 - ا. واجب علی کلّ منهما وجوباً عینياً
 - ب. غیر واجب علیهما فیأخذان بالبراءة
 - ج. واجب علیهما وجوباً کفائياً
 - د. واجب علی أحدهما لا بعینه

تشریحی

- * ظاهر کلماتهم الإتفاق علی استحقاق المتجرى للعقاب كما يظهر من دعوى جماعة الإجماع علی أن ظان ضيق الوقت إذا أخر الصلاة عصى و إن انكشف بقاء الوقت فإنّ تعبیرهم بظن الضيق لبيان أدنى فردی الرجحان فیشمل القطع بالضيق. ۳۷
۱. مدعا و دلیل آن را توضیح دهید.

مدعی: متجرى استحقاق عقاب دارد. وجه استفاده: کسی که ظن به ضیق وقت دارد اگر نماز را تأخیر اندازد معصیت کرده و مستحق عقاب است و لو بعد بفهمد وقت وسعت داشته گرچه این فرع در مورد ظن به ضیق وقت است اما ذکر ظن از این باب بوده که ادنی فرد رجحان ظن است و خصوصیتی برای آن نیست شامل قطع هم که اعلی فرد رجحان است می‌شود به طریق اولی.

- * ینسب إلى أصحابنا الأخباریین عدم الاعتماد علی القطع الحاصل من المقدمات العقلية القطعية الغير الضرورية... ۵۱
۲. اشکال مصنف بر نظریه فوق را توضیح دهید.

اگر مقصودشان این است که اعتماد به قطع بعد از حصول آن جایز نیست بیان معقولی نیست چون قطع کشف ذاتی دارد و تفاوتی بین این قطع و قطع حاصل از مقدمات شرعی نیست. و اگر مقصود این است که برای تحصیل مطالب شرعی نباید خوض در مطالب عقلی کرد چون اشتباه در آن زیاد است اشکالش این است که: ادعای کثرت خطأ مورد اشکال است (چون خطای آن بیشتر از خطای در فهم مطالب شرعیه نیست).

- * لو كان الظن ممّا ثبت اعتباره بالخصوص فالظاهر أنّ تقدیمه علی الاحتیاط إذا لم يتوقف علی التكرار مبنی علی اعتبار قصد الوجه و حیث قد رجحنا فی مقامه عدم اعتبار نية الوجه فالأقوی جواز ترك تحصیل الظن و الأخذ بالاحتیاط. ۷۴
۳. آیا مقلد می‌تواند در عبادت خود، تقلید را ترک کرده و احتیاط کند؟ توضیح دهید.

از آنجا که قصد وجه در عبادت معتبر نیست پس اشکالی ندارد.

* استدلال ابن قبة على امتناع التعبد بخبر الواحد: بأن العمل به موجب لتحليل الحرام و تحريم الحلال و أجيب عنه: بالنقض بالفتوى و البيئنة. و بالحل: بأنه إن أريد تحليل الحلال الظاهري أو عكسه فلا نسلم لزومه و إن أريد تحريم الحلال الواقعي ظاهراً فلا نسلم امتناعه. ١٠٦-١٠٧

٤. أ. مدعى ابن قبة را با مثال توضیح دهید. ب. اشکال نقضی و حلی آن را بیان نمایید.

أ. خبر واحد بر حرمت شرب تثن قائم شده اما در واقع حلال بود یا بر عکس. تحريم حلال و تحليل حرام می شود؛ لذا تعبد به ظن محال است. ب. اشکال: ١. در مورد فتوا و بیئنه نیز این محذور وجود دارد و با این محال آنها را معتبر می دانند. ٢. اگر مقصود تحلیل حرام ظاهری است قبول نداریم از تعبد به خبر، حرام ظاهری تحلیل شود و اگر مقصود حرام واقعی است امتناع آن را قبول نداریم (چه اشکالی دارد حکم واقعی با حکم ظاهری متفاوت باشد).

* معنى إيجاب العمل على الأمانة وجوب تطبيق العمل عليها لا وجوب إيجاد عمل على طبقها إذ قد لا تتضمن الأمانة إلزاماً على المكلف فإذا تضمنت استحباب شيء وجب عليه إذا أراد الفعل أن يوقعه على وجه الإستحباب بمعنى حرمة قصد غيره. ١١٥

٥. عبارت «إذ قد لا تتضمن الأمانة...» دلیل چیست؟ توضیح دهید.

دلیل این که وجوب عمل به اماره به معنی وجوب ایجاد عمل بر طبق اماره نیست؛ چون گاه اماره متضمن حکم الزامی نیست. مثلاً خبر بر استحباب یک شیء قائم شده. معنای وجوب عمل به اماره این است که این کار را بر وجه استحباب انجام بده یعنی حکم دیگری را قصد نکن.

* إنه فرق واضح بين جعل مدلول الأمانة حكماً واقعياً و الحكم بتحقيقه واقعاً عند قيام الأمانة و بين الحكم واقعاً بتطبيق العمل على الحكم الواقعي المدلول عليه بالأمانة كالحكم واقعاً بتطبيق العمل على طبق الموضوع الخارجي الذي قامت عليه الأمانة. ١٢١ س ٢٥٢

٦. تفاوت دو قول مذکور، در تعبد به امارات را توضیح دهید.

قول اولی مبتنی بر مسلک سببیت است که مستلزم تصویب می باشد به این معنی که در جعل حجیت برای اماره مؤدای اماره حکم واقعی می گردد و وقتی اماره ای بر حکمی قائم می شود حکم بر طبق مؤدای اماره جعل می شود. قول دوم مبتنی بر مسلک طریقیست است که بر اساس مصالحی شارع حکم به لزوم عمل بر طبق اماره کرده مانند حکمی که بر لزوم عمل بر طبق بیئنه کرده است. همچنان که قیام بیئنه باعث عوض شدن موضوع خارجی نمی شود قیام اماره هم حکم واقعی را تغییر نخواهد داد.

* إننا نعلم بطروء التقييد و التخصيص و التجوز في أكثر ظواهر الكتاب و ذلك مما يسقطها عن الظهور و فيه: أولاً: النقص بظواهر السنة فإننا نقطع بطروء مخالفة الظاهر في أكثرها و ثانياً: أن هذا لا يوجب السقوط و إنما يوجب الفحص عما يوجب مخالفة الظاهر. ١٤٩

٧. وجه عدم حجیت ظواهر و اشکال آن را توضیح دهید.

چون علم اجمالی داریم که بسیاری از مطلقات و عمومات قرآن تقييد و تخصيص خورده اند قهراً با وجود علم اجمالی ظواهر قرآن حجت نیست. جواب: اولاً: همین علم اجمالی در روایات هم هست و حال آنکه شما قائل به حجیت آن هستید. ثانياً: علم اجمالی به عروض تقييد و تخصيص موجب سقوط ظواهر نمی شود بلکه موجب لزوم فحص از مخالف ظاهر می شود.

٨. به نظر مصنف، در چه مواردی می توان به قول لغوی رجوع کرد؟ (ذکر دو مورد کافی است) ١٧٥

از قول لغوی علم به مستعمل فيه پیدا شود - در مقاماتی که می توان مسامحه در آن کرد مثل غیر باب احکام - طریق علم مسند باشد و ناگزیر از عمل باشیم.

✽ فصل صاحب القوانين بين من قصد إفهامه بالكلام و غيره فقال بحجية الظواهر بالنسبة إلى المقصود بالإفهام من باب الظن الخاص و بعدم حجيتها بالنسبة إلى من لم يقصد إفهامه بالخطاب إلّا من باب الظن المطلق. ١٦٠

٩. أ. تفصيل مذکور را توضیح دهید. ب. مقصود از ظن خاص و مطلق چیست؟

أ. ظواهر كلام متکلم برای کسانی که قصد افهام آنها را داشته حجت است از باب ظن خاص و برای غیر مقصودین به افهام حجت است از باب ظن مطلق.

ب. ظن خاص ظنی که دلیل خاص بر حجیت آن اقامه شود. ظن مطلق ظنی است که دلیل حجیت آن مقدمات انسداد است.

تستی

۱. إنَّ العَقلَ یحکم بتساوی المتجرِّی والعاوی فی ب ۴۱
- أ. استحقاق المذمَّة علی الفعل المقطوع بكونه معصية
- ب. استحقاق المذمَّة من حیث شقاوة الفاعل
- ج. ثبوت العقاب علی القصد
- د. استحقاق المذمَّة من حیث الفعل والفاعل
۲. إنَّ العمده فی منع الأخباریین من العمل بظواهر الكتاب أ ۱۴۹
- أ. الأخبار المانعة عن تفسیر القرآن
- ب. كون المنع هو مقتضى الأصل
- ج. اختصاص العمل بمن قصد إفهامه
- د. اختصاص العمل بالمشافهین
۳. إنَّ وقوع التحریف فی القرآن - علی القول به - لا یمنع من التمسك بالظواهر ج ۱۵۸
- أ. لاحتمال أن التحریف كان فی غیر الظواهر المتعلقة بالأحكام الشرعية
- ب. لكون العلم الإجمالی من قبیل الشبهة غیر المحصورة
- ج. لانحلال العلم الإجمالی بموارد التحریف الواردة فی الروایات
- د. لعدم العلم الإجمالی بوقوع التحریف فی الظواهر
۴. التفقه الواجب فی آية النفر لیس إلا معرفة ج ۲۸۲
- أ. الأصول الاعتقادية دون غيرها
- ب. الأحكام الفرعية دون غيرها
- ج. الأمور الواقعية من الدین
- د. الأحكام الواقعية الأولیة

تشریحی

* و الحاصل أن كون القطع حجة غیر معقول لأنَّ الحجة ما یوجب القطع بالمطلوب فلا یطلق علی نفس القطع. ۳۰

۱. أ. «حجة» در کلام فوق به چه معناست؟ ب. چرا بر قطع حجت اطلاق نمی‌شود؟

أ. حجت به معنای اصطلاحی، حدّ وسط است که برای قطع به ثبوت اکبر (حکم) بر ذات اصغر (موضوع) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب. چون حجت به معنای حدّ وسط و اطلاق آن بر قطع که نتیجه است، خلاف اصطلاح است.

* قال الباقری (رحمته الله): لو أن رجلاً قام ليله و صام نهاره و حجّ دهره و تصدّق بجميع ماله و لم يعرف ولاية ولى الله فيكون أعماله بدلالته فيواليه، ما كان له

على الله ثواب. ۵۸ - ۶۱

۲. با اینکه حُسن تصدّق، بدیهی و فطری است، روایت چگونه توجیه می‌شود؟

باید این روایت را حمل کرد بر تصدّق به مخالفین به سبب مخالفت و تدین آنها به مذهب فاسدشان و یا بر این حمل کرد که ثواب این

صدقه به سبب عدم معرفت ولى الله حیط می‌شود.

* قد وقع في الشرع موارد توهم الفرق بين العلم التفصيلي المتوكد من العلم الإجمالي وبين غيره من العلوم التفصيلية. كحكم بعض بصحة ایتمام أحد واجدی المنی فی الثوب المشترك بينهما بالأخر وكحكم بعض بجواز ارتكاب كلا المشتبهين في الشبهة المحصورة تدريجاً فلا بد في هذه الموارد من التزام أحد أمور: الأول: كون العلم التفصيلي في كل من أطراف الشبهة موضوعاً للحكم. الثاني: أن الحكم الظاهري في حق كل أحد نافذ واقعاً في حق الآخر. ۸۲

۳. چگونه مصنف مخالفت با علم تفصيلی متولد از علم اجمالی را توجیه کرده است؟ هر دو راه را با مثال تقریب کنید.

۱. در اطراف شبهه، علم تفصيلی به حکم، در موضوع اخذ شده است پس در شبهه محصوره چون مکلف علم تفصيلی به حرام ندارد حکم حرمت در مورد او وجود ندارد. ۲. حکم ظاهری که هر مکلف برای عمل خودش جاری می کند برای دیگران حکم واقعی است پس صحت ظاهری نماز احد واجدی المنی در حق دیگران صحت واقعی خواهد بود لذا اقتداء صحیح است.

* المعروف إمكان التبعّد بالظن عقلاً ويظهر من الدليل المحكي عن ابن قبة في استحالة العمل بالخبر الواحد عموم المنع لمطلق الظن، قال: إن العمل به موجب لتحليل الحرام وتحريم الحلال، إذ لا يؤمن أن يكون ما أخير بحليته حراماً وبالعكس وهو محال" وهذا الوجه كما ترى جارٍ في مطلق الظن بل مطلق الأمانة الغير العلمية وإن لم يفد الظن. ۱۰۵

۴. أ. استدلال ابن قبة را در ضمن مثال توضیح دهید. ب. مقصود از «مطلق الظن» ظن شخصی است یا نوعی؟

أ. استدلال: از اعتبار ظن، محال لازم می آید پس اعتبار ظن، محال است. وجه ملازمه: چون در ظن احتمال خلاف نیز وجود دارد و ممکن است ظن قائم بر حلیت یک فعلی باشد در حالی که آن فعل در واقع حرام است وبالعکس پس در این جا معتبر دانستن این ظن باعث حلال قرار دادن یک حرامی شد و این محال است زیرا هم نقض غرض لازم می آید و هم فعل مفسده داری را حلال کردن است. ب. مقصود ظن شخصی است.

* إن ظاهر أكثر القائلين باعتبار الإجماع المنقول (بخبر الواحد) بالخصوص، أن الدليل عليه هو الدليل على حجية خبر العادل، فهو عندهم كخبر صحيح عالي السند؛ لأن مدعى الإجماع يحكي مدلوله ويرويه عن الإمام (عليه السلام) بلا واسطة، ويدخل الإجماع ما يدخل الخبر من الأقسام، ويلحقه ما يلحقه من الأحكام.

۱۷۹

۵. أ. كلمة «بالخصوص» قيد چیست؟ مقصود از آن را بیان کنید. ب. جمله «ويدخل الإجماع ما يدخل الخبر...» را توضیح دهید.

أ. قيد بالخصوص قيد جمله اعتبار است و مقصود از آن ظن خاص بودن اجماع منقول است یعنی اجماع منقول از ظنون خاصه است و به عبارت دیگر دليل خاص بر حجیت آن داریم غير از دليل انسداد كبير.

ب. جمله «ويدخل الإجماع...» اشاره دارد به این که کما این که خبر، صحیح و موثق و حسن و ضعیف دارد اجماع هم به اعتبار ناقل صحیح دارد اگر ناقل عادل و امامی باشد. وهكذا حسن دارد اگر ناقل آن امامی ممدوح باشد و موثق دارد اگر ناقل ثقة غیر امامی باشد و ضعیف دارد اگر ناقل فرد مجهول الحال و یا فاسق باشد و همچنین احکام خبر واحد در اجماع منقول هم جاری می شود مثلاً اجماع منقول مخصّص عام قرآنی می شود مثل خبر واحد معتبر ... و مثل تعارض دو اجماع منقول و هكذا.

* إن المتتبع في الإجماعات المنقولة يحصل له القطع من تراكم أمارات كثيرة، باستناد دعوى الناقلين للإجماع إلى الحدس الحاصل من حسن الظن بجماعة ممن تقدّم على الناقل، أو من الانتقال من الملزوم إلى لازمه، مع ثبوت الملازمة باجتهد الناقل واعتقاده. ۲۱۱

۶. عبارت را توضیح دهید.

با تتبع در اجماعات منقوله از قرائن فراوان قطع حاصل می شود که ادعای اجماع توسط ناقلین یا به خاطر حسن ظن به متقدمین بوده است که حتماً نظر درست را انتخاب کرده اند و یا بدین خاطر بوده است که ملزومی را می پذیرفته اند و چون ملازمه را مورد قبول همه می دانستند لازم را به جمیع نسبت می داده اند.

* آورد علی الاستدلال بآیه النبأ علی حجیة خبر الواحد بآنا لو سلّمنا دلالة المفهوم علی قبول خبر العادل الغير المفید للعلم لكن نقول إن مقتضى عموم التعلیل وجوب التبیّن فی کلّ خبر لا یؤمن الوقوع فی الندم من العمل به وإن كان المخیر عادلاً فیعارض المفهوم والترجیح مع ظهور التعلیل. ۲۵۸

۷. وجه تعارض بین مفهوم و عموم تعلیل و نیز وجه ترجیح ظهور تعلیل بر مفهوم را توضیح دهید.

تعارض: چون نسبت بین مفهوم و تعلیل در آیه عموم و خصوص من وجه است و در نقطه اجتماع که خبر عادل غیر علمی است تعلیل می گوید حجت نیست و مفهوم می گوید حجت است تعارض دارند.

وجه ترجیح: (ولکن تعلیل مقدم است بر مفهوم ولو مفهوم اخص باشد و فقط خبر عادل غیر علمی را بگیرد) چون در نزد عرف معلول تابع علت است در عموم و خصوص و التعلیل یعمم و یخصص و این جا نیز تعلیل تعمیم می دهد عدم حجیت را به خبر عادل غیر علمی.

* إن الآیات التي استدل بها علی حجیة خبر الواحد علی تقدیر تسلیم دلالة كل واحد منها علی حجیة الخبر إنما تدلّ - بعد تقييد المطلق منها الشامل لخبر العادل و غیره بفهوم آیه النبأ - علی حجیة خبر العادل الواقعی أو من أخیر عدلّ واقعی بعدالته بل یمكن انصراف المفهوم بحکم الغلبة و شهادة التعلیل بمخالفة الوقوع فی الندم - إلى صورة إفادة خبر العادل الظنّ الاطمئنانیّ بالصدق، كما هو الغالب مع القطع بالعدالة؛ فیصیر حاصل مدلول الآیات اعتبار إفادة خبر العادل الظنّ الاطمئنانیّ بالصدق كما هو الغالب. ۲۹۶

۸. با توجه به عبارت، چه نوع خبری حجت است؟ چرا؟

خبر عادلی که مفید اطمینان و وثوق است؛ زیرا سایر آیات که مطلق هستند، با مفهوم آیه نبأ، به خبر عادل واقعی تخصیص می خورند؛ بلکه خود مفهوم نیز به واسطه عموم تعلیل مضیق شده و در نتیجه خبر عادل واقعی مفید وثوق و اطمینان حجت خواهد بود. در نتیجه، سایر آیات نیز به این مفهوم مضیق تخصیص خواهند خورد.

* والإنصاف أن ما فهمه العلامة من إطلاق قول الشيخ بحجیة خبر العدل الإمامیّ أظهر ممّا فهمه المحقق من التقييد (بقبول الأصحاب أو دلالة القرائن علی الصّحة) لأنّ الظاهر أن الشيخ إنما یتمسک بالإجماع علی العمل بالروایات المدوّنة فی كتب الأصحاب علی حجیة مطلق خبر العدل الإمامیّ بناءً منه علی أنّ الوجه فی عملهم بها كونها أخبار عدول، وكذا ما ادّعاه من الإجماع علی العمل بروایات الطوائف الخاصّة من غیر الإمامیّة، وإلاّ فلم يأخذه فی عنوان مختاره ولم یشرط كون الخبر ممّا رواه الأصحاب وعملوا به. ۳۲۸

۹. با توجه به متن، دو وجه اظهر بودن فهم علامه را ذکر کنید.

۱. معقد اجماع شیخ، حجیت مطلق خبر عدل امامی است ولو این که اصحاب قبول نکرده باشند و محفوف به قرائن نباشد پس وجه اعتبار در نزد اصحاب، عادل بودن راوی می باشد. ۲. آن وجه اعتبارها كونها اخباراً موثوقاً بصدورها لا أخبار عملت بها الاصحاب.